

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حامیان علم و فناوری در جهان و ایران

رضا ماحوزی





پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

حامیان علم و فناوری در جهان و ایران

رضا ماحوزی (عضو هیئت علمی پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی)

ناشر: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و مرکز نشر دانشگاهی

ویراستار: مریم نوربخش

طرح جلد: موسی مرتضوی فر

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۸

شمارگان: ۶۰۰

قیمت: ۳۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۶-۰۴۷-۷

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴، تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

سایت: www.iscs.ac.ir

پست الکترونیکی: info@iscs.ac.ir

آثار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی به منظور ایجاد فضای آزاد علمی و بیان نظر شخصی نویسندگان محترم منتشر می‌شود و لزوماً مورد تأیید پژوهشکده نیست.

سرشناسه: ماحوزی، رضا، ۱۳۵۸

عنوان و نام پدیدآور: حامیان علم و فناوری در جهان و ایران / رضا ماحوزی.

مشخصات نشر: تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۲۰ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۲۶-۰۴۷-۷

موضوع: آموزش عالی -- ایران -- امور مالی

موضوع: Education, Higher-- Iran -- Finance

موضوع: خیریه -- ایران

موضوع: Charity -- Iran

رده بندی کنگره: LB ۳۳۴۲ /۲

رده بندی دیویی: ۳۷۹/۱۲۱۴-۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۵۹۵۹۶۴۱

فهرست

۹	دیباچه پژوهشکده
۱۱	مقدمه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری
۱۵	مقدمه دبیر ستاد خیرین
۱۷	پیش‌گفتار مؤلف

فصل ۱. بنیادهای حامی علم و فناوری در جهان

۲۱	مقدمه
۲۲	الف) بنیادهای حامی علم و فناوری در برخی از کشورهای جهان
۲۲	آمریکا
۳۷	انگلستان
۴۶	فرانسه
۵۴	چین
۶۰	ب) بنیادهای حامی علم و فناوری در کشورهای اسلامی
۶۰	ترکیه
۶۲	کویت
۶۵	مصر
۶۶	لبنان
۶۸	مالزی

۶ / حامیان علم و فناوری در جهان و ایران

جمع‌بندی: توصیه‌هایی در چارچوب بنیادهای حامی علم و فناوری..... ۷۰

- فصل ۲. ریشه‌های کهن آموزش و پرورش و بنیادهای حامی علم و فناوری در ایران
- آموزش و پرورش در ایران باستان..... ۷۷
- الف) به‌وجود آمدن خط و توسعه آموزش از مادها تا هخامنشیان..... ۷۸
- ب) پرورشگاه‌ها یا آموزشگاه‌های منظم و رسمی و ارتباط آنها با خیریه‌های علم و فناوری..... ۷۹
- ج) اهداف نهادهای آموزشی در عصر باستان..... ۸۰
- د) نقش مذهب و اخلاق در آموزش ایران باستان..... ۸۴
- ه) دوران سلوکیان..... ۸۴
- و) عصر ساسانیان و گسترش نقش مذهب در آموزش..... ۸۵
- وقف و خیریه در ایران عصر ساسانی و ارتباط آن با کار خیر آموزشی..... ۸۷
- مراکز آموزشی در دوران نخستین اسلامی..... ۹۰
- الف) شکل‌گیری مکتب‌خانه..... ۹۰
- ب) اجاره کتاب در مکتب‌خانه‌ها..... ۹۱
- ج) سازمان مکتب‌خانه..... ۹۲
- ج - ۱. فضاهای آموزشی..... ۹۲
- ج - ۲. اوقات آموزشی..... ۹۳
- ج - ۳. هزینه‌های آموزشی و تحصیل رایگان نیازمندان..... ۹۳
- د) ریشه‌های تاریخی مدرسه در ایران..... ۹۴
- ه) مدرسه‌ها در دوران اسلامی..... ۹۶
- از عصر صفویه تا دوره قاجاریه..... ۹۸
- الف) توسعه آموزش رایگان به نیازمندان..... ۹۸
- ب) تداوم سنتی و آغاز تحول در نظام آموزش: ساخت مدارس رایگان..... ۱۰۱
- ج) دولتی شدن نهاد آموزش و پرورش و کاهش موقت آموزش رایگان..... ۱۰۳
- د) مدارس جدید در دوره قاجاریه..... ۱۰۶
- ه) تأسیس انجمن معارف: توسعه تخصصی خیریه‌های علم و فناوری..... ۱۰۸
- ز) تأسیس مدارس و مسئله بودجه: مدارس رایگان و غیر رایگان..... ۱۱۳
- آموزش و پرورش، از پهلوی تا انقلاب اسلامی..... ۱۱۴
- الف) قوانین و مقررات جدید..... ۱۱۶
- ب) انقلاب سفید و انقلاب آموزشی..... ۱۱۸
- ج) انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی..... ۱۲۵

فصل ۳. وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری

- وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و برنامه‌های ستاد خیرین..... ۱۳۱
- برنامه راهبردی ستاد خیرین..... ۱۳۴
- الف) وظایف..... ۱۳۴
- ب) برنامه‌ریزی..... ۱۳۵

فهرست / ۷

۱۳۵	ج) راهبردها
۱۳۸	د) اقدامات پشتیبانی
۱۴۰	ه) اعضای حقوقی و حقیقی ستاد خیرین
۱۴۳	و) اقدامات اجرایی ستاد خیرین
۱۴۶	بنیادهای دانشگاهی همکار با ستاد خیرین
۱۴۶	بنیاد حامیان علم و فناوری ایران
۱۴۹	بنیاد دانشگاهی فردوسی
۱۵۵	بنیاد حامیان دانشگاه تهران
۱۶۴	بنیاد شریف
۱۷۲	بنیاد حامیان دانشگاه اصفهان
۱۷۳	بنیاد خیرین دانشگاه صنعتی امیرکبیر
۱۷۳	بنیاد حامیان دانشگاه یزد
۱۷۵	بنیاد خیرین حامی دانشگاه علامه طباطبایی
۱۷۷	بنیاد دانشگاه ولی عصر رفسنجان
۱۷۸	مؤسسه غیرتجاری خیرین حامی دانشگاه اردکان
۱۷۹	ستاد توسعه دانشگاه کاشان
۱۸۳	مؤسسه غیرتجاری بنیاد حامیان دانشگاه بیرجند
۱۸۵	جمع‌بندی: توصیه‌هایی برای تأسیس بنیادهای حامی علم و فناوری در ایران

فصل ۴. راهبردهای توسعه بنیادهای حامی علم و فناوری

۱۸۷	مقدمه
۱۹۴	راهبردها
۲۱۳	جمع‌بندی نهایی
۲۱۷	منابع و مأخذ
۲۲۳	نمایه

دبیاچه پژوهشکده

دانشگاه امروزی در اثر چرخش‌های فرهنگی، اجتماعی و فناوری در عصر حاضر دستخوش تغییراتی شده، و این تغییرات موجب ظهور مفاهیم تازه‌ای در مطالعات آموزش عالی، علم و فناوری گردیده است. در این بستر جهانی، در سال‌های اخیر مطالعات متعددی پیرامون دانشگاه، مسائل و نحوه مدیریت آن همراستا با تحولات اجتماعی و نظام‌های قدرت بیرون از دانشگاه انجام شده است. مطالعات فرهنگی و اجتماعی علم و فناوری به ما کمک می‌کند تا فهم چالش‌های پیش‌روی آموزش عالی و انتظارات از آن با تکیه بر مؤلفه‌های درونی و بیرونی نظام علم و آینده‌نگری تعاملات میان دانشگاه و محیط پیرامون ممکن شود و از این طریق راهبردهای تعادل‌بخش میان کارویژه‌های دانشگاه با نیازهای اجتماعی و بازار کار ارائه شود. براین‌اساس مطالعات آموزش عالی برای شناخت وضعیت موجود، ارزیابی تعاملات آن با جامعه و فرهنگ و ایفای نقش مؤثرتر آموزش عالی در ترسیم آینده کشور نیازمند بهره‌گیری از ظرفیت علوم اجتماعی و علوم انسانی و کاربست راهبردهای آن در عرصه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری است. برای دستیابی به این اهداف، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و

فناوری از سال ۱۳۸۲ با هدف پژوهش در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی و توسعه علمی، ایفای نقش نهاد واسط میان دانشگاه و جامعه و به‌عنوان نهاد مولد اندیشه و اتاق فکر وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در حوزه‌های مورد اشاره تأسیس شده و در پی انجام پژوهش‌ها و مطالعاتی در محورهای زیر است:

۱. پژوهش در زمینه مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی، توسعه علمی و فناوری و مطالعه در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی
۲. توسعه کانون‌های تفکر در حوزه مطالعات فرهنگی و اجتماعی آموزش عالی و توسعه علمی
۳. آینده‌نگری دانشگاه‌ها و شناخت نیازهای جدید آموزش عالی در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی
۴. شناخت و بسط مطالعات میان‌رشته‌ای و روش‌های گسترش آن.

با توجه به اهداف فوق، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی در کنار برنامه‌ها و فعالیت‌های پژوهشی، اقدام به تألیف و ترجمه آثار علمی در زمینه‌های فوق برای توسعه و رشد این حوزه مطالعاتی و همچنین تأمین منابع فکری و علمی لازم برای سیاست‌گذاری فرهنگی و اجتماعی در آموزش عالی، علم و فناوری نموده است. در این راستا کتاب پیش‌رو تلاش دارد وجه دیگری از مطالعات این حوزه را که متأسفانه مدتی است از اذهان دور افتاده است، بر ما عرضه دارد؛ وجهی که بر استقلال مالی و هویتی دانشگاه تأکید دارد و امیدوار است دریچه‌ای به سوی آینده روشن‌تر دانشگاه و مراکز آموزش عالی در ایران بگشاید.

زمینه تحقیق این اثر توسط پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی فراهم آمده و مرکز نشر دانشگاهی در انتشار آن مشارکت داشته است. از ستاد خیرین و قائم مقام محترم وزارت علوم، تحقیقات و فناوری که امکان تأسیس بنیادهای حامی مراکز آموزش عالی و انگیزه تألیف چنین اثری را فراهم آوردند تشکر می‌نماییم.

مقدمه وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

مسئولیت اجتماعی دانشگاه در دنیای معاصر امری است ضروری؛ ضرورتی که به‌پشتوانه مطالعات دانشگاهی مقتضی برداشتن دیوارهای میان دانشگاه و جامعه است. دیوارهایی که دانشگاه را به‌مثابه قلعه‌هایی جدا و دورافتاده از جامعه، از وظیفه بنیادین‌شان در قبال جامعه دور می‌داشت. اینک وقت آن است که هم دانشگاه و هم جامعه مسئولیت‌شان در قبال یکدیگر را به‌درستی ایفا کنند.

این راهبرد برای ما ایرانیان، نه راهبردی نوپدید، بلکه درواقع راهی برای اتصال حال و آینده به گذشته پرافتخاری است که در آن، مردم و جامعه بدون حضور ملموس حکومت‌های وقت، نیازهایشان را شناسایی و برای رفع آن اقدام می‌کردند. به این معنا، تاریخ این سرزمین، تاریخ مشارکت‌های مردمی برای دوام و بقاء در شرایط محیطی و جغرافیایی متنوع و سرسختی است که همواره اقوام ایرانی را به چالش می‌کشید و ایرانیان نیز همواره به‌پشتوانه خرد جمعی و مشارکت حداکثری خود آن چالش‌ها را مهار و زمینه دوام و بقاء خود را فراهم می‌کردند. برای ما، مقطع کنونی ادامه همان تاریخ است با

چالش‌هایی بعضاً جدید و لزوم بکارگیری خرد جمعی و مشارکت حداکثری برای فائق آمدن بر آن‌ها. برای این کار باید به صورت دقیق بدانیم کجا ایستاده‌ایم و کدام بحران‌ها ما را تهدید می‌کند و خرد جمعی چه امکان‌ها و فرصت‌هایی را برای غلبه بر بحران‌های مذکور در اختیار دارد.

بی‌شک مشارکت‌های متنوع و گسترده مردمی در مدیریت دانش و مراکز دانشگاهی و مؤسسات آموزش عالی، یکی از همان امکان‌ها و فرصت‌هایی است که در شرایط فعلی می‌بایست مورد حمایت قانون‌گذاران و مدیران و سیاستگذاران حوزه علم و فناوری قرار گیرد. نباید این نکته را فراموش کرد که استقلال مراکز آموزش عالی و قدرت و قوت آن‌ها، اصلی‌ترین زمینه قدرت کشور در غلبه بر مشکلات داخلی و حضور مؤثر و قدرتمند در محافل بین‌المللی است. برای این مهم، مشارکت جامعه در امر مدیریت دانش و فناوری، راهی مطمئن و بادوام برای رسیدن به اهدافی است که ما ایرانیان در قرن اخیر در سر داریم؛ اهدافی برای توسعه علم و فناوری و برای رشد و تعالی مادی و معنوی و دست یافتن به احترام جهانی و توسعه صلح و گفتگو با خود و با جهان و تعمیق ارزش‌های معقول و جهان‌شمول.

در این شرایط توسعه و حمایت از بنیادهای حامی علم و فناوری، نه یک نسخه موقتی برای صرف عبور از بحران‌های مستحده، بلکه راهبردی عمیق برای اجرایی کردن اندیشه مسئولیت دانشگاه و دعوت از صاحب‌نظران و متخصصان و خیرین محلی و ملی و بین‌المللی برای هدایت برنامه‌های جاری و آتی دانشگاه و مراکز پژوهشی متناسب با تشخیص‌های خردمندانانه و موقعیت‌سنجانه است. این درواقع اصلی‌ترین مضمون برداشتن دیوارهای میان دانشگاه و جامعه و عمل

به مسئولیت متقابل این دو در قبال یکدیگر است. امید است ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برنامه‌های حمایتی خود از بنیادهای حامی علم و فناوری مراکز آموزش عالی کشور را با هدف نیل به این مطلوب پیش برد و زمینه را برای استقلال هر چه بیشتر این مراکز فراهم آورد. جا دارد متناسب با ضرورت این مقوله بنا به دلایل پیش گفته و دیگر دلایل، از ظرفیت‌های تاریخی و دینی و فرهنگی این سرزمین برای توسعه ادبیات و راهکارهای اجرایی این مهم استفاده شود. در این میان توسعه فقه خیریه متناسب با اقتضائات جدید اجتماعی و اداری و سبک‌های جدید مدیریت علم و فناوری و همچنین وضع قوانین حمایتی مناسب و پیشرفته ضرورتی محسوس است. خوشبختانه در این باره در میانه راه هستیم.

کتاب پیش‌رو به محققان و سیاستگذاران حوزه آموزش عالی کمک می‌کند علاوه بر آشنایی با فرایندهای رایج دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و تحقیقاتی ایران و دیگر کشورها در جذب حمایت‌ها و همکاری‌های غیردولتی، از یک‌سو مقوله مسئولیت متقابل دانشگاه و جامعه در قبال یکدیگر را به‌مثابه یکی از راهبردهای نیل به استقلال دانشگاه در نظر بگیرند و از سوی دیگر توسعه مطالعات پسادانشگاهی را که معطوف به ورود جامعه در امر مدیریت علم و فناوری است در مرکز توجهات خود قرار دهند. از پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و ستاد خیرین وزارت عتف که زمینه تحقیق و آماده‌سازی این اثر را فراهم آورده است نیز تشکر می‌کنم و امیدوارم تحقیقات بیشتر در این زمینه راهنمای اقدامات آتی ما باشد.

منصور غلامی

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری

مقدمه دبیر ستاد خیرین

مطالعه نظام خیرین و حامیان علم و فناوری در کشورهای جهان و ایران به منظور آشنایی با پیشینه، روند توسعه وضعیت و عملکرد فعلی کشورها در این حوزه، نگاشت نهادی مجموعه‌های فعال در این بخش و برنامه‌های آتی این کشورها با هدف استفاده از تجربیات موفق و پرهیز از تجربیات ناموفق، با لحاظ اقتضائات منحصر به فرد کشورهای مورد مطالعه، حسب رویکرد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از طرف این وزارت به پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی واگذار شد.

اجرای این پروژه مرهون تلاش افراد متعددی است. در اینجا لازم می‌دانم از وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری، قائم مقام و رئیس مرکز هیئت‌های امنای این وزارتخانه بواسطه حمایت‌های بی‌دریغ وی، معاونین محترم وزیر بخصوص معاون اداری و مالی و مدیریت منابع، رئیس پژوهشکده جناب آقای دکتر حسین میرزایی، آقای دکتر رضا ماحوزی و همکاران ایشان، و کارشناسان محترم ستاد خیرین آقایان مهندس عبدالحسینی، دهداری‌نژاد و کریمی که در گردآوری و تهیه

۱۶ / حامیان علم و فناوری در جهان و ایران

بخشی از اطلاعات این مجموعه نقش مؤثری داشتند تشکر و قدردانی
نمایم.

امید است این مجموعه بتواند برای دانشگاهیان و حامیان علم و
فناوری و خیرین عزیز جهت شتاب دادن به نهضت عظیم رشد دانش،
علم و فناوری و رفع نیازهای کشور مورد استفاده واقع شود.

حسین عسکریان

مشاور وزیر و دبیر ستاد خیرین

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پیش‌گفتار مؤلف

کتاب پیش‌رو به توصیه‌ی دبیر محترم ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، جناب آقای دکتر عسکریان، و قائم‌مقام محترم وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، جناب آقای دکتر عبدالرضا باقری، با هدف استفاده از تجربیات جهانی توسعه‌ی بنیادهای حامی علم و فناوری در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و فناوری کشور تألیف شده است. در واقع، برای چنین موضوع مهمی در دنیای جدید، که متأسفانه به‌رغم اهتمام نسبی بدان منابع و مآخذ آن در زبان فارسی و فرهنگ ایرانی ما کم‌یاب بلکه نایاب است، چنین وجیزه‌ای مدخلی برای مطالعات آتی در زمینه یادشده به شمار می‌آید.

برای خوانندگانی که بعضی از مطالب تاریخی و غیرتاریخی گرد آمده در این نوشتار را مختصر یا حتی کم‌ارتباط با مسائل و مباحث مربوط به بنیادهای حامی علم و فناوری تلقی می‌کنند ذکر این نکته ضروری است که درباره‌ی تاریخ بنیادهای مذکور در ایران، جهان اسلام و حتی غرب (قبل از قرن شانزدهم میلادی) تقریباً یا حتی تحقیقاً منبع و مآخذی مستقل وجود ندارد. فقر منابع در این موضوع

چنان گسترده است که مجال شناخت درست و دقیق ساختار بنیادهای حامی علم و فناوری و چند و چون آنها را فراهم نمی‌کند؛ نکته‌ای که نباید فراموش کرد و بر محققانی که در این عرصه گام نهاده‌اند نباید سخت گرفت. در عین حال، ناامید هم نباید بود.

بنیادها یا همان خیریه‌های حامی علم و فناوری سازمان‌های غیردولتی و مردمی‌ای هستند که به نحو خودانگیخته و متناسب با اولویت‌های خیران و مسئولان مراکز آموزش عالی تأمین بخشی یا تمام هزینه‌های جاری مراکز علم و فناوری را تقبل می‌کنند. این بنیادها بنا بر تفاوت‌های سرزمینی و فرهنگی و ساختار مدیریتی از کشوری تا کشور دیگر متفاوت‌اند. لذا، واجد مباحث و اصولی ثابت نیستند. آنها، مثل هر آنچه به انسان و علوم انسانی مربوط است، در جریان تاریخ به وجود آمده‌اند، به ضرورت تاریخ و متأثر از شرایط متفاوت تحول و تبدل پذیرفته و نام‌های گوناگون یافته‌اند. آنها به اقتضای آموزه‌های دینی و حقوقی و اقتصادی و فرهنگی گاهی از بطن مناسبات اجتماعی برآمده و گاهی خود ایجادکننده مناسباتی اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند. از این‌رو، محقق با بررسی موضوعاتی عام‌تر، چون تاریخ خیریه‌ها در جهان اسلام و خارج از جهان اسلام، در پی یافتن نکاتی درباره بنیادهای حامی علم و فناوری و کشف مناسبات آنها با دیگر زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی است. بدین منظور، بررسی بخش درخور ملاحظه‌ای از آنچه به بنیادهای حامی علم و فناوری مربوط است و نیز انواع خیریه‌ها، به‌ویژه اقسام شناخته‌شده‌تر آنها در شرق و غرب، ضروری است. البته به‌رغم کوشش‌ها همچنان آگاهی ما از جزئیات خیریه‌های علم و فناوری تا قبل از قرن شانزدهم در غرب و تا اوایل قرن اخیر در جهان اسلام

و ایران ناچیز است ولی در عین حال بررسی تاریخ این موضوع، به‌ویژه آنچه بر کلیت خیریه‌ها رفته است، مفید خواهد بود. بیهوده نیست که در اکثر موضوعات کمترشناخته‌شده راه‌حل اصلی محققان بررسی تاریخی موضوعات عام‌تر و مشابه است. نباید تصور کنیم که خیریه‌های علم و فناوری از متن مباحث مربوط به خیریه‌ها در آن ایام جداست. شاید بهتر باشد این بحث را جزو لازم و مکمل آن مباحث بلکه مبنای عمده استخراج آن اصول و مبادی بشماریم.

از جمله عوامل فقر منابع بنیادهای حامی علم و فناوری در جهان اسلام سنت وقف است. وقف موضوعی دینی است که فرصت بروز کمتری به خیریه‌ها داده است. گونه‌هایی از بنیادهای حامی آموزش در جهان اسلام نیز که می‌یابیم اغلب در پرتو سنت وقف کمتر به چشم آمده و مورد عنایت جامعه اسلامی قرار گرفته‌اند. همین غلبه روحیه دینی و ارتباط کمک‌های مردمی با مسائل دینی را در شکوه ابنیه دینی غرب نیز مشاهده می‌کنیم.

بنابراین، آنچه را در ادامه از نظر خوانندگان خواهد گذشت به چهار فصل تقسیم می‌کنیم: در فصل نخست، تاریخچه‌ای مختصر از وضعیت بنیادهای مردمی (خیریه‌ها) در جهان (اعم از جهان اسلامی و غیراسلامی) بیان می‌کنیم. قصد نداریم منشأ بنیادها را شناسایی کنیم بلکه آنها را به نیت نیل به هدف خود، یعنی معرفی بنیادهای حامی علم و فناوری، بررسی می‌کنیم. همچنین، متناسب با تاریخ اخیر بنیادهای مردمی و شرکتی حامی علم و فناوری تجربیات جهانی را در این خصوص شناسایی و معرفی می‌کنیم؛ تجربیاتی که فهمی از کارکرد بنیادهای حامی به دست می‌دهد.

بخش دوم فصل نخست شواهدی را از کارهای خیر سلسله‌های حاکم بر ایران نشان می‌دهد که قابل تعمیم به حوزه خیریه‌های علم

و فناوری است. این بخش نیز ادعا ندارد که چیزی را از مقوله تاریخ خیریه‌های علم و فناوری به صورت جامع و کامل ثبت و ضبط کرده است. با این حال، همین چند نمونه مختصر از مدارس و کتابخانه‌های ایران و خارج از ایران با جست‌وجوی طاقت فرسا در منابع به دست آمده و گویای سابقه وجود انواعی از خیریه مرتبط با آموزش و پژوهش در سنت ایرانی - اسلامی است.

فصل سوم درخصوص فعالیت‌های ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در پانزده سال اخیر و فعالیت‌های بنیادهای دانشگاهی متعدد در سراسر کشور است. ذکر راهبردهای آتی ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و روند روبه‌رشد فرهنگ همپاری با مراکز آموزش عالی در ایران را نیز در همین فصل تشریح و بررسی کرده‌ایم.

در فصل چهارم و پایانی تحقیق حاضر، متناسب با تجربیات جهانی و اقتضات و امکانات داخلی راهکارهایی عملیاتی را برای توسعه فعالیت‌های نیک‌خواهانه افراد، سازمان‌ها و بنیادها و شرکت‌ها و مراکز اقتصادی و تجاری پیشنهاد کرده‌ایم.

امید است در نتیجه این مطالعه مقدماتی راه‌های بیشتری برای توسعه فرهنگ یاری مراکز آموزش عالی گشوده شود، که از یک سو پیش‌شرط مقوله بنیادی استقلال دانشگاه‌هاست و از سوی دیگر اصلی‌ترین الگوی مسئولیت اجتماعی دانشگاه را در قالب تعهد دوسویه دانشگاه و جامعه نشان می‌دهد؛ راه‌هایی که آینده کشور عزیزمان، ایران، را تضمین و دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی و پژوهشی را از سلطه مراکز قدرت بیرونی آزاد می‌کند.

رضا ماحوزی

پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

فصل ۱

بنیادهای حامی علم و فناوری در جهان

مقدمه

سابقه بنیادهای حامی علم و فناوری، در مقایسه با دیگر انواع خیریه، نه تنها در ایران در کشورهای دیگر نیز طولانی و پررنگ نیست. به همین دلیل، در نخستین فصل نگاهی کوتاه به وضعیت عمومی بنیادهای حامی علم و فناوری در کشورهای دیگر می‌اندازیم. فصل حاضر، که در دو بخش «کشورهای غیراسلامی» و «کشورهای اسلامی» تنظیم شده است، ضمن دادن اطلاعاتی درباره بنیادهای خیریه مردمی دیگر کشورها به بنیادهای حامی علم و فناوری می‌پردازد. برای مثال، ضمن بررسی بنیادهای خیریه آمریکا به تاریخچه بنیادهای حامی علم و فناوری آن نیز توجه کرده‌ایم، که خود قابل تعمیم به دیگر کشورها، به‌ویژه کشورهای غیراسلامی، است.

الف) بنیادهای حامی علم و فناوری در برخی از کشورهای جهان

آمریکا

سابقهٔ تأسیس بنیادهای حامی علم و فناوری در آمریکا، به مثابهٔ کشور خیریه‌ها، به اواخر قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم میلادی بازمی‌گردد. قدرت و سرعت فعالیت بنیادها در ایالت‌های آمریکا حسب دوری یا نزدیکی آنها به اروپا یکسان نبوده است. از افراد مؤثر بر تأسیس بنیادهای حامی علم و فناوری در آمریکا جورج وایت فیلد^۱ بود. او که اصالتاً انگلیسی بود به قصد تأسیس خانه‌ای برای بچه‌های یتیم به ایالت جورجیای آمریکا سفر و بعد از مدتی آن خانه را به خیریه‌ای آموزشی بدل کرد. خیریهٔ او در جورجیا با نام بتسدا^۲ در سال ۱۷۴۰ تأسیس شد. بتسدا مدرسه‌ای بود که یتیمان سراسر آمریکا، به‌خصوص ایالت‌های هم‌جوار جورجیا، را آموزش می‌داد. وایت فیلد در تأسیس و ادارهٔ بتسدا از بنیادهای علم و فناوری انگلستان و آلمان تأثیر گرفته بود.

در پیروی از نظام آموزشی مدرسهٔ بتسدا بنیادهای حامی علم و فناوری در سراسر آمریکا گسترش یافت چنان‌که نه‌تنها فقرا و یتیمان آمریکایی که افرادی از طبقهٔ متوسط آمریکا نیز به ثبت‌نام در خیریه‌ها و استفاده از روش‌های آموزشی آنها اشتیاق داشتند.

وایت فیلد کشیشی مذهبی بود. از این رو، در مدرسهٔ خیریهٔ بتسدا و مدارس پیرو آن مذهب نقش مهمی ایفا می‌کرد هرچند بعدها و با گسترش مدارس خیریه در آمریکا از نقش مذهب در آنها قدری کاسته شد. وایت فیلد به دلیل کشیش بودنش روش‌های تبلیغی را خوب

1. George Whitefield
2. Bethesda

می دانست؛ به همین دلیل، در ترغیب مردم به ایجاد مدارس خیریه موفق بود. وی در دو شهر **فیلا دلفیا** و **کارلستون** بیشتر نفوذ داشت و تعداد درخور توجهی مدرسه آموزشی خیریه در این دو شهر تأسیس کرد. برخلاف فیلا دلفیا، که افراد و نخبگان شهر هزینه‌های بنیادهای خیریه را پرداخت می کردند، در کارلستون نظامی تقریباً شهری یا دولتی تشکیل شده بود که هزینه‌های مراکز آموزشی خیریه را خودکار پرداخت می کرد.^۱

رؤسای مدارس خیریه معمولاً خدمات آموزش متفاوتی را به کودکان یتیم عرضه می کردند. تقریباً همه افراد سطحی معمولی از مهارت خواندن و نوشتن یا حتی موسیقی را دریافت می کردند ولی آموزش‌های تخصصی و حرفه‌ای فقط به عده محدودی از کودکان نخبه داده می شد. در واقع، مستعدهای برتر در بنیادهای حامی علم و فناوری آمریکا آموزش بیشتر و طولانی تری دریافت می کردند. محدودیت بدین دلیل بود که مراکز آموزشی خیریه از بودجه و درآمدهای کافی برخوردار نبودند و باید از میان مستعدها تعدادی را برمی گزیدند.^۲

نکته دیگر در باب مراکز خیریه اولیه آن است که هم در آمریکا و هم در انگلستان و آلمان صاحب‌منصبان مذهبی و کشیشان مسیحی همواره از ایجاد این مراکز و حمایت از آنها دفاع می کردند چرا که مایل بودند از این طریق مسیحیت و علم دینی را گسترش دهند. از این رو، اسحاق واتس، از مذهبیان انگلیسی بانفوذ، معتقد بود خیریه‌ها

۱. برای این موارد رجوع کنید به:

Sharon, *Confining the Poor to Ignorance*, p. 124ff

۲. نمونه‌ای از محدودیت‌ها را در نهادهای آموزشی دولتی و خیریه اواخر حکومت قاجار در ایران نیز مشاهده می کنیم.

نه تنها برای فقر است بلکه جای مناسبی برای همه افراد است و به شدت از این مراکز حمایت می‌کرد.

در همان زمان، بعضی اعتقاد داشتند مراکز علمی خیریه باید هم به آموزش‌های نظری و هم به آموزش‌های عملی توجه داشته باشند. آنان نظام آموزشی‌ای را در آمریکا تشکیل دادند که خواندن و نوشتن و برخی آموزش‌های اولیه را برای کودکان یتیم و فقرا کافی نمی‌دانست و بیشتر وقت خود را به آموزش عملی و یاد دادن مهارت‌هایی چون نجاری، آهنگری و آرایشگری صرف می‌کرد تا کودکان یتیم در آینده از شغلی مناسب برخوردار شوند و برای جامعه مفید باشند. به عبارت دیگر، برخی از مراکز آموزشی خیریه در غرب بر آموزش حرفه متمرکز و برای تحصیل علوم نظری نقش فرعی قایل بودند.

یک یا چند نسل پس از آن، مراکز خیریه آموزشی متأخرتر آمریکا مکاتبه و ارتباط با مراکز و مدارس آموزشی خیریه قدیم‌تر را از راه‌های کسب بودجه قرار داده بودند، بدین ترتیب که به خیرین آن مراکز متصل می‌شدند تا از آنان نیز برای پیش‌برد اهداف خود بهره ببرند. بسیاری از مراکز خیریه آموزشی نسل متأخر آمریکا از مراکز خیریه با سابقه فعال در آمریکا و اروپا کمک‌های فراوان دریافت کردند.

در مراکز آموزشی خیریه آمریکا و اروپا دو گروه استاد وجود داشت: ۱. استادان بی‌مزد^۱ و ۲. استادان مزدگیر^۲. دسته اول برای آموزش پولی دریافت نمی‌کردند و کار خود را مصداق کار خیر می‌دانستند. دسته دوم، که از تعداد کمتری تشکیل می‌شد، در ازای

1. Free scholars
2. Pay scholars

آموزش‌های خود پول دریافت می‌کردند. استادان دسته اول یا کمک‌کنندگان به مراکز آموزشی اغلب از پرداخت مالیات معاف می‌شدند. معافیت از مالیات مشوق مهمی بود که دولت، مراکز و سازمان‌های صاحب نفوذ به مدرّسان و خیران اعطا کردند تا به کمک به مراکز خیریه ترغیب شوند.

علاوه بر اینها، بعضی از خانواده‌های ممتول و مشهور یا حتی معمولی یک یا نهایتاً دو دانش‌آموز مراکز خیریه را تحت پوشش خود قرار می‌دادند اما نه بدین معنا که همه مخارج تحصیل او را پرداخت کنند بلکه خوراک و پوشاک کودک یتیم را تأمین و از این طریق به بودجه مراکز آموزشی خیریه کمک می‌کردند.

در قرون هفدهم و هجدهم میلادی در آمریکا گاهی دختران و پسران تحت آموزش در مراکز خیریه آموزشی را تفکیک می‌کردند. در آن دوران تعصبات درباره تفاوت زن و مرد همچنان پررنگ بود. لذا، هرگاه مراکز خیریه آموزشی دچار کسری بودجه می‌شدند تعداد دختران می‌کاست و اولویت را به آموزش پسران می‌دادند. با گذشت زمان، به‌ویژه در دهه‌های گذشته، تفکیک کمتر شد و اگر تفکیکی هم ایجاد می‌کردند با هدف بالا بردن قابلیت‌ها و مهارت‌های هر دو جنس در آموزش نظری و عملی بود. برای مثال، بعضی از مراکز خیریه آموزشی دختران به آموزش‌های نظری و عملی‌ای چون پرستاری اولویت دادند.^۱ آداب همسرداری و مسائل خانوادگی نیز در مدارس و مراکز آموزشی خیریه به دختران و پسران آموزش داده می‌شد چنان‌که هنوز در بعضی از مراکز خیریه امروزی چنین رویه‌ای رواج دارد.

۱. در ژاپن نیز دانشگاه‌هایی همچون دانشگاه Sacred Heart وجود دارد که صرفاً به آموزش دختران می‌پردازند.

نکته دیگر اینکه برخی از مراکز آموزشی خیریه آمریکا تلاش داشته‌اند به کمک افراد خیر و اعطای بورس‌های بلندمدت اشتغال فارغ‌التحصیلان خود را تضمین کنند. مطابق قانون، فارغ‌التحصیلان مراکز خیریه می‌بایست پس از اشتغال بخشی از درآمد خود را به منظور تربیت افرادی چون خود در همان مرکز یا دیگر مراکز خیریه صرف کنند.^۱

امروزه مؤسسات خیریه آمریکا انواع متفاوتی دارند: بعضی از آنها اموال موقوفه را چه در دوران حیات شخص و چه پس از فوت وی دریافت می‌کنند و حتی به اوراق بهاداری چون سهام و اوراق قرضه بدل و سودهای مترتب بر اوراق و سهام‌ها را در کنار هدایای مردمی به نفع جامعه هزینه می‌کنند. این مؤسسات بنگاه‌های تجاری نیستند و مطابق عنوان غیرانتفاعی خود از سرمایه‌گذاریشان سود نمی‌برند. دولت نیز چنین مؤسساتی را از مالیات معاف داشته تا بهتر خدمت‌رسانی کنند.^۲

نکته دیگر درباره تاریخ مراکز آموزشی خیریه آمریکا آنکه برخی از این مراکز تلاش داشته‌اند تضمینی برای اشتغال فارغ‌التحصیلان خود ایجاد کنند. با این توضیح که به کمک افراد خیر و ایجاد بورس‌های بلند مدت، شغل و زندگی افرادی که در این مراکز تحصیل کرده‌اند را تضمین می‌کنند. طبق قانون این قبیل افراد نیز می‌بایست پس از شروع به کار بخشی از درآمد خود را برای رشد و تربیت افرادی همچون خود در همان مرکز خیریه و یا دیگر مراکز خیریه صرف کنند.

۱. ر. ک به:

Sharon, *Confining the Poor to Ignorance?*, pp.123-148

۲. بوریس، الیزابت، «نهادهای وقفی و خیریه در آمریکا»، ترجمه صادق عبادی، میراث جاویدان، سال پانزدهم، ش ۸۸، ص ۸۲

مؤسسات یادشده موظف‌اند در چارچوب‌های تعیین‌شده در اساسنامه عمل کنند. در غیر این صورت، دولت آنها را جریمه یا در صورت تکرار تخلف مجوزشان را لغو خواهد کرد. مؤسسات حق ندارند با پول خیرین سرمایه‌گذاری‌های خطرپذیر کنند یا اموال آنان را در فعالیت‌های سیاسی و انتخاباتی هزینه کنند. دولت فدرال در پایان هر سال گزارش‌های مالی مؤسسات خیریه را بررسی و گاهی از این مراکز بازدید می‌کند. همین نظارت و اعلام سلامت رفتاری مؤسسه موجب جلب اعتماد عمومی و مشارکت بیشتر مردم با مؤسسات شده است. علاوه بر نظارت دولت خود مؤسسات نیز عملکرد مالیشان را به‌نحو شفاف رسانه‌ای می‌کنند و اعتمادزایی بیشتر می‌شود. آنها همچنین مردم را از طریق رسانه‌ها و تماس‌های مستقیم به مشارکت دعوت می‌کنند و فعالیت خود را توسعه می‌دهند.

از نظرگاهی دیگر نیز مؤسسات خیریه آمریکا به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱. مؤسسات خیریه خاص^۱، که افراد مستقل یا شرکت‌های تجاری بزرگ و کوچک تأسیس می‌کنند، و ۲. مؤسسات خیریه عمومی^۲، که متشکل از هیئت امنایی هستند که بر مبنای قوانینی خاص برای رسیدن به اهدافی مشخص عمل می‌کنند. ۳. خیریه‌های علم و فناوری در آمریکا بیشتر در قالب مؤسسات خیریه خاص‌اند.

مؤسسه خیریه خاص را یا افرادی مستقل یا خانواده‌ای مشخص (با نام مؤسسه خیریه خانوادگی^۴) تأسیس می‌کنند، که در این صورت در هزینه‌کرد اموال مؤسسه اختیارات فراوانی

1. private foundations
2. operating foundations

۳. همان

4. family foundation

وجود دارد، یا شرکت‌های مشخص آن را با نام «مؤسسه خیریه وابسته به شرکت‌ها» تأسیس می‌کنند.

امروزه بسیاری از شرکت‌های بزرگ جهان، از شرکت فورد تا شرکت کامپیوتری بیل گیتس، این نوع مؤسسه‌های خیریه را تأسیس و بخشی از درآمد خود را صرف اهداف و منظورهای مشخص می‌کنند. تقویت ارزش‌های دموکراتیک، کاهش فقر و بی‌عدالتی، توسعه فعالیت‌های بین‌المللی و بسط دستاوردهای انسانی از جمله اهدافی است که هنری فورد، مالک شرکت ماشین‌سازی فورد در ایالت میشیگان آمریکا (تأسیس در سال ۱۹۵۰)، در اساسنامه بنیاد خیریه فورد درج کرده است. بنیاد فورد در سال ۱۹۵۵ به بنیادی بین‌المللی برای کمک‌هایی در سطح بین‌المللی ارتقا یافت چنان‌که در هیئت‌مدیره آن ۱۷ عضو از همه قاره‌ها و ۱۰ مدیر ارشد اجرایی حضور دارند. بنیاد خیریه فورد در سال ۲۰۰۱ سرمایه‌ای بالغ بر ۱۴/۵ میلیارد دلار داشت که درصد درخور توجهی از آن حاصل مشارکت دیگر شرکت‌های آمریکایی، اروپایی و آسیایی و حتی آفریقایی بود. این بنیاد با هدف حفظ ارزش مالی تلاش دارد سرمایه خود را حفظ و با شفافیت کامل مقاصد مورد نیاز قدیم و جدید را حمایت کند.

بنیاد گوردن و بتی مور که زن و شوهری آمریکایی آن را در سال ۲۰۰۰ با هدف حفظ محیط‌زیست و تحقیق در این حوزه در فرانسیسکو تأسیس کردند از دیگر بنیادهای خیریه است. آقای گوردون، مؤسس شرکت اینتل، در اولین سال تأسیس بنیاد ۵ میلیارد دلار و در سال ۲۰۰۱ به همراه همسرش ۶۰۰ میلیون دلار

بنیادهای حامی علم و فناوری در جهان / ۲۹

به بنیاد کمک کرد؛ مبلغی که هر ساله اضافه شده و از طریق جذب دیگر کمک‌های مردمی تا سال ۲۰۱۸ به ۶ میلیارد دلار دارایی رسیده است. بنیاد مذکور سرمایه خود را به منظور حفظ ارزش مالی و ارتقای آن به بانک‌های جهانی سپرده است.

Gordon and Betty
MOORE
FOUNDATION
بنیاد گوردن و بتی مور



بنیاد اکنون در رتبه ۱۰ جهانی بنیادهای خیریه علمی قرار دارد. اختصاص ۱۷۰ میلیون دلار به گرنت پروژه سبز در سال ۲۰۰۹ در منطقه‌های آمازون و آندس، ۱۹,۴ میلیون دلار در سال ۲۰۱۰ به بخش‌های محیط‌زیست و کمک ۱۷۸ میلیون دلاری به طرح‌های بین‌المللی با تقریب ۱۱ درصد از کل بودجه‌های هزینه‌شده در بنیاد برای مواردی چون جنگل‌ها، دریاها، زیست‌بوم ماهی‌های آزاد، طرح بازار غذاهای دریایی و اقیانوسی، طرح بازارهای کشاورزی و جنگل‌ها و غیره از فعالیت‌های این بنیاد معتبر و بین‌المللی آمریکایی است. بنیاد گوردن و بتی مور تا کنون بخش درخور توجهی از توسعه علم و فناوری را در حوزه مأموریت خود بر عهده داشته است. تعداد

گرنتهای داده‌شده بنیاد تا کنون ۶۰۸ عدد با میانگین هر ماه ۳۴ عدد به ارزش تقریبی ۱,۲۰۰,۹۷۷,۹۵۲ دلار بوده است. آزمایشگاه علمی کالیفرنیا، کشفیات مخترعان، پدیده‌های سیستم کوانتوم، طرح میکروپزشناسی دریایی و تلسکوپ ۳۰متری برخی از فعالیت‌های بنیاد در حوزه علم و فناوری است. همچنین بنیادها و مراکز علمی بین‌المللی دیگری، همچون انجمن دانشگاه کانادا برای تحقیقات علم نجوم، مؤسسه تکنولوژی کالیفرنیا، دپارتمان علمی و تحقیقاتی هند، رصدخانه بین‌المللی نجوم ژاپن، رصدخانه بین‌المللی نجوم چین و دانشگاه کالیفرنیا، با بنیاد گوردن و بتی مور همکاری علمی و اجرایی دارند و در پیش‌برد دانش نقشی مؤثر ایفا می‌کنند.^۱

نکته جالب درباره خیریه‌های مردمی و شرکتی آمریکا این است که دولت در حمایت از خیریه‌ها با نظارت بر عملکرد آنها میزان اموال و درآمدهای خود خیریه‌ها و نیز اموال اعطاشده به آنها را محاسبه و بر اساس آن ضوابط مربوط به مالیات را حذف می‌کند. بدین ترتیب، شرکت با رعایت ضوابط و مقررات نظارتی حقوقی از پرداخت تمام یا بخشی از مالیات معاف می‌شود. همین امر سبب شده است حتی کسانی که انگیزه کاملاً خیرخواهانه ندارند وارد عرصه کار خیر شوند.

اقدام دولت در محاسبه‌ای بازگشتی به سود خودش تمام می‌شود و نتایجی بیش از رفع محرومیت‌ها، شدن شکاف‌های اجتماعی و رشد اقتصادی دارد. آزادی عمل مؤسسات خیریه در کمک به طرح‌های آزمایشگاهی، پژوهش‌ها، طرح‌های فرهنگی و حتی مشکلات عمومی جامعه سبب پیشرفت دانش، ارتقای رفاه اجتماعی

۱. ر.ک به مجله «همیاران»، ش ۱۰، بنیاد دانشگاهی فردوسی، صص ۷-۲۴.

و تأمین امنیت روانی و اجتماعی شده و برکاتی ارزشمند برای آمریکا و جهان فراهم کرده است.

در کنار دو نوع خیریه نام‌برده، با درصدی کمتر مؤسسات خیریه خاص دیگری در آمریکا وجود دارد که به اجرای امور اهتمام دارند بدین معنا که طرحی خدماتی را برای جامعه‌ای اجرا می‌کنند؛ مثلاً، برای موزه‌ای خاص طرحی تحقیقاتی اجرا می‌کنند یا به مرکزی درمانی مکانی را برای اجرای پژوهش‌های محققان آن اختصاص می‌دهند.^۱ بخشی از درآمد این نوع مؤسسات از طریق مؤسسات خیریه و بخشی دیگر از اشخاص مستقل تأمین می‌شود که با انگیزه‌ای دینی اموال خود را اعطا می‌کنند. گاهی نیز حکومت محلی یا فدرال بابت خدمات آنها کمک‌هایی اعطا می‌کند.

نکته جالب درباره خیریه‌های مردمی و شرکتی آمریکا این است که دولت نیز در حمایت از اقدام این خیریه‌ها، با قید نظارت بر عملکرد خیریه‌های مذکور و تعیین درصد و میزان اموال اعطا شده به آنها، علاوه بر اموال و درآمدهای خود این خیریه‌ها، ضوابط مربوط به مالیات بر شرکت را نیز برداشته و آن شرکت را با رعایت ضوابط و مقررات نظارتی حقوقی، یا از پرداخت تمام مالیات و یا بخشی از آن معاف می‌کند. همین انگیزه معافیت از مالیات و یا کسر درصدی از مالیات بنام فعالیت در مؤسسات خیریه سبب شده تا حتی کسانی که انگیزه کاملاً خیرخواهانه ندارند نیز وارد این عرصه شوند.

نوعی دیگر از خیریه‌های رایج در آمریکا صندوق‌های خیریه است. صندوق‌ها خانواده‌های متمول یا افراد خاص جامعه را با هدف خدمات اجتماعی گرد هم می‌آورند. صندوق زنان از این صندوق‌هاست که با هدف کمک به زنان و دختران نیازمند تأسیس شده است. صندوق اقلیت مذهبی نیز از این قبیل صندوق‌هاست که جمعیت‌هایی چون بوداییان یا یهودیان آمریکا را پوشش می‌دهد.

دامنه حمایت صندوق‌ها به طور دقیقی مشخص است.^۱ برای مثال، صندوق وقفی کلاگستون برای دانشجویان صرفاً به دانشجویان معلول و پژوهش‌های مربوط به معلولان کمک می‌کند.

صندوق‌ها در کنار اشکال دیگر مؤسسات خیریه برای اجرای طرح‌های پژوهشی و غیره وام می‌دهند یا حتی در طرح‌های خیریه سرمایه‌گذاری می‌کنند. آنها همچنین از همایش‌های مربوط به حوزه شناسایی و آسیب‌شناسی نیازها و مشکلات جدید اجتماعی حمایت می‌کنند و نتایج همایش‌ها را به مرحله عمل می‌رسانند. بدین ترتیب، مؤسسات خیریه با اجرای طرح‌های پژوهشی و حمایت از آنها راهکارهایی جدید در مقابل دولت قرار می‌دهند و آن را از لحاظ فکری و مدیریتی تقویت می‌کنند. شایان ذکر است بعضی از صندوق‌ها با فعالیت‌های خیریه‌های علم و فناوری نیز همسوست و حمایت از فعالیت‌های پژوهشی در اولویت آنها قرار دارد.

۱. صندوق وقف و خیریه بنیاد نورفلک در اقدامی جالب حتی زیربخش‌های صندوق خود را مشخص کرده و خیران را به مقاصدی جزئی‌تر و مشخص‌تر هدایت کرده است.

اگرچه روزبه‌روز بر تعداد مؤسسات خیریه وابسته به شرکت‌ها در آمریکا افزوده می‌شود همچنان مؤسسات خیریه مستقل و خانوادگی در آمریکا رتبه نخست را دارند به گونه‌ای که در سال ۱۹۸۹ از مجموع ۳۲۰۰ مؤسسه خیریه ۸۹/۵ درصد به خیریه‌های مستقل و خانوادگی، ۵ درصد به خیریه‌های وابسته به شرکت‌های تجاری، ۴/۵ درصد به خیریه‌های اجرایی و تنها ۱ درصد به خیریه‌های عمومی اختصاص داشته است. در همین سال، مجموع دارایی خیریه‌ها بالغ بر ۱۳۸ میلیارد دلار بوده که ۷/۹ میلیارد دلار آن را به مؤسسات دیگر (مؤسسات آموزشی و بهداشتی و غیره) کمک کرده‌اند. همه اینها گویای نقش مؤثر مؤسسات خیریه در حفظ حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و آموزشی آمریکاست. مؤسسات خیریه با شناسایی نیازهای جامعه کمک‌های خود را توزیع می‌کنند. از سوی دیگر، مؤسسه یا نهاد دریافت‌کننده کمک نیز باید هزینه‌کرد کمک‌ها را به دولت گزارش کند.

در اینجا استثنائی برای کمک‌های مالی به بورس تحصیلی و مطالعات علمی و پژوهشی و اطمینان از بی‌طرفی و صحت پرداختی‌ها وجود دارد. بنابراین، بخشی از درآمدهای خیریه‌های آمریکا به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی اختصاص می‌یابد که خود نوعی کمک غیرمستقیم به بنیادهای حامی علم و فناوری در این کشور است.

بنیادهای حامی آمریکا جنبه‌ای بین‌المللی نیز دارند. مؤسسات خیریه آمریکا در سطحی وسیع‌تر حتی نیازهای بین‌المللی یا خاص را در دیگر کشورها پوشش می‌دهند. آنها به‌ویژه بر حوزه‌هایی چون آموزش و بورس تحصیلی، بهداشت، حقوق بشر، کودکان و زنان،

محیطزیست و امور بین‌المللی تمرکز دارند و هزینه‌های موردنیاز جوامع نیکوکار دیگر کشورها را تأمین می‌کنند. از این میان، مؤسسات خیریه حدود ۲۲ درصد از کمک‌های خود را به آموزش، ۱۸ درصد به بهداشت، ۱۵ درصد به خدمات انسانی، ۱۴ درصد به فرهنگ و هنر، ۱۱ درصد به علوم، ۱۰ درصد به خدمات اجتماعی، ۵ درصد به محیطزیست، ۴ درصد به امور بین‌المللی و حدود ۲ درصد به امور مذهبی اختصاص داده‌اند. طبق آمار مذکور، خیریه‌های آمریکا بالاترین درصد کمک‌های خود را به آموزش اختصاص می‌دهند، که نشان‌دهنده مشارکت بالای آنها در اهداف بنیادهای حامی علم و فناوری است.

بخش درخور توجهی از اقدام‌های نیکوکارانه در واقع با هدف تسری دادن دستورات و توصیه‌های دینی و بخشی دیگر با هدف تحقق آرمان‌ها و انگیزه‌های بشردوستانه غیردینی مبنی بر کمک به هم‌نوع و انسان‌های نیازمند در قالب‌هایی جدید و روزآمد است؛ چیزی که دنیای امروز بیش از گذشته بدان نیاز دارد و به منظور فقرزدایی، دفع بیماری‌ها، توسعه دانش و سرمایه و تضعیف اندیشه‌ها و رفتارهای ضد کرامت انسانی از آن بهره می‌برد. بدین معنا، ضروری است احساس‌های دینی و نوع‌دوستانه افراد و شرکت‌ها را به سوی شیوه‌های کارآمد و متناسب با اهداف یادشده هدایت کنیم تا وسیع‌تر و مجهزتر به نهادها، سازمان‌ها و بشریت خدمت شود.

بنجامین فرانکلین که از زاویه‌ای غیرمذهبی و صرفاً بر حسب احساسات بشردوستانه به خیریه‌ها رو آورد با تأسیس بیمارستان پنسیلوانیا، دانشگاه پنسیلوانیا و کتابخانه عمومی **فیلادلفیا** الگویی از فعالیت‌های خیرخواهانه را به نمایش گذاشت؛ الگویی که در

سال‌های بعد در قالب خیریه‌های مردمی برای پوشش نیازهای اجتماعی رواج یافت و امروزه همچون چتری جامع همگان از برکات آن برخوردارند.

نکته‌ای که نباید درباره خیریه‌های آمریکا از نظر دور بداریم فعالیت شورای مؤسسات غیردولتی^۱ (C.O.F) است که همچون اتحادیه‌ای جامع خیریه‌ها را به هم مرتبط و از طریق برگزاری کلاس‌ها و کارگاه‌هایی ویژه آنها را با قوانین جدید و روش‌های روزآمد آشنا می‌کند. این نهاد جامع همچنین مؤسسات خیریه را به دولت نیز مرتبط و نتایج خدمات خیریه‌ها را با برنامه‌های دولت هماهنگ می‌کند، نقاط کمتر معرفی شده نیازمند کمک را شناسایی و به خیرین جدیدی که در صدد راه‌اندازی بنیادهای خیریه‌اند معرفی می‌کند. آمایش سرزمینی علم و آموزش، به مثابه رکن بنیادی هدایت بنیادهای حامی تثبیت شده و جدید به سوی توسعه مراکز آموزشی و پژوهشی، همواره همچون نقشه‌ای راهنما شورای مؤسسات غیردولتی را هدایت کرده است.

آمایش سرزمینی علم و آموزش به مثابه رکن بنیادی هدایت بنیادهای حامی تثبیت شده و جدید به سوی توسعه مراکز آموزشی و پژوهشی، همواره همچون نقشه‌ای راهنما، هدایت‌گر شورای مؤسسات غیردولتی آمریکا است.

جدای از همه توضیحات، آنچه دولت فدرال آمریکا، نهادها و مراجع قانونی درباره اوقاف و خیریه‌ها در نظر داشته و دارند حفظ استقلال و خودگردانی خیریه‌ها و بنیادهای نیکوکاری است. اگرچه

1. council on foundation

دولت بر خیریه‌ها نظارت دارد هرگز با مداخله خود روحیه شهروندی و خودانگیختگی سمن (NGO)ها را از بین نمی‌برد. اساساً در آمریکا سازمان‌های مردم‌نهاد بنیاد اصلی جامعه مدنی با هدف توزیع قدرت و تحقق عدالت اجتماعی هستند. در چنین جامعه‌ای مبنای مشروعیت حکومت نیز از پایین به بالاست. این اقدام نه تنها آزادی افراد را تأمین می‌کند و آنان را فعالانه برای حل مسائل اجتماعی و مشارکت در عرضه خدمات به خدمت می‌گیرد بلکه از تأیید مردمی برای سلامت دولت و حکومت استفاده مشروع می‌کند. سازمان‌های مردم‌نهاد سطوح ضعیف اجتماعی موجود در کشور را معرفی و توجه دولت و سیاست‌گذاران را برای سیاست‌گذاری‌های عمومی و محلی بدانها جلب می‌کنند. دولت نیز از طریق سازمان‌های مردم‌نهاد مشکلات را برطرف می‌کند.

اساساً در آمریکا سازمان‌های مردم‌نهاد بنیاد اصلی جامعه مدنی با هدف توزیع قدرت و تحقق عدالت اجتماعی هستند.

آنچه گذشت مختصری از وضعیت بنیادهای نیکوکاری در کشور آمریکا، به مثابه فعال‌ترین کشور جهان در امور خیریه بود. آمریکا ضمن برخورداری از طیف وسیعی از بنیادهای نیکوکاری به بنیادهای حامی علم و فناوری نیز اهمیت می‌دهد چنان‌که حتی خیریه‌های عمومی و دیگر انواع خیریه نیز در این کشور درصدی از درآمدهای خود را به فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی یا، به بیان دیگر، اهداف بنیادهای حامی علم و فناوری اختصاص می‌دهند.

انگلستان

در نظام حقوقی انگلستان، در کنار صدها بنیاد نیکوکاری کوچک و بزرگ عام‌المنفعه شخصی، خانوادگی و شرکتی، مفهوم «تراست» بیشترین قرابت را با مفهوم وقف در اندیشه اسلامی دارد. پروفیسور کیتون تراست را چنین تعریف کرده است:

تراست عبارت از رابطه‌ای است که از طریق آن مالک مالکیت ملکش را به نفع بعضی از اشخاص که خود نیز ممکن است از آنان باشد یا برای اهداف تأییدشده قانون نگه می‌دارد. در این صورت، منافع حاصله از مال به منتفعان و سایر افراد ذی‌نفع تعلق خواهد گرفت نه تراستی‌ها.^۱

در اینجا شخصی به نام «تراست» (مالک) شرط می‌کند قسمتی یا حتی تمام اموالش را یک/چند نفر «تراستی» به نفع یک/چند شخص دیگر اداره کند. تفکیک تراست از تراستی تعیین‌کننده دو سویه عمل تراست است چنان‌که تفکیک این دو از ذی‌نفعان و مال مورد تراست تعیین‌کننده دو رکن دیگر تراست است. تراست‌ها ممکن است قراردادی قانونی یا قضایی باشند. طبق قرارداد، شخص تراستی برحسب توافق با مالک (تراست) یا دیگر تراستی‌ها به سمت تراستی منصوب می‌شود. در شکل قضایی، دادگاه فرد را به سمت تراستی منصوب می‌کند. در شکل قانونی، حکم قانون شخص را تراستی یا از این سمت عزل می‌کند.

1. Padfield, Law Made Simple, 7th ed., 1989, p.249

به نقل از تفرشی، محمدعیسی و اصغر محمودی، تجزیه و تحلیل تراست در حقوق انگلیس و مقایسه آن با نهاد وقف در حقوق ایران، پژوهش حقوق و سیاست.

توجه داشته باشیم که گستره تراست بسیار است و مواردی چون هبه، وصیت و وکالت را در بر می‌گیرد. برای توضیح بیشتر بد نیست به پیشینه تراست در قرون وسطا اشاره‌ای کنیم. در قرون وسطا، که قوانین مانع از توارث زمین بود و مالیات سنگین بر ارث بسته می‌شد، تراست راهی بود تا قبل از فوت فرد مالکیت زمین وی به تراستی‌ها منتقل شود و مالکیت واقعی زمین‌ها برای ورثه باقی بماند و پس از مدتی مالکیت قانونی زمین‌ها نیز به ورثه برسد و به تبع آن از پرداخت مالیات بر ارث معاف شوند.^۱

امروزه با تفکیک تراست از قرارداد، که مستلزم توافق میان طرفین دهنده و گیرنده مال است، شخص تراستی بر حساب مفهوم انصاف، که صرفاً مبتنی بر اراده مالک است، به عملی حقوقی دست می‌زند بی‌آنکه رضایت ذی‌نفعان شرط باشد. از سوی دیگر، شخص تراستی نیز عهده‌دار همه تکالیف و اموری است که برای اداره اموال مورد تراست نیاز دارد. بدین معنا، ممکن است اختیارات موردنظر یک تراستی متفاوت از تراستی دیگر باشد. از آنجا که تراستی‌ها وکیل تراست‌ها و ذی‌نفعان‌اند^۲ و برای اداره اموال اختیارات فراوانی دارند

۱. همان: ۲۳

۲. توجه کنیم که مقام تراستی‌ها متفاوت از مقام وکیل و نماینده است زیرا، گذشته از آن که تراستی مالک اسمی اموال سپرده‌شده است و حتی به نحو بلاعوض با اموال سپرده‌شده کار می‌کند چون اموال خود وی محسوب می‌شوند، ذی‌نفعان در تراست هیچ‌گونه حقی بر اموال مذکور ندارند و تراستی مستقل از دستورهای ذی‌نفعان به مدیریت اموال می‌پردازد. حتی در صورت فوت تراستی یا ضعف و ورشکستگی وی اصل تراست، که متفاوت از قرارداد و عقد است، طبق قانون تداوم می‌یابد و قانون تراستی دیگری را جایگزین می‌کند. از این رو، بهتر است چنین نمایندگی‌ای را از جانب اموال بدانیم تا از جانب ذی‌نفعان. بدین معنا، تراستی نماینده و وکیل اموال

مفهومی عام از نگهداری اموال را در نظر می‌گیرند و حتی با آن اموال در راه‌های قانونی سرمایه‌گذاری می‌کنند و جلوی از دست رفتن ارزش سرمایه را می‌گیرند.

تراستی یا بدون مزد کار می‌کند، که در این صورت باید همچون پدری مهربان امانت‌دار باشد و اموال سپرده‌شده را از روی صداقت افزایش دهد، یا با مزد کار می‌کند، که در این صورت باید به قوانین و شروط متعهد باشد و بدانها عمل کند. برای این منظور، تراستی هیچ‌گاه نباید با ذی‌نفعان معامله کند زیرا خطر بی‌اعتمادی و سوءاستفاده در آن زیاد است. حتی تراستی نباید از کلیت مال امانتی و موقعیتی که آن مال ایجاد می‌کند برای پیشرفت خود استفاده کند. در این قبیل موارد یا وقتی که تراستی به ذی‌نفعان خسارت وارد کند قانون جرمه مشخص کرده است.^۱ از سوی دیگر، ذی‌نفعان با حق اطلاع از حساب‌ها و نحوه اداره اموال، حق درخواست عزل تراستی از دادگاه به دلیل بی‌کفایتی، حق اقامه دعوی علیه متخلفان قراردادی و غیرقراردادی، حق اقامه دعوی علیه دارندگان غیرقانونی تراست و همچنین حق گرفتن همه اموال تراست در صورت رسیدن ذی‌نفعان به سن اهلیت کامل بر عمل تراست نظارت می‌کنند.

از میان اقسام تراست، تراست عام یا خیرخواهانه (عام‌المنفعه) با هدف کمک به جامعه تأسیس می‌شود. این قبیل تراست عمدتاً به سمت آموزش‌های عمومی و کمک به فقرا و نیازمندان سوق می‌یابد. دولت نیز با هدف حمایت و گسترش این قبیل تراست‌ها، بر خلاف

سپرده‌شده از جانب تراست (مال) است و چون چنین رابطه‌ای یک‌سویه و از جانب مالک است تراستی نماینده و وکیل ذی‌نفعان نیست.

۱. ر.ک به: همان: ۲۸

تراست‌های خاص، آنها را از مالیات بر درآمد، مالیات شرکت‌ها، مالیات بر ارث، حق تمیر و غیره معاف می‌کند هرچند چه در این مورد و چه در موارد مشابه در دیگر کشورها هم‌زمانی کار خیرخواهانه و پرداخت نکردن مالیات شائبه خیرخواهانه نبودن چنین اقداماتی را افزایش می‌دهد. با این حال، نظر به نفع کلی مؤسسات غیردولتی و تراست‌ها در مقایسه با خدمات دولتی، دولت‌ها و در اینجا دولت انگلستان بیشتر مایل‌اند همچنان خیریه‌ها و تراست‌ها به خدمات عمومی و دستگیری‌های اجتماعی اهتمام ورزند تا دولت.

سابقه دولت و حکومت سلطنتی انگلستان و وفاداری آنها به قوانین و سنت‌های گذشته سبب شده است سردمداران این کشور با گسترش مفهوم تراست، که تاریخی دیرپا در انگلستان دارد، شکلی ملی از خیریه‌ها و اوقاف را عرضه دارند که هم با فرهنگ بومی و تاریخی و ذهنیت غربی و انگلیسی مردمان انگلستان سازگار باشد و هم بخشی از هزینه‌های دولت برای ملزومات زندگی و رفاه مردم کم‌درآمد و فقیر و از همه مهم‌تر آموزش و فرهنگ تأمین شود.

به خاطر داشته باشیم که امروزه عمده دولت‌های پیشرفته مایل‌اند حجم مدیریتی خود را کم کنند و نقش نظارت را بر عهده داشته باشند. نظارت ذی‌نفعان و نظام قانونی و قضایی بر تراست‌ها سبب شده است بخش عمده‌ای از دغدغه‌های دولت در چنین مواردی کم شود و در عین حال نتایج مطلوب به دست آید. در کشور انگلستان حدود ۱۸۰ هزار بنیاد نیکوکاری ثبت شده است که مجموعاً دارایی‌ای بالغ بر ۵۳ بیلیون پوند دارند. گستره فعالیت‌ها و خدمات‌رسانی این بنیادها بسیار است و به مسائل

مالی یا حتی خدمات خاص محدود نیست.^۱ آنها از طریق برقرای ارتباط با یکدیگر شبکه‌های اجتماعی گسترده‌ای را در حمایت از نیازمندان جامعه تشکیل می‌دهند و بدین طریق قوی‌تر از هر دولت و حکومتی خدمات اجتماعی عرضه می‌کنند.^۲

در کشور انگلستان حدود ۱۸۰ هزار بنیاد نیکوکاری ثبت شده وجود دارد که مجموعاً دارایی‌ای بالغ بر ۵۳ بیلیون پوند را دارا می‌باشند. آنها از طریق برقرای ارتباط با یکدیگر، شبکه‌های اجتماعی گسترده‌ای را که نقش حمایتی بر اقشار نیازمند جامعه دارد ایفا می‌کنند و بدین طریق قوی‌تر از هر دولت و حکومتی، خدمات اجتماعی را ارائه می‌دهند.

از وجوه بسیار رایج و البته کاربردی بنیادهای نیکوکاری انگلستان استفاده از شبکه‌های اجتماعی آنلاین است. بسیاری از خیریه‌ها وبسایت دارند و تلاش می‌کنند از شبکه‌های اجتماعی اینترنتی در مواردی چون حفظ برند، ایجاد انگیزه، تقویت آگاهی و دریافت کمک‌های مادی و فکری حسن استفاده را ببرند.^۳ از این میان، ۱۲ خیریه بسیار بزرگ و اصلی و ۳ خیریه تماماً دیجیتال انگلستان به صورت گسترده و نظام‌مند داده‌های ضروری را برای مدیریت بخش

1. National Council for Voluntary Organisations (NCVO), 2010 & Hooper, K. C., Sinclair, R., Hui, D. and Mataira, K. M. (2008) Financial Reporting by New Zealand Charities: Finding a Way Forward, *Managerial Auditing*, 23:1 pp68-83
2. See Sarah Quinton & Paul Fennemore, Missing the strategic marketing trick? The use of online social networks by UK Charities, *international Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, Int J. Nonprofit Volunt, Sect. Mark, 18: 36-51, 2013.
3. Richards J. 2007. Networking for charity. Timesonline, November 28, 2007
http://technology.timesonline.co.uk/tol/news/tech_and_web/the_web/article2959293.ece [15 December 2009]

مورد حمایت خود از طریق شبکه‌های اجتماعی آنلاین به دست می‌آورند. شبکه‌های مجازی در حال حاضر نقش بازار^۱ را ایفا می‌کنند زیرا کاملاً علمی و نظام‌مند از قابلیت‌های موجود در سراسر کشور و حتی بیرون از کشور برای تأمین منابع مالی موردنیاز خیریه خود استفاده می‌کنند.^۲ علاوه بر این، تا سال ۲۰۱۰ نود درصد از خیریه‌های بین‌المللی انگلستان حضوری فعال در فیس‌بوک، ۶۰ درصد در توئیتر و حدود ۴۵ درصد در یوتیوب داشتند که مسلماً تا کنون (۲۰۱۹) فعالیتشان بیشتر شده است. آنها، چنان‌که گفتیم، از امکانات مذکور برای پیش‌برد امور خود بهره می‌برند.^۳

نظر به گسترش شبکه‌های اجتماعی آنلاین و حضور انکارناپذیر آنها در زندگی میلیون‌ها نفر در دنیا^۴، بسیاری از موضوعات موردنظر خیریه‌ها، از قبیل بهداشت و سلامت، رفاه، فقر، محیط‌زیست، خانه و مسکن، به‌ویژه خیریه‌های آموزشی و پژوهشی، را شبکه‌های آنلاین به‌خوبی مدیریت می‌کنند. طبق بررسی‌های روان‌شناختی، مردم مایل‌اند کمک‌های خود را به مقاصدی که می‌شناسند اعطا کنند نه به شبکه‌های اجتماعی آنلاینی که جامعه هدف آن مشخص نیست.^۵ بنابراین، شبکه‌های خیریه آنلاین یا مجهز به ابزارهای آنلاین انگلستان از دوستی‌های مستحکم فردی در شبکه‌های مجازی استقبال می‌کنند و

1. market

2. See Sarah Quinton & Paul Fennemore, Missing the strategic marketing trick? The use of online social networks by UK Charities, *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing*, Int J. Nonprofit Volunt, Sect. Mark, 18: 36-51, 2013

3. See nTen.org. 2010. Social Networks Benchmark report. Available at: <http://www.nten.org/search/node/social%20networking> [Accessed on 6 February 2011]

4. Spaulding TJ. 2009. How can virtual communities create value for business. *Electronic Commerce Research and Application* 9(1): 38-49.

5. Hart R. 2002. Ephiphany: Using the internet to build support. *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing* 7: 353-360

پیوندهای دوستی چهره‌به‌چهره را مبنای تأسیس خیریه‌ها قرار می‌دهند.^۱ بدین ترتیب، خیریه‌ها هم‌زمان از قابلیت‌های شبکه‌های مجازی و فواید روان‌شناسانه کمک‌های محلی و موردی و با جامعه هدف مشخص حسن بهره را می‌برند.^۲

از آنجا که طبق روان‌شناسی انسان‌ها، مردم مایل‌اند کمک‌های خود را به مقاصدی که می‌شناسند اعطا کنند و نه به شبکه‌های اجتماعی آنلاینی که دقیقاً جامعه هدف آن مشخص نیست، لذا شبکه‌های خیریه آنلاین و یا مجهز به ابزارهای آنلاین انگلستان برای رفع این نقیصه از دوستی‌های بسیار مستحکم فرد به فرد در شبکه‌های مجازی استقبال کرده و پیوندهای دوستی چهره به چهره را مبنای تأسیس خیریه‌ها قرار داده‌اند.

دولت انگلستان نیز کمک‌های بسیار زیادی به این نوع از شبکه‌های آنلاین خیریه می‌کند زیرا متوجه تفاوت بین این الگو از شبکه‌های اجتماعی با شبکه‌های اجتماعی متعارف هست و برای بهبود شرایط اجتماعی و افزایش نقش بیشتر مردم و گروه‌ها و تشکل‌های مردم‌نهاد از قابلیت‌ها و فرصت‌های شبکه‌های اجتماعی آنلاین استفاده می‌کند. علاوه بر اینها، دولت انگلستان به ارزش مالی شبکه‌های آنلاین و نقش آنها در گردش پول و تحقق عدالت اجتماعی مستقل از دخالت دولت واقف است.^۳

1. Andrese K. 2010. What makes a good friends to friends campaign online? Available at: <http://www.nonprofitmarketingblog.com> [Accessed on July 15, 2010]
2. Hyndman, N. (1990) Charity Accounting: An Empirical Study of the Information Needs of Contributors to UK Fundraising Charities, *Financial Accountability & Management*, 6:4 pp.295-307
3. Hyndman, N. and McDonnell, P. (2009) Governance and Charities: An Exploration of Key Themes and the Development of a Research Agenda, *Financial Accountability and Management*, 25 pp.5-33

موضوعی که نباید از آن چه درخصوص بنیادهای نیکوکاری انگلستان و چه دربارهٔ دیگر بنیادهای نیکوکاری جهان غافل باشیم «اعتماد» است. بنیادهای نیکوکاری مؤسساتی غیرمالي (NFPOs) هستند که برای خیر عمومی تأسیس شده‌اند اما از وجوه متعددی، از جمله معافیت از مالیات، حمایت‌شوندگی تحت قوانینی خاص و از همه مهم‌تر دسترسی به حجم گسترده‌ای از پول و خدمات استفاده می‌کنند.^۱ جمع اینها، یعنی مؤسسه‌ای غیرمالي بودن و بهره‌مندی از امکانات مالی و خدمات، ویژگی‌ای است که بنیادهای نیکوکاری را نه تنها از بسیاری از مؤسسات متمایز می‌کند و وظایف و تعهدات آنها را نیز چندبرابر می‌کند.

کمیسیون خیریه انگلستان^۲ با مسئولیت‌هایی چون ارزیابی وضعیت مالی بنیادهای نیکوکاری، افزایش اعتماد و اعتبار عمومی آنها، و ترغیب استفادهٔ مؤثر از صندوق‌ها (funds) به صورت مستمر و دوره‌ای، بی‌آن‌که در سیاست‌های داخلی خیریه‌ها دخالت یا استقلالشان را خدشه‌دار کند، بر روند حیات اقتصادی بنیادهای نیکوکاری نظارت می‌کند.^۳

علاوه بر موارد ذکرشده، کشور انگلستان در زمینهٔ بنیادهای حامی علم و فناوری فعال است. مثلاً، بنیاد جریکو^۴ در انگلستان به افراد آسیب‌پذیر جامعه کمک می‌کند تا آموزش ببینند، مهارت کسب کنند،

1. Ebrahim, A. (2003) Making Sense of Accountability: Conceptual Perspectives for Northern and Southern Nonprofits, *Nonprofit Management and Leadership*, 14 pp.191-212

2. Charity Commission in England and Wales

3. Ciaran Connolly and Noel Hyndman, *Towards Charity Accountability: Narrowing the gap between provision and needs?*, Public Management Review, Routledge, 2013. & see Home Office. (2003) *Charities and Not for Profits: A Modern Legal Framework: The Government's Response to Private*

Action – Public Benefit, London: Home Office.

4. Jericho Foundation

شغل پیدا کنند و استخدام شوند. ساختمان مرکزی جریکو در بیرمنگام قرار دارد و در ولز، اسکاتلند و ایرلند نیز به فعالیت‌های خیریه آموزشی می‌پردازد. محور اصلی کارهای خیر بنیاد جریکو آموزش، ایجاد مهارت در افراد نیازمند و کمک به آنان برای ایجاد کسب‌وکار مستقل یا استخدام در مراکز دولتی یا خصوصی است. آموزش‌های بنیاد جریکو به آموزش تحصیلی محدود نیست و از آنجا که هدف آن ایجاد مهارت در افراد است به آموزش‌های فنی و هنری رایگان نیز می‌پردازد.^۱

از نکات جالب درباره خیریه‌های آموزشی در انگلستان این است که بسیاری از آنها تحت حمایت خاص دولت‌اند و از بسیاری از قوانین دست‌وپاگیر و مالیات معاف‌اند. این قانون از حدود سال ۱۹۶۰ در انگلستان اجرایی شده و حتی قبل از سال ۱۹۶۰ بعضی از دانشگاه‌های این کشور از معافیت مالیاتی برخوردار بوده‌اند. غیر از دانشگاه‌های آکسفورد، کمبریج، لندن، دورهام، نیوکاسل و منچستر، سازمان آموزش عالی بریتانیا و سازمان‌های جانشین تحصیلات عالی از چنین معافیت‌هایی برخوردارند.

بنیاد نیکوکاری شاین^۲ در انگلستان نیز خیریه مختص آموزش است که در زمینه آموزش کودکان بدسرپرست و نیازمند فعالیت می‌کند. آموزش‌های رایگان این بنیاد بیشتر به سطوح پایه ابتدایی و دبیرستان محدود است هرچند که در بعضی موارد به عرضه خدمات آموزشی رایگان در سطح دانشگاهی نیز توجه داشته است. از فعالیت‌های جالب بنیاد شاین حمایت رایگان از معلمان

1. See https://jericho.org.uk/?gclid=EAIaIQobChMI-tOAlurT4QIVU6qaCh3byg-sEAAAYASAAEgKY-PD_BwE
2. Shine Trust

است که بدین ترتیب فرصت بیشتری برای آموزش معلمان به کودکان نیازمند فراهم می‌آورد. نوعی از خدمات جالب بنیاد شاین نیز به کودکانی اختصاص دارد که رشد ذهنی و جسمیشان هماهنگ نیست. در این نوع از خدمات رایگان آموزشی، کودکان ۹ تا ۱۴ ساله دارای مشکلات ذهنی، رفتاری یا اختلال در یادگیری مورد توجه و آموزش اختصاصی بنیاد شاین قرار می‌گیرند و با گذراندن دوره‌هایی ویژه برای رسیدن به همسالان خود و گذر از مراحل ابتدایی تحصیل آماده می‌شوند.^۱

از نکات جالب درباره‌ی خیریه‌های آموزشی در انگلستان این است که دولت با حمایت خاص خود آنها را از مالیات و بسیاری از قوانین دست‌وپاگیر معاف می‌کند. این قانون از حدود سال ۱۹۶۰ در انگلستان اجرایی شده و حتی قبل از آن نیز بعضی از دانشگاه‌های انگلستان از مالیات معاف بوده‌اند. غیر از دانشگاه‌های آکسفورد، کمبریج، لندن، دورهام، نیوکاسل و منچستر، سازمان آموزش عالی بریتانیا و سازمان‌های جانشین تحصیلات عالی نیز از چنین معافیتی برخوردارند.^۲

فرانسه

واژه‌ی معادل «وقف» در زبان فرانسه *fondation* است به معنی اختصاص جوایز ادبی و علمی و غیره به امور نیکوکاری‌ای چون ساختن، اداره و کمک به بیمارستان‌ها، دانشگاه‌ها، خوابگاه‌های دانشجویی، یتیم‌خانه‌ها، خانه‌های سالمندان و دیگر نیازمندان:

1. See <https://www.shinetrust.org.uk/what-we-do/>

۲. برای اطلاعات بیشتر، رک به: آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور بریتانیا، ص ۶۱

بنیادهای حامی علم و فناوری در جهان / ۴۷

فونداسیون عبارت است از اختصاص دائم اموالی برای بنیاد عمومی و غیرانتفاعی با اهداف خیرخواهانه و بشردوستانه.^۱

در ماده ۱۸ قانون مصوب ۲۳ ژوئیه ۱۹۸۳ فرانسه نیز وقف چنین تعریف شده است:

عملی حقوقی که به موجب آن فرد/ افراد حقیقی/ حقوقی اموال یا عوایدی را دائماً به صورت غیرانتفاعی در اختیار منافع عمومی قرار می دهند.

در قرون وسطا، وقف در فرانسه و به طور کلی در اروپا به نحوی به کلیسا وصل بود و محتوا و مضمون دینی خود را تحت عنوان «خیریه»^۲ از آن مرجع دریافت می داشت. حتی در دوران انقلاب کبیر فرانسه و پس از آن، انقلابیون با هدف تنگ کردن عرصه بر کلیسا عمل وقف را تعطیل کردند.^۳ با این همه، امروزه با تسهیلات حقوقی فرانسه وقف به منزله امر حقوقی و قانونی مستقلى مطرح است.

طبق قوانین، وقف یا مستقیم است یا غیرمستقیم. در وقف مستقیم، اموال واقف یا در زمان حیات وی منتقل می شود یا پس از مرگش به مراکز مشخص انتقال می یابد. فرد خیر با تشکیل بنیادی حقوقی به نام خود اموالش را به نام آن بنیاد وقف می کند. حال اگر

1. Gerard Corma: Vocabulaire Juridique, Puf Paris 1982, p.362

به نقل از فرشتیان، ح.، «وقف در حقوق فرانسه»، میراث جاویدان، س پنجم، ش ۲

2. Fondations Pieuse

۳. سوءاستفاده ارباب کلیسا از اموال گسترده موقوفی، رقابت انقلابیون و آزادی خواهان با سنت طلبان، گسترش اندیشه لیبرالی و سرمایه داری و لزوم آزادسازی ثروت های محبوس در دست کلیسا برای گسترش اقتصاد آزاد و عوامل دیگر، از جمله زمینه هایی است که انقلابیون را به حذف ماده واحده وقف در قانون اساسی سال ۱۸۰۴ فرانسه هدایت کرد.

واقف اموال خود را در طول حیات بدون ثبت بنیاد نیکوکاری ببخشد عمل وی معادل هبه (بخشش) خواهد بود. در صورتی که فرد بخواهد بنیادی تشکیل دهد صرفاً باید با عنوان مؤسسه عام‌المنفعه نامی را به نظام قضایی پیشنهاد دهد تا مجوز بنیاد را دریافت کند. توجه کنیم که اعطای همه یا بخشی از دارایی در طول حیات چندان در فرانسه رایج نیست و خیرین بیشتر ترجیح می‌دهند اموالشان پس از مرگ وقف شود، هرچند به‌منظور جلوگیری از مشکلات ناشی از انتقال بهتر است شخص در طول حیات خویش بنیاد عام‌المنفعه را ثبت کند. البته این خود خالی از دردسر نیست زیرا متقاضیان بنیادهای عام‌المنفعه باید منتظر اظهارنظرها و استعلام‌های وزارت کشور و شورای دولتی و امضای تأیید وزرای مرتبط با بنیاد مذکور و غیره بمانند^۱ حتی میزان هدیه نیز در استانی (بخشی) تصمیم گرفتن یا کشوری (ملی) تصمیم گرفتن مقامات تأثیر مستقیم دارد.

در وقف غیرمستقیم، واقف اموال خود را به بنیاد یا مرکز دیگری که از قبل موجود است واگذار می‌کند و از آن بنیاد یا مرکز می‌خواهد اموالش را بنا بر هدفی خاصی خرج و حتی بر آن نظارت کند. توجه کنیم که نهاد مذکور نیز یا باید دولتی باشد یا بنیادی عام‌المنفعه و دارای مجوز دریافت هدایا؛ در غیر این صورت، اقدام آنها به دریافت موقوفات غیرقانونی خواهد بود. در این نوع نیز واقف می‌تواند ضمن وصیتی مشخص و سپردن اموال خود به وکیلی قانونی اموال خویش را پس از مرگ به بنیادهای عام‌المنفعه اهدا کند.

۱. رک. به: فرشتیان، ح، «وقف در حقوق فرانسه»، میراث جاویدان، س پنجم، ش ۲.

نکته مهم درباره قانون موقوفات در فرانسه آن است که بنیادهای خیریه و درآمدهای آنها نباید در مقابل قانون و نظم عمومی جامعه قرار بگیرد. بدین معنا، بنیادهایی که با هدف تبلیغ دین یا مستقل کردن دین از حکومت درخواست مجوز می‌دهند پاسخ مثبت دریافت نمی‌کنند. این قانون درباره بنیادهای تصویب‌شده نیز اعمال و بر فعالیت آنها نظارت می‌شود. بنابراین، شورای اداری^۱ در صورت تشخیص عام‌المنفعه نبودن هر بنیاد آن را منحل می‌کند و به فعالیت آن خاتمه می‌دهد. نظارت شورای اداری بر فعالیت بنیادها نه تنها به اعتمادسازی در جامعه و مؤسسات خیریه کمک می‌کند از وزن دولت نیز در نظارت بر بنیادهای خیریه می‌کاهد و عمل نظارت را تسریع و تدقیق می‌کند.

بخش مهمی از فعالیت‌های خیریه فرانسه در بنیاد اوقاف و خیریه انجام می‌شود. چند دهه بیشتر از عمر بنیاد اوقاف و امور خیریه فرانسه نمی‌گذرد اما ذیل چتر مدیریتی و حمایتی خود تنها در سال ۱۹۹۹ بر بیش از ۵۰۰ بنیاد خیریه نظارت کرده، در بخش آموزش تا سال ۲۰۱۰ بیش از ۴۵۰۰ بورس تحصیلی و غیرتحصیلی اعطا کرده و در اهداف خیریه‌های آموزشی نیز مشارکت داشته است. میزان اعتمادافزایی بنیاد اوقاف و خیریه تا حدی بوده است که امروزه بسیاری از خیرین مایل‌اند کمک‌های خود را به نحو مستقیم به آن اعطا کنند. پیچیدگی قوانین معطوف به تأسیس بنیادهای خیریه و قوانین نظارتی آنها سبب

۱. شورای اداری از ۱۲ نفر تشکیل شده است که یک‌سوم آن افراد وقف‌کننده، یک‌سوم دیگر نمایندگان دولت و وزارتخانه‌های مربوطه و یک‌سوم نهایی افراد بی‌طرفی‌اند که برای کارهای خیریه صلاحیت دارند.

شده است بسیاری از بنیادهای خیریه خود را ذیل بنیاد اوقاف و امور خیریه فرانسه تعریف کنند تا از دروسرها رها شوند.^۱

بخش مهمی از فعالیت‌های خیریه فرانسه در بنیاد اوقاف و خیریه این کشور انجام می‌شود. اگرچه چند دهه پیشتر از عمر بنیاد اوقاف و امور خیریه فرانسه نمی‌گذرد اما این بنیاد ذیل چتر مدیریتی و حمایتی خود تنها در سال ۱۹۹۹، بیش از ۵۰۰ بنیاد خیریه را نظارت نموده و در بخش آموزش، تا سال ۲۰۱۰ بیش از ۴۵۰۰ بورس تحصیلی و غیر تحصیلی اعطا نموده است و از این جهت در اهداف خیریه‌های آموزشی نیز مشارکت کرده است.

نکته مهم در خصوص بنیاد اوقاف و خیریه فرانسه طرح‌ها و برنامه‌هایی است که دائماً بر حسب نیازهای اجتماعی به‌روز می‌شوند و لذا کاملاً با بدنه واقعی جامعه درگیرند. بنیاد برای هر طرح جدیدی با راه‌اندازی سمینار و معرفی طرح کار جدید خود را شروع و در سمیناری دیگر اختتام آن را اعلام می‌کند و زوایا و تجربیات خود را در این فاصله به بحث می‌گذارد. ۱۷ کارگروه در بنیاد مسئول گزارش و اظهارنظر درباره طرح‌های پیشنهادی و تنظیم طرح بر حسب واقعیت‌ها و توانایی‌ها هستند و سعی می‌کنند طرح‌ها را ذیل یکی از پنج گروه اصلی (امداد و تعاون اجتماعی؛ بهداشت و سلامت همگانی؛ تحقیقات پزشکی و علمی؛ محیط‌زیست و امور فرهنگی) قرار دهند. تا پیش از ۱۹۹۵، بنیاد هم خود را مصروف کاریابی برای جوانان جویای کار و بازگرداندن مطرودین از جامعه با

۱. فرشتیان، حسن، «بنیاد اوقاف و امور خیریه فرانسه و نقش آن در توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی»، *میراث جاویدان*، س دهم، ش ۱

برنامه‌های علمی و عملی داشته بود و حتی معادل ۱۸ میلیون فرانک کمک مالی در شکل وام به ۱۴۰ شرکت کوچک پرداخت کرده بود. ساخت مسکن‌های ارزان برای بی‌خانمان‌ها از دیگر خدمات بنیاد است. با بهبود اوضاع اجتماعی، بنیاد در کنار مأموریت‌های یادشده مأموریت‌هایی جدیدی بر عهده گرفت که از آن جمله است: ۱. تشویق خانواده‌ها به نگهداری از سالمندان در خانه با برگزاری سمینار ارزشمند «نقش خانواده در نگهداری سالمندان» در یونسکو و نیز سمینار «سن بالا»؛ ۲. حمایت از برخی از انجمن‌ها به منظور ایجاد انگیزه در خانواده‌ها برای پذیرش سالمندان خودی و غریبه؛ ۳. احداث ساختمان‌هایی با اتاق‌های مجزای نزدیک به هم برای سالمندان تا ضمن برخورداری از استقلال کافی از سردی‌های رایج در خانه سالمندان برکنار و با یکدیگر ارتباط داشته باشند؛ ۴. ساختن مکان‌هایی مناسب کودکان با عنوان «خانه‌های سبز» و برگزاری سمینارهایی چون «تجربه وقت آزاد بچه‌ها»، «بچه‌های جهان روستایی» و «بچه‌ها، شهر و روستا» با هدف کمک به بهبود وضع تفریحات کودکان؛ ۵. اختصاص بودجه برای کمک به والدینی که رابطه نامناسب با کودکان خود دارند و نیز کودکان طلاق؛ ۶. تأسیس انجمن «کمک به بچه‌های آزاردیده» و حمایت مالی از آن؛ ۷. اجرای برنامه‌های آموزش خانواده‌ها برای جلوگیری از خشونت و برپایی موزه و نمایشگاه‌هایی با عنوان «سکوت، خشونت» در شهرهای فرانسه.^۱

حمایت‌های بنیاد اوقاف و خیریه از بهداشت و سلامت همگانی، تحقیقات پزشکی، امور فرهنگی و غیره به‌تنهایی نیست بلکه این بنیاد بیش از ۵۰۰ بنیاد و انجمن خیریه را تحت پوشش دارد که آنها برنامه‌های کلی و جزئی خود را به بنیاد می‌دهند و بنیاد پیشرفت امور مربوط به خیریه‌ها را تسهیل و تسریع می‌کند. بدین ترتیب، انجمن‌های خیریه کوچک به نحو مستقیم با متن جامعه مرتبط‌اند و مشکلات را شناسایی می‌کنند و بنیاد اوقاف و امور خیریه فرانسه صرفاً هماهنگ‌کننده و شتاب‌دهنده به اقدامات آنهاست.

رسیدگی به کودکان معلول ذیل طرح‌های «پاپیون سفید»، «زندگی به گونه‌ای دیگر» و «بسیج قلب‌ها»، تهیه امکانات موردنیاز آنان، برگزاری سمینارهایی چون «معلولیت، مطالعه و کتابخانه» و «موزه و معلولان»، ایجاد شبکه‌هایی برای کمک‌های محلی به معلولان، نوسازی ساختمان‌های محل سکونت معلولان و غیره از دیگر فعالیت‌های اجتماعی بنیاد اوقاف و خیریه فرانسه است.

این همکاری ضرورت دارد زیرا از سویی نهادی بزرگ به‌راحتی نمی‌تواند با بدنه جامعه مرتبط باشد و از سوی دیگر انجمنی کوچک و محلی از عهده هزینه‌های طرح‌های نیمه‌کلان و کلان خود بر نمی‌آید. بنیاد اوقاف و امور خیریه فرانسه، سازمان‌ها و انجمن‌های خیریه را با یکدیگر مرتبط می‌سازد و تلاش می‌کند نقاط ضعف آنها را با برنامه‌ریزی، تعریف طرح‌های جدید و برگزاری سمینار تقویت کند. فعالیت‌های نیکوکارانه بین‌المللی نیز مستلزم توان مالی و اجرایی بنیاد است.

اجرای طرح‌های محیط‌زیستی، از قبیل احداث باغچه‌های زراعی در حومه شهرها و سپردن هر قطعه از آنها به یک خانواده متولی و مراقب، جمع‌آوری زباله‌های شهری توسط کودکان و نوجوانان و به مشارکت طلبیدن آنان با هدف آموزش شهروندی، و آموزش حفظ محیط‌زیست در برخی از پارک‌ها از دیگر فعالیت‌های بنیاد است.

بنیاد اوقاف و خیریه فرانسه علاوه بر فعالیت‌های ملی، فعالیت‌های بین‌المللی نیز دارد چنان‌که اینک با سابقه فعالیت نزدیک به ۵۰ سال در کشورهای جهان‌سوم آوازه‌ای خوش یافته است. آموزش‌های بهداشتی، کمک به گسترش فناوری‌های بومی و محلی، کمک به زلزله‌زدگان، تأسیس مدارس شبانه‌روزی، کمک به قربانیان خشک‌سالی سنگال، کمک به طرح‌های حفاظت از محیط‌زیست، شناسایی و بازپروری کودکان خیابانی، کمک به قربانیان حوادث غیرمترقبه (غرق کشتی؛ سقوط هواپیما و...) حمایت از NGOهای محلی، کمک به توسعه فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی در قالب‌هایی چون تأسیس مدارس نوین، حمایت از بورسیه‌های تحصیلی، راهبری و سامان‌دهی دانشگاه‌ها و صدها نوع حمایت دیگر از نقاط مثبت کارنامه بنیاد اوقاف و امور خیریه فرانسه است.

شایان ذکر است حمایت‌های گسترده بنیاد از بهداشت و سلامت همگانی، تحقیقات پزشکی، امور فرهنگی و غیره به‌تنهایی نیست بلکه بنیاد خیریه فرانسه به مثابه چتری حمایتی بیش از ۵۰۰ بنیاد و انجمن خیریه را تحت پوشش دارد که برنامه‌های کلی و جزئی خود را به بنیاد می‌دهند و بنیاد امور مربوط به این خیریه‌ها را تسهیل و

تسریع می‌کند. به بیان دیگر، انجمن‌های خیریه کوچک که به نحو مستقیم با جامعه مرتبط‌اند مشکلات را شناسایی می‌کنند و بنیاد اوقاف و امور خیریه فرانسه اقدامات آنها را هماهنگ می‌کند و شتاب می‌بخشد. چنین همکاری‌ای ضرورت دارد زیرا از سویی نهادی بزرگ به راحتی نمی‌تواند با بدنه جامعه مرتبط باشد و از سوی دیگر انجمنی کوچک و محلی نیز از عهده هزینه‌های طرح‌های نیمه‌کلان و کلان بر نمی‌آید. بنیاد اوقاف و امور خیریه فرانسه سازمان‌ها و انجمن‌های خیریه را با یکدیگر مرتبط می‌سازد و تلاش می‌کند نقاط ضعف آنها را با برنامه‌ریزی، تعریف طرح‌های جدید و برگزاری سمینارها تقویت کند. انجام فعالیت‌های نیکوکارانه بین‌المللی نیز مستلزم توان مالی و اجرایی بنیاد است.

چین

اگرچه کشور چین در دهه‌های اخیر در نتیجه اصلاحات اقتصادی رشد روزافزون اقتصادی داشته است با مشکلات اجتماعی بسیاری نیز روبه‌رو بوده و هست. قدرت مرکزی دولت چین در مراقبت‌های اجتماعی از دلایل عمده تداوم مشکلات اجتماعی چین است. از این دیدگاه، کشور چین شباهت زیادی با کشور ما دارد زیرا در کشور ما نیز هنوز اتفاق نظری درباره توزیع عدالت و رفاه و تأمین مراقبت‌های اجتماعی از سوی دولت یا واگذاری مسئولیت آن به حوزه غیردولتی حاصل نشده است. اما آیا ساختار اجتماعی چین اجازه ظهور و بروز موفق را - آن گونه که در کشورهای غربی رایج است - به سازمان‌های مردم‌نهاد نمی‌دهد یا مشکل از جای دیگری است؟

برای پاسخ بدین پرسش بد نیست به وضعیت رفاه در چین قبل از آغاز اصلاحات اقتصادی اشاره کنیم. ایده خیریه و کمک‌های مردمی در چین، همچون دیگر تمدن‌های ریشه‌دار، قدمتی تاریخی دارد. با انقلاب کمونیستی مائو در چین و آغاز چین مدرن خیریه‌ها شکل دولتی یافتند و نه تنها حتی یک خیریه غیردولتی بر جای نماند بلکه در واکنشی متقابل نظام بنیادهای نیکوکاری مردم‌نهاد مؤلفه‌ای از حکومت سرمایه‌داری معرفی و همچون ابزاری برای طبقه‌بندی اجتماعی و کنترل طبقه ضعیف استفاده شد. در نتیجه، خیریه‌های خصوصی مورد غضب قرار گرفتند^۱ و به جای آنها دولت سوسیالیستی رفاه با گستره‌ای به پهنای سرزمین چین عهده‌دار این موضوع شد؛ دولتی که بدون توجه به تفاوت‌ها خدمات اجتماعی را یکسان به همه نقاط کشور عرضه می‌داشت. در این میان، بنگاه‌های نیکوکاری خود را ذیل چتر خدمات دولتی بازتعریف کردند و با برنامه‌ای واحد و منسجم به خدمت مشغول شدند.

از ۱۹۷۸، با آغاز موج جدید اصلاحات اقتصادی در چین و مشاهده رشد اقتصادی در سال‌های بعد، چین جدید حیات اقتصادی متفاوتی یافت و ظاهر و باطن زندگی متحول شد. اما چنین رشد اقتصادی شدیدی مشکلات اجتماعی جدیدی را هم در پی داشت که می‌بایست برای رفع آنها چاره می‌اندیشیدند. مشکلات با کم شدن نقش حکومت در عرضه خدمات اجتماعی

1. Miu Chung Yan and etc, Charity Development in China: An Overview, Asia Pacific Journal of Social Work and Development, vol.17, num.1, June 2007.

2. Lin, K., (2001). Chinese perceptions of the Scandinavian social policy model. *Social Policy and Administration*, 35(2): 321-340.

هم‌زمان شد به‌گونه‌ای که نقش ۷۷ درصدی عرضه خدمات حکومت در سال ۱۹۷۸ در بخش صنعت به حدود ۲۸ درصد در سال ۱۹۹۹ تنزل یافت. آمار در بخش‌های دیگر حتی به کمتر از ۲۰ درصد نیز رسیده است. در سال ۲۰۰۵ رقم مذکور به کمتر از ۶ درصد رسید. با این حال، اگرچه کم کردن نقش تصدی‌گری حکومت در بخش صنعت به رشد بنگاه‌های اقتصادی منجر شده است در بخش خدمات اجتماعی همچنان مشکلاتی وجود دارد. در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ که کم شدن خدمات دولتی در برنامه کار حکومت قرار گرفت تا سال ۲۰۰۴ آمار بیکاران فقیر از حدود ۶ میلیون نفر به ۸ میلیون نفر افزایش یافت. آمار یادشده منهای افرادی است که اصطلاحاً تحت عنوان «آماده کار» خوانده می‌شوند اما فعلاً بیکارند.^۱

طبق آمارهای بانک جهانی، در سال ۲۰۰۵ بین ۱۵ تا ۳۱ میلیون نفر در چین در وضعیت فقر به سر می‌بردند.^۲ مطابق داده‌های پژوهشی در سال ۲۰۰۱، بیش از نیمی از کارگران چینی در بخش غیررسمی (غیرصوری) اقتصاد مشغول فعالیت بوده‌اند. کارگران از خدمات اجتماعی و رفاهی بی‌بهره‌اند. علاوه بر این، تنها ۲۹ تا ۳۰ درصد از کشاورزان از بیمه خدماتی برخوردار و بقیه از چنین امنیت اجتماعی محروم بوده‌اند. در سال ۲۰۰۵ تنها ۷,۳ درصد از کل جمعیت چین از بیمه خدماتی برخوردار بوده‌اند.^۳ نتیجه آنکه

1. Yang, Y. Y. (1999). *2000 nian zhongguo jiuye xingshi jiqi zhence xuanzhe* [China employment situation in 2000 and policy choices]. *Hongguan Jinji Yanjiu*, 12, 52-54.

2. Tang, J. (2005). *Cishan shiye zai xiandai shehui zhong de diwei he zuoyong* [The status and role of charity in modern society]. Retrieved July 23, 2006, from www.sociology.cass.cn/shxw/xst/xst10/t20050201_4756.htm.

3. Brooks, R., & Ran, T. (2003). *China's labour market and performance* (Working Paper, 3). Washington, D.C.: International

رشد اقتصادی نوین چین حتی تا اوایل قرن بیست و یکم دچار ضعف‌های مراقبتی، رفاهی و بهداشتی بوده است.

اخیراً و متعاقب با اتخاذ اجرای سیاست «جامعه سوسیالیستی همگن» توسط حکومت چین، به موضوع توزیع‌های نابرابر توجه شده است. طبق چنین سیاستی، مسئولیت بخشی از موارد ناظر به توزیع رفاه اجتماعی به بخش غیردولتی واگذار شده است.^۱ بخش غیردولتی موظف است دولت را کوچک کند و بخش عمده مسئولیت‌های اجتماعی و رفاه عمومی را متقبل شود که عبارت‌اند از: خانواده، بازار، سازمان‌های مردم‌نهاد و اشخاص. با اجرای چنین سیاستی بنیادهای نیکوکاری بار دیگر برای حکومت چین جایگاه و اهمیت حیاتی یافته‌اند.

در این میان، نظریه «توزیع سوم»^۲ نقشی مهم در جهت‌دهی به عملکرد بنیادهای نیکوکاری ایفا کرده است. این رویکرد ناظر به تفکیک میان عملکرد توزیع بخشی خیریه‌ها از توزیعی است که توسط حکومت و متعاقب آن، کنترل بازار انجام گرفته است.^۳

Monetary Fund. & Li, D. S. (2005). *Guo Xin Ban jiu 2005 nian guomin jinji yunxing qingkuang jixin xinwen fabuhui* [State Council Information Office hosts press conference on national economic performance in 2005]. Retrieved May 14, 2006, from www.fane.cn/article_view.asp?id=2576. & Watts, J. (2006). China's rural health reforms tackle entrenched inequalities. *World Report*, 367 (May 13, 2006). Available at www.thelancet.com.

1. Wong, L. (1995). Reforming welfare and relief: Socializing the state's burden. In L. Wong & S. MacPherson (Eds.), *Social change and social policy* (pp. 50-69). Aldershot, England: Avebury.

2. third distribution

3. Deng, G. S. (2001). *Zhongguo NGO wenjua diaoca de chubu fenxi* [An analysis of China's NGO survey]. In M. Wang (Ed.), *Zhongguo NGO yanjiu 2001-yi ge'an wei zhongxin* [China's NGP Study 2001-case studies]. Beijing: UN Centre of Regional development and Qinghua University NGO Research Institute. & Li, D. S. (2005). *Guo Xin Ban jiu 2005 nian guomin jinji yunxing qingkuang jixin xinwen fabuhui* [State Council Information Office hosts press conference on national economic performance in 2005]. Retrieved May 14, 2006, from www.fane.cn/article_view.asp?id=2576.

قالب کلی توزیع رفاه، سلامت و خدمات اجتماعی خیریه‌ها بیان‌کننده فحوای «مسئولیت اجتماعی» است. این مفهوم از نظریه توزیع سوم به مفهوم «کارگزار سوم» مرتبط است زیرا اگر دولت و بازار را کارگزارهای اول و دوم در نظر بگیریم امروزه بنیادهای نیکوکاری بسیار بهتر از دو کارگزار به مسئولیت‌های اجتماعی می‌پردازند هرچند همواره در معرض انتقادهای دو کارگزار حکومت و بازار قرار دارند.^۱

به‌رغم همه توضیحات، تعداد خیریه‌ها در چین جدید، که تاریخ طولانی ندارد، آن‌قدر کم است که انتظار خدمات اجتماعی زیادی از آنها نمی‌رود. علاوه بر این، استقلال خیریه‌ها نوعی خاص از فرهنگ را طلب می‌کند که با دعاوی تمامیت‌گرای سوسیالیستی که همواره چشمی به کنترل بازار و شرکت‌های خصوصی دارد ناسازگار است. چه‌بسا در آینده‌ای نه چندان دور دولتمردان چینی از میان فرهنگ حامی خیریه‌ها و فرهنگ سوسیالیستی خود یکی را انتخاب کنند یا به راه سومی بیندیشند. چین، که در سال‌های اخیر در بسیاری از زمینه‌ها حرکتی روبه جلو داشته، در زمینه خیریه‌های علم و فناوری نیز به پیشرفت‌هایی دست یافته است. بنیاد آموزش چین^۲ در زمینه خیریه‌های آموزشی فعالیت‌هایی را آغاز کرده است و به طور رایگان برای کودکان و نوجوانان خانواده‌های کم‌درآمد نیازمند

1. Tang, J. (2005). *Cishan shiye zai xiandai shehui zhong de diwei he zuoyong* [The status and role of charity in modern society]. Retrieved July 23, 2006, from www.sociology.cass.cn/shxw/xstl/xstl10/t20050201_4_756.htm.&Ding, Y. Z. (2005). *Wei cishan shiye defazhan chuangzhao yige lianhao de huangjin* [Creating a healthy environment for the development of Charity]. Retrieved July 23, 2006, from www.sociology.cass.cn/shxw/xstl/xstl10/P020050201287329218409.pdf.

2. Overseas China Education Foundation

کتاب و لوازم مقدماتی آموزشی تهیه می‌کند. البته از آنجا که بخش مهمی از فعالیت‌های بنیاد به خارج از مرزهای چین مربوط است نوعی بنیاد بین‌المللی نیز محسوب می‌شود که برای کودکان بی‌سرپرست و نیازمند دنیا فعالیت می‌کند.

درآمدهای بنیاد هم از چین و هم از آمریکا و دیگر کشورهای علاقه‌مند به کمک تأمین می‌شود. در بخش خیریه‌های علم و فناوری، بنیاد آموزش چین از نیروهای داوطلب در سراسر دنیا نیز استفاده می‌کند. نیروهای داوطلب برای فعال‌تر شدن خیریه‌های آموزشی بنیاد هم کمک مالی و هم کمک‌های تدارکاتی و عملیاتی می‌کنند.

از فعالیت‌های اصلی بنیاد آموزش چین توسعه ساختاری آموزش در مناطق روستایی چین است. در این زمینه، بنیاد با سرمایه‌گذاری‌های کلان مؤسسات آموزشی رایگان و کتابخانه‌های ارزشمندی را در مدارس مناطق دورافتاده چین تأسیس کرده است. همچنین به دانش‌آموزان و دانشجویان چینی مناطق دورافتاده کمک‌هزینه تحصیلی پرداخت می‌کند و شرایط بهتری برای تحصیل آنان و در کل جامعه روستایی چین فراهم آورده است.^۱

از مؤسسات خیریه بین‌المللی خارجی بسیار فعال در کشور چین مؤسسه آشا^۲ است. مؤسسه آشا در کشور هند قرار دارد ولی به دلیل همسایگی چین با هند بعضی از خدمات آموزشی آن در کشور چین عرضه می‌شود. آشا را در سال ۱۹۹۱ تعدادی از دانشجویان داوطلب تأسیس کردند که خیریه‌ای فعال در زمینه آموزش است و بیشتر به دنبال تغییر در هند از طریق کار آموزشی است. طرح‌های مؤسسه خیریه آموزشی آشا از سطح ابتدایی تا

۱. برای این مطالب رجوع کنید به <http://www.ocef.org>

2. Asha

آموزش عالی در مناطق شهری و روستایی اجرا می‌شود. آشا هزینه‌های خود را از طریق کمک‌های فردی و شرکتی، فروش وسایل تزئینی، مراسم شام برای جمع‌آوری کمک، کنسرت‌های موسیقی، رقص ورزشی و امثال اینها تأمین می‌کند.^۱

ب) بنیادهای حامی علم و فناوری در کشورهای اسلامی

ترکیه

در کشور ترکیه عمده کارهای خیر از طریق سنت وقف انجام می‌شود. به‌رغم فروپاشی امپراتوری عثمانی و تلاش دولتمردان جدید ترکیه در کم‌رنگ کردن شعائر دینی در آن سنت وقف همچنان به حیات خود ادامه داده است و هرچند در دولت جدید پس از عثمانی با فرازونشیب‌هایی روبه‌رو شد ضرورت خود را بر دولتمردان تفهیم کرد.

بانک اوقاف و بانک املاک در سراسر ترکیه در زمینه وقف فعالیت دارند. هر دو بانک در فعالیتهای فرهنگی و آموزش کودکان شهروندان و از درآمد موقوفات یا سرمایه‌های مالی‌ای که به نام وقف بدانها سپرده می‌شود برای تبلیغ و ترویج فرهنگ استفاده می‌کنند.^۲

از جمله بنیادهای مهم نیکوکاری در ترکیه **بنیاد نیکوکاری یاردیم‌الی** است که بخش مهمی از نذورات مردم ترکیه را، خصوصاً در جشن‌هایی چون عید قربان جمع و در میان مستمندان و نیازمندان توزیع می‌کند. بنیاد نام‌برده از کمک درخور توجه داوطلبان برای امدادسانی به نیازمندان و حتی

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به: آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور هند، صص ۱۵۷-۱۵۹.

۲. ر.ک به: فصلنامه میراث جاویدان، ش ۱۰.

جنگ زده‌های خارج از ترکیه (مثل آوارگان سوری در جنگ داخلی سوریه) استفاده می‌کند و در کنار استفاده غیرمستقیم از امکانات دولتی و بعضی پشتیبانی‌های کوتاه‌مدت دولتی بیشتر نوعی بنیاد نیکوکاری خصوصی محسوب می‌شود.^۱

همچنین است بنیاد نیکوکاری اوراسیا، که از بنیادهای نیکوکاری مهم در ترکیه است و علاوه بر فعالیت در داخل کشور ترکیه در خارج از مرزهای آن نیز فعال است. اوراسیا در جنگ سوریه محموله‌ای بزرگ برای کمک به آوارگان حلب اعزام کرد و جزو بنیادهای خیریه‌ای است که در طول سال‌های جنگ سوریه از مردم آن کشور حمایت مالی و انسان‌دوستانه کرده است. در واقعه میانمار و آوارگی مسلمانان آن که از دست بوداییان به بنگلادش فرار کردند نیز اوراسیا ترکیه فعالیت‌های انسان‌دوستانه زیادی در آن کشور کرد.^۲

در ترکیه بنیادها و مؤسسات خیریه در زمینه علم و فناوری نیز فعال‌اند. با توجه به تمایلات مذهبی حزب حاکم بر ترکیه، بخش مهمی از فعالیت‌های خیریه در حوزه علم و فناوری را مساجد سازمان می‌دهند. آموزش قرآن و اصول دینی به افراد کم‌سواد یا نیازمند به آموزش بخشی از چنین فعالیت‌هایی محسوب می‌شود. مثل بیشتر بنیادهای خیریه فعال در حوزه علم و فناوری، در ترکیه نیز هدف اصلی آموزش به افراد نیازمند و تهی‌دستان است که معمولاً در مناطق کمتر توسعه‌یافته ترکیه (جنوب و جنوب شرق) ساکن‌اند. بنیادهای نیکوکاری حامی علم و فناوری ترکیه معمولاً در آنکارا و استانبول واقع‌اند و غیر از کمک به تحصیل کودکان نیازمند ترک به

1. See <https://www.aa.com.tr/fa/۹۰۳۰۷۹/>.

2. See www.trt.net.tr/.../khmkh-bnyd-khyryh-awrsyy-trkhyh-bh-awrgn-hl.

آوارگان سوری و ترکمن‌های عراقی نیز که ترکیه آنان را بخشی از قوم بزرگ ترک می‌داند آموزش می‌دهند. بنیاد آموزش ترکیه^۱ از خیریه‌های مهمی که در خارج از ترکیه فعال است.

در ترکیه بعضی از دانشگاه‌ها نیز به طور تخصصی با آموزش رایگان به افراد نیازمند در زمینه خیریه‌های علم و فناوری فعالیت می‌کنند. دانشگاه یدی‌تپه از آن جمله است.^۲ دانشگاه وقفی سلطان محمد فاتح نیز مؤسسه آموزش عالی تازه‌تأسیس غیردولتی‌ای است که در حوزه پژوهش و آموزش در ترکیه پیش‌گام است و نقشی مؤثر و مهم در زندگی علمی ترکیه دارد. مهم‌ترین مأموریت این دانشگاه فراهم آوردن زمینه رهبری دانش‌آموزان و جامعه و به تبع آن، افزایش و بهبود نیروی انسانی واجد شرایط و دارایی‌های فرهنگی کشور است.^۳

کویت

در کشور کویت دبیرخانه‌ای به امر قانون‌گذاری و تقویت قوانین مربوط به وقف اختصاص یافته است که تلاش می‌کند بر مبنای تصمیم وزرای اوقاف و امور اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی در اجلاس ۱۹۹۷ جاکارتا تصمیماتی گسترده و عملی درباره وقف بگیرد؛ تصمیماتی چون: برانگیختن انگیزه و اهتمام به موضوع وقف، ایجاد فرهنگ مشارکت، شناسایی قوانین مترقی و مؤثر دیگر کشورها در حوزه وقف، انسجام قوانین و هماهنگی آنها.^۴

1. Turkish Educational Foundation

2. See www.yeditepehealthcare.org/our-charitable-activities

۳. ر.ک به: آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور ترکیه، ص ۱۳۴.

۴. ر.ک به: داهی الفضلی، «احکام و قوانین وقف در کشورهای مصر، لبنان و کویت»، همایش دستاوردهای ایران در زمینه وقف، تهران، مهرماه ۱۳۷۸.

در کویت علی‌رغم تعاریف رایج میان بزرگان اهل سنت در باب تعریف وقف،^۱ دولت اختلاف میان فقها را نادیده گرفته و به «حبس مالی و مصرف منافع آن بر اساس مواد این قانون» متمایل شده است. در این تعریف با روشی صحیح علاوه بر وضع قوانین به تأمین مصالح و اهداف نیز توجه و از جانبداری از هریک از تعاریف رایج پرهیز شده است.^۲ در وقف‌های خانوادگی^۳ در صورتی که خانواده موقوفه‌علیه منقرض شود وقف جنبه عام می‌یابد و به وقف خیریه دائمی^۴ اختصاص می‌یابد که باید در اختیار عامه مردم یا گروهی از مردم باشد.

در کویت با تفکیک وقف دائم از موقت و قید تعیین زمان برای پایان وقف‌های موقت و حتی وقف‌های خانوادگی موجبات تشویق به عمل وقف فراهم شده است. همچنین، طبق ماده ۷ فرمان امیری درباره وقف واقف می‌تواند تمام وقف یا برخی از آن را - خواه وقف خانوادگی و خواه وقف خیریه عمومی^۵ - به خود بازگرداند حتی اگر در سند وقف خود را از این کار محروم کرده باشد.^۶

۱. برحسب تعریف ابوحنیفه، «وقف حبس مالی در مالکیت وقف‌کننده و اقرار و تثبیت منافع آن در راه‌های خیر است». برحسب تعریف مالک، «وقف حبس مالی و منع از تصرف در آن است بدین صورت که آن مال در مالکیت صاحبش باقی می‌ماند و منافع آن در یکی از راه‌های خیر به صورت موقت یا دائم بخشیده می‌شود».

۲. رک به: داهی الفضلی، همان.

۳. «وقف خانوادگی» وقفی است که منافع آن به اشخاص حقیقی مشخص یا به فرزندان و خویشان آن می‌رسد.

۴. «وقف خیریه عمومی» وقفی است که منافع آن به یک یا چند گروه مشخص از مردم تعلق می‌گیرد و نیت آن قربه‌إلی الله است.

۵. البته به استثنای مسجد و وقف‌های عامی که بیش از یک وقف‌کننده دارد یا قاضی ضرورت تداوم وقف را اعلام دارد.

۶. همان

در قوانین کویت هیچ شرطی مبنی بر ثبت رسمی موقوفات وجود ندارد. لذا، صرف کتابت یا قول شخص یا حتی اشاره او به وقف مالی معین برای موقوفه خواندن آن عمل کافی است. همچنین، طبق قوانین این کشور وقف غیرمسلمان در صورتی که به مصارف حرام اختصاص نیافته باشد صحیح است. بنابراین غیرمسلمان‌ها نیز مجازند برای مصارف عمومی وقف کنند.

در قانون وقف کویت مال معلومی که در ملکیت کامل واقف است و همچنین مال مشاع یا ملک منقول یا سهام شرکت‌ها نیز به‌عنوان وقف اهدا می‌شود. واقف مجاز است طبق ماده ۷ فرمان امیری^۱ به استثنای مسجد هر گونه مال وقف‌کرده خود را بازگرداند. برحسب قوانین و تسهیلات، امروزه صندوق‌های وقف بسیاری در کویت تأسیس شده است که هر یک هدفی خاص را دنبال می‌کند: صندوق قرآن، صندوق مساجد، صندوق خانواده، صندوق محیط‌زیست، صندوق بهداشت، صندوق توسعه علمی و فرهنگی و غیره. واقفان برحسب تشخیص خود و اولویت‌ها وجوه نقدی خود را، اعم از خرد و کلان، به صندوق‌ها می‌ریزند و صندوق‌ها علاوه بر سرمایه‌گذاری آن مبالغ را به مقاصد موردنظر می‌رسانند. مشابه چنین عملی در قطر و عمان نیز در حال اجراست.^۲ در بحرین نیز صندوق وقف بحرین با هدف گسترش

۱. «واقف می‌تواند تمام یا بخشی از وقف عام یا خانوادگی را به خود برگرداند چنان‌که می‌تواند شرایط و مواد مصرف آن را تغییر دهد. اما در مورد مسجد به هیچ وجه واقف چنین حقی ندارد حتی اگر از پیش آن را شرط کرده باشد. این حق بازگشت از وقف حقی قانونی و مطلق است که واقف هر زمان بخواهد می‌تواند از آن استفاده کند حتی اگر هنگام وقف خود را از آن محروم کرده باشد. اما بازگشت از وقف مسجد یا تغییر شرایط و مصارف آنچه برای مسجد وقف شده ابداً ممکن نیست زیرا هر ملک یا جنسی برای مسجد وقف شد ملک خدا و جزو بیت خدا می‌شود. مصلحت نیز اقتضا می‌کند که هر چه برای آبادی مسجد خرج و وقف می‌شود قابل بازگشت نباشد.»

۲. عبادی، صادق، ساختار وقف در جهان اسلام، تهران، بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف، ۱۳۸۶، ص ۵۶۳

علوم و معارف دینی و ارتقای سطح تحصیلات و دانش مردم وجوه نقد واقفان را جمع‌آوری و سرمایه‌گذاری می‌کند.

تعداد بنیادهای نیکوکاری در کویت درخور ملاحظه است ولی دولت کویت به بنیادهای نیکوکاری حامی علم و فناوری توجه اندکی دارد. جامعه هلال احمر کویت و جامعه خیریه شیخ عبدالله النوری از بنیادهای مهم نیکوکاری کویت‌اند که عمده فعالیت‌های آنها به مسائل عمومی خیریه در حوادث غیرمترقبه مربوط می‌شود. البته بنیادهای نیکوکاری مذکور به وضعیت کودکان و میزان بهره‌مندی آنان از رفاه نیز توجه دارند و معمولاً امکاناتی را برای کودکان کویتی نیازمند تهیه می‌کنند که گاهی بعضی از امکانات برای رفع نیازهای آموزشی کودکان کویتی نیز صرف می‌شود.

انجمن کویتی مراقبت از کودکان در بیمارستان^۱ نیز از بنیادهای نیکوکاری مشهور کویت است که به کودکان کویت، به ویژه کودکان بیمار، می‌پردازد. با آنکه این بنیاد خیریه کویتی بیشتر در حوزه سلامت فعال است برای آموزش کودکان بیمار و ایجاد مراکزی برای رشد تحصیلی آنان نیز فعالیت‌هایی دارد.^۲

مصر

در مصر نیز همچون کویت با حذف وقف خانوادگی^۳، اختصاص همه وقف‌ها به وقف خیریه عمومی، تفکیک میان وقف دائم از وقف موقت و اهتمام بدین تفکیک در قوانین مربوط به وقف

1. Kuwait Association for the Care of Children in Hospital

2. See www.arab.org/directory/sheikh-abdallah-al-nouri-society

۳. با این استدلال که در وقف خانوادگی دائم، در بسیاری از موارد پس از گذشت زمانی دراز نسبت مستحقان وقف گم می‌شود و در نتیجه مال موقوف بی صاحب و بلا تکلیف می‌ماند و ضایع شده و یا از بین می‌رود.

تمام منافع ناشی از موقوفات به مصالح عمومی ارجاع می‌شود. البته الزام به ثبت رسمی موقوفات در دفاتر اسناد رسمی و نظارت قضایی دارای صلاحیت به عنوان شرط صحت وقف و امکان بازگرداندن آن در قانون اول و دوم اوقاف مصر مشکلاتی در پی دارد که تا حدی از اشتیاق مردم به عمل وقف کاسته است.^۱

مصر با قبول وقف غیرمسلمان با همان قید موردنظر کشور کویت امکان جذب موقوفات بیشتری را فراهم آورده اما در ضوابط مربوط به واقف شرط‌هایی قید کرده است که با توجه به لزوم ثبت شرعی و قانونی وقف‌نامه بر زحمت واقفان افزوده است. طبق قوانین وقف، وقف‌کننده مجاز است در صورت قید شرط در وقف‌نامه در چارچوب قانون در موقوفه خویش دخل و تصرف کند. در مورد جنس اموال وقف‌شده نیز در مصر توسعه‌ی تمام وجود دارد تا آنجا که حتی سهام شرکت‌ها و مال مشاع قابل تقسیم نیز مشمول وقف می‌شود.

از میان پنج نهاد خیریه شناخته‌شده مصری در جهان فقط یکی و آن هم به‌طور غیرمستقیم در زمینه علم و فناوری فعالیت خیرخواهانه دارد: بنیاد مصر الخیر^۲ در عموم زمینه‌های خیریه فعال است و در زمینه علم و فناوری، حمایت از مراکز آموزشی، ایجاد مراکز خیریه آموزشی در مناطق دورافتاده مصر و حمایت از دانش‌آموزان و دانشجویان نیازمند مصری فعالیت دارد.

لبنان

در لبنان وقف عمومی از وقف خانوادگی (یا مشترک بین وقف خانوادگی و وقف عمومی) تفکیک و قوانینی ویژه برای هریک

۱. همان

تصویب شده است. تعریف وقف و حدود و ضوابط آن در قانون مصوب ۱۰ مارس ۱۹۴۷ آمده است. در لبنان پیروان مذاهب اسلامی، مسیحی و یهودی زندگی می‌کنند. قانون وقف خانوادگی نیز بر اساس وجوه مشترک این سه دین تنظیم شده و برای هر سه اعمال می‌شود. با این حال، بخش عمده‌ای از قوانین مربوط به وقف خیریه عمومی برگرفته از احکام شرعی اسلام، به‌ویژه فتوای مذهب ابوحنیفه است. این تفاوت منبع، خود را در اداره موقوفات و برنامه‌ریزی برای هر کدام نیز نشان داده است بگونه‌ای که موقوفات خیریه عمومی بر اساس شریعت اسلام اداره و در محل مقاصد اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. این مسئله در بیانیه شماره ۵ تاریخ دوم مارس ۱۹۶۷ صراحت بیشتری یافت و اداره امور دینی و اوقاف مسلمانان را کاملاً به خود مسلمانان واگذار کرد.

به‌رغم نکته یادشده، طبق ماده ۲۷ قانون اوقاف خانوادگی لبنان^۱ هر وقف خانوادگی باید یک وقف خیریه عام لحاظ شود بدین معنا که باید ۱۵ درصد از کل وقف به صورت نقد یا سهام به مصارف عمومی، از قبیل ایجاد پناهگاه‌ها، بیمارستان‌ها، مراکز نگهداری ایتام و آموزش‌های مذهبی، برسد. البته مضمون این ماده با ماده ۷ قانونی که می‌گوید «واقف می‌تواند تمام یا بخشی از وقف خانوادگی را به خود بازگرداند» تا حدی مغایر است مگر آنکه قید روی بخشی از مال باشد نه همه آن.

۱. «هنگام تقسیم وقف خانوادگی معادل پانزده درصد از آن در ازای وقف خیریه خاص تعیین شده در وقف جدا می‌شود و اگر مورد تعیین نشده باشد که اساساً وقف باطل است و این پانزده درصد به اداره اوقاف محل تسلیم می‌شود تا در راه‌های خیریه عام مصرف شود».

درباره لزوم ثبت ادعای وقف واقفان نیز طبق ماده ۵ قانون مارس ۱۹۴۷ اوقاف لبنان از میان وقف خانوادگی و وقف خیریه عام باید موقوفات ملکی وقف خانوادگی هم در محاکم قانونی و هم در دفاتر اسناد رسمی ثبت شوند. این قید درباره خیریه‌های عمومی (بیمارستان، مسجد، مراکز نگهداری یتام و غیره) وجود ندارد و صرف ادای صیغه وقف برای موقوفه خواندن آنها کفایت می‌کند. از خیریه‌های علم و فناوری کشور لبنان مجموعه **تحدی لبنان**^۱ است که در دو سطح به فعالیت‌های خیریه آموزشی می‌پردازد. در سطح عمومی، لوازم و امکانات تحصیل کودکان نیازمند و بی‌سرپرست لبنانی را فراهم می‌کند. همچنین به دانش‌آموزان نخبه لبنانی که به امکانات آموزشی عالی دسترسی ندارند بورس‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌دهد.^۲ از زمان جنگ سوریه و پناهنده شدن جمعیت زیادی از اهالی سوریه به لبنان، خیریه‌های آموزشی بین‌المللی به لبنان توجه بیشتری داشته و ضمن حمایت آموزشی از پناهندگان سوری به کودکان نیازمند لبنانی نیز توجه کرده‌اند.

مالزی

مالزی از کشورهای اسلامی قدرتمند در اقتصاد و مدیریت است که به سنت خیریه به شیوه‌ای علمی و گسترده توجه دارد. در مالزی کارمندان حقوق‌بگیر دولت و کارگران و سرمایه‌داران مجازند به جای پرداخت مالیات به دولت به مؤسسات خیریه کمک کنند. بدین طریق، دولت بر فعالیت و هزینه‌کرد مؤسسات

1. Tahaddi Lebanon
2. See www.tahaddilebanon.org

خیریه دارای مجوز حکومتی نظارت دارد و مؤسسات نیز بخش درخور توجهی از اعانات خود را از مالیاتی دریافت می‌کنند که افراد جامعه می‌بایست به دولت بدهند. اقدام افراد برای کمک به بنیادهای نیکوکاری کاملاً اختیاری است و به شیوه الکترونیکی و مدرن انجام می‌گیرد. دولت نیز در عوض رو آوردن افراد به صندوق‌های خیریه مبلغی از درصد پرداختی را به عنوان پاداش می‌بخشد. برای مثال، به جای ۷ درصد مالیات، قبول می‌کند که صرفاً ۶ درصد از درآمد ماهانه به سمت صندوق‌های خیریه هدایت شود. بخشش ۱ درصد از مالیات در سطح ملی، آن هم برای کشوری که تحرک اقتصادی چشمگیری دارد، در مجموع برای دولت بصرفه است زیرا دولت مالزی پیش از چنین بخششی حجم زیادی از زحمات مربوط به خدمات اجتماعی و شهری را بر دوش بنیادهای نیکوکاری و سازمان‌های مردم‌نهاد خودکفا قرار می‌دهد و بدین طریق نه تنها از بار سنگین خود می‌کاهد بلکه احساس شهروندی، آزادی مدنی، تعاون اجتماعی و تمرین عقلانیت و مشارکت را نیز تقویت می‌کند. همه اینها از برکات اقدام مشترک و هماهنگ دولت - ملت است که مسلماً یکی بدون دیگری از سلامت و صلابت کافی در کمک به نیازمندان و محرومان برخوردار نخواهد بود.

دولت مالزی از قدرت و امکاناتی که اینترنت و فضای مجازی در اختیار کاربران قرار داده است نهایت استفاده را می‌برد و نه تنها افراد از زحمات اقدام‌های خیرخواهانه می‌کاهد بلکه ایمن‌سازی دولت الکترونیک موجبات رسیدن اعانات به خیریه‌ها و اهداف مشخص را فراهم می‌سازد.

در مالزی سمن‌های کوچک زیادی در زمینه حمایت از علم و فناوری فعال‌اند و لی فعالیت آنها معمولاً به شهرها و شهرستان‌های کوچک مالزی می‌شود.^۱ بنیادی مهم در مالزی بنیاد منزلت برای کودکان^۲ نام دارد که از کودکان نیازمند سرتاسر مالزی حمایت مالی می‌کند و ضمن رفع نیازهای اولیه آنان در سطوح ابتدایی تحصیل بورسیه‌هایی به دانش‌آموزان نخبه نیازمند می‌دهد.^۳

سازمان آموزش برای مالزی^۴ نیز از دیگر ارگان‌های مهم کشور مالزی است که هرچند هدف اصلی آن فعالیت در حوزه حمایت از علم و فناوری نیست کارهایی در این زمینه انجام می‌دهد.

جمع‌بندی: توصیه‌هایی در چارچوب بنیادهای حامی علم و فناوری

امروزه «آموزش» در کنار موضوعاتی چون معنویت، بهداشت و تغذیه از موضوعات ارزشمندی است که بنیادهای نیکوکاری جهان بر آن متمرکزند و قالب‌های گوناگونی برای پوشش آن تدارک داده‌اند. موضوع آموزش در آمریکا و بسیاری از کشورهای اروپایی، به‌ویژه اروپای غربی، تا حدی عمومیت یافته است که بخش درخور توجهی از هزینه‌های مربوط به دانشگاه‌های این‌ها از طریق خیریه‌ها تأمین می‌شود. کمک‌ها صرفاً صرف هزینه‌های ساخت، مرمت ساختمان دانشگاه‌ها یا تجهیز آنها نمی‌شود بلکه هزینه‌های آب، برق، گاز، حقوق استادان، فرصت‌های مطالعاتی، جوایز، نشر کتاب، تورهای علمی و غیره را نیز شامل می‌شود. برای

1. See www.commonwealthofnations.org > Asia > Malaysia > Education.
2. Dignity for Children Foundation
3. See dignityforchildren.org
4. Teach for Malasia

مثال، در آغاز قرن بیستم فردریک گوف با تأسیس مؤسسه خیریه عمومی زمینه اصلاح جامعه و رفع مشکلات را از راه مبارزه با فقر، بیماری و عقب ماندگی فراهم آورد.^۱

در کشورهای غربی بنیادهای خیریه آموزشی نقش موثری در ترویج و تسهیل آموزش در مدارج آموزش عالی ایفا می کنند؛ بطوری که اکثر دانشگاه های دولتی دنیا صرفاً از طریق بودجه دولتی یا عمومی تأمین مالی نمی شوند. آمار سازمان های خیریه نشان می دهد که میزان قابل توجهی از کمک های خیریه به امور آموزشی اختصاص می یابد. برای مثال آمار می گوید که وبسایت ان پی تراست از تعدادی از بنیادهای نیکوکاری آمریکا منتشر کرد نشان دهنده آن بود که پس از امور مذهبی، ۱۳٪ از کمک های سازمان های خیریه در سال ۲۰۱۱ به امور آموزشی اختصاص یافته است.

در بنیاد خیریه، آموزش به معنای کلی آگاهی دادن یا پرورش توانایی فردی به وسیله راهنمایی یا تربیت کودکان و جوانان به سبک، عادت و روشی مشخص است. هدف بنیاد خیریه آموزشی تسهیل دسترسی به آموزش برای افرادی است که در شرایط اجتماعی و اقتصادی خاصی قرار دارند. خیریه های آموزشی همچنین به دانش آموزان و دانشجویان در هر گروه سنی، از پیش دبستانی تا کارشناسی یا مدارج بالاتر، خدماتی عرضه می کنند. فعالیت خیریه های آموزشی متنوع و گسترده است: برخی از آنها با

۱. بوریس، الیزابت، «نهادهای وقفی و خیریه در آمریکا»، ترجمه صادق عبادی، میراث جاویدان، س پانزدهم، ش ۸۸، ص ۸۸.

پرداخت کمک‌هزینه‌های تحصیلی و بعضی دیگر با عنوان مؤسسات آموزشی^۱ با تمرکز بر تأثیر آموزش فعالیت‌هایی دارند^۲. در کشورهای غربی بنیادهای خیریه آموزشی نقش مؤثری در ترویج و تسهیل آموزش در مدارج آموزش عالی دارند به طوری که اکثر دانشگاه‌های دولتی دنیا صرفاً از طریق بودجه دولتی یا عمومی تأمین مالی نمی‌شوند. آمار سازمان‌های خیریه نشان می‌دهد میزان درخور توجهی از کمک‌های خیریه به امور آموزشی اختصاص می‌یابد. برای مثال، آمار ان پی تراست^۳ از تعدادی از بنیادهای نیکوکاری آمریکا نشان می‌دهد که پس از امور مذهبی ۱۳٪ از کمک‌های سازمان‌های خیریه در سال ۲۰۱۱ به امور آموزشی اختصاص یافته است. آمار دانشگاه بریستول انگلستان در سال ۲۰۰۴ از میزان مبالغ اهدایی و وقفی به حوزه آموزش عالی حاکی است که انگلیسی‌ها سالانه ۶۰۰ میلیون پوند به دانشگاه‌ها اهدا می‌کنند و سهم هر دانشجوی کارشناسی از این میزان حدود ۴۰۰ پوند در سال است.^۴ طبق آمار سایت گاردین در سال ۲۰۱۰، انگلستان در فهرست بخشنده‌ترین کشورهای جهان و در رتبه چهارم قرار دارد. پس از انگلستان، ایالات متحده آمریکا و سپس

۱. بسیاری از دانشگاه‌ها نیز تحت عنوان مؤسسات غیرانتفاعی (NPO) شناخته می‌شوند. این دانشگاه‌ها به دلیل تأمین ناکافی بودجه از طریق شهریه‌ها، نیازمند کمک‌های دولتی، کمک‌های وقفی و اعانات هستند.

۲. در این باره ببینید "خیریه‌ها و آموزش عالی؛ مطالعه موردی ایالات متحده آمریکا و اروپا"، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

3. www.Nptrust.org

۴. بریستول، د. آ. (۲۰۰۴). "Increasing voluntary giving to higher education". دانشگاه بریستول.

کشورهای اروپایی چون هلند، سوئیس، نروژ، اتریش، دانمارک، آلمان، ایرلند و اسلونی در رتبه نخست قرار دارند.^۱

در ده سال گذشته مؤسسات غیرانتفاعی کشور انگلستان با سرمایه‌گذاری مبالغ وقفی بخش اعظم بودجه سالانه خود را تأمین کرده‌اند.^۲ بیشتر این بودجه از طریق سازمان‌های خیریه و اوقاف تأمین می‌شود و اموال وقفی به‌طور دائم بخش بزرگی از بودجه دانشگاه‌ها را پوشش می‌دهند. بر اساس برنامه سوم از قانون خیریه‌ها در سال ۲۰۱۱^۳ دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی انگلستان نیز تحت عنوان مؤسسه خیریه شناخته می‌شوند و از پرداخت مالیات معاف‌اند. بدین ترتیب، دانشگاه‌ها به‌طور مستقیم و بدون واسطه از اعانات و مبالغ وقفی عام بهره‌مند می‌شوند.

در آمریکا به‌طور متوسط فقط ۴۰ درصد از بودجه دانشگاه‌های دولتی را دولت می‌پردازد.^۴ بیشتر این بودجه از طریق سازمان‌های خیریه و اوقاف تأمین می‌شود و اموال وقفی به‌طور دائم بخش بزرگی از بودجه دانشگاه‌ها را پوشش می‌دهد.^۵

۱. بازیابی از:

<http://www.theguardian.com/news/datablog/2010/sep/08/charitable-giving-country>

۲. بریستول، د. آ.

(2004). "Increasing voluntary giving to higher education". دانشگاه بریستول.

3. Charities Act 2011

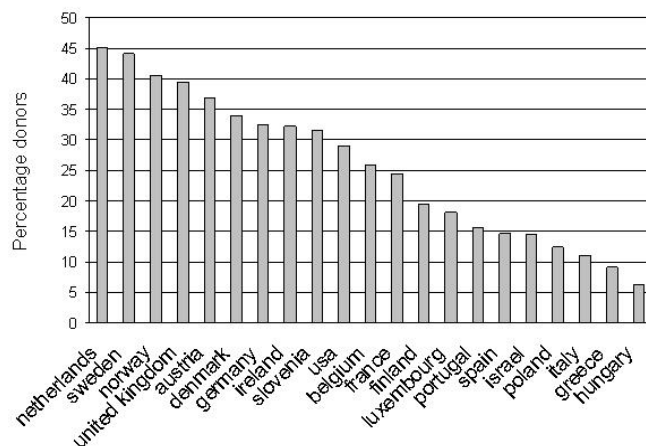
۴. (بدون تاریخ). بازیابی از:

<http://www.abrarcharity.ir/spage/uspape.aspx?id=423>

۵. (بدون تاریخ). بازیابی از:

<http://www.nptrust.org/philanthropic-resources/charitable-giving-statistics>

نمودار زیر نشان‌دهندهٔ تعداد اهداکنندگان اعانات در کشورهای اروپایی است^۱:



التفات عمدهٔ مراکز آموزشی و تحقیقاتی به بودجه‌های به‌دست‌آمده از مجرای وقف یا دیگر اشکال خیریه با استقلال دانشگاه‌ها، مراکز آموزشی و تحقیقاتی همراه بوده است با این توضیح که بخش درخور توجهی از قدرت مراکز آموزش عالی اروپا و آمریکا متکی به ارتباط آن مراکز با خیران بزرگ و کوچکی است که از جزئی‌ترین تا عمده‌ترین هزینه‌های مراکز مذکور را تقبل می‌کنند. از آنجا که دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نیز می‌بایست در جریان تعاملی دوسویه ضمن توجه به استانداردهای علمی و رقابت‌های ملی و بین‌المللی نیازهای محلی مخاطبان و خیران محلی را برآورند مراکز علمی مذکور به توسعهٔ محلی و منطقه‌ای توجه جدی دارند و در چارچوب مسئولیت

۱. بازیابی از

بنیادهای حامی علم و فناوری در جهان / ۷۵

اجتماعی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به رفع مشکلات نظام
جامعه خیر حامی خود اهتمام می‌ورزند.

فصل ۲

ریشه‌های کهن آموزش و پرورش و بنیادهای حامی علم و فناوری در ایران

آموزش و پرورش در ایران باستان

تردیدی نیست که آموزش و پرورش به شیوه کهن از زمان ورود آریاییان به سرزمینی که بعدها نام «ایران» گرفت وجود داشته است. طبیعت و جغرافیای خاص این منطقه و برخوردهای متفاوت کانون‌های قدرت در درون و برون مرزهای حکومتی و نیمه‌حکومتی، آداب، رسوم و فرهنگ جامعه و نیز تماس‌ها و ادغام‌های درونی ساکنان ایران موجد نظام و در نتیجه نهادهایی گوناگون در امر اجتماعی و فرهنگی آموزش و پرورش شده است. ایرانیان در روند تاریخی و دوران‌های حیات خود میراث جامعه گذشته را در همه زمینه‌های مادی و غیرمادی دریافت کرده و پس از فراگیری و دگرگون ساختن آنها در مسیر کمال به نسل‌های بعد از خود انتقال داده‌اند.

در دوران اولیه، آموزش و پرورش و مسائل مربوط سازمان‌یافته نبود. وظایف آموزش و پرورش در نخستین خاستگاه عملی خود در نهاد خانواده شکل گرفت و بی‌تردید با نهادهای ارزشی جامعه پیوند تنگاتنگ داشت و همواره دو امر حیاتی و اجتماعی «آموزش» (= فراگیری همه دستاوردهای مادی و غیرمادی زندگی و تولید) و «پرورش» (= دگرگونی افراد بر پایه ارزش‌های مطلوب جامعه) هماهنگ بوده‌اند. این امر نه تنها در آن روزگاران که در اعصار اسلامی و دوران‌های جدیدتر نیز استمرار داشته و کارا بوده است. بنابراین، نتیجه می‌گیریم زمانی که نوعی از آموزش در سطح خانواده وجود داشته مسائل دیگر مربوط به آموزش نیز وجود داشته است و دست‌کم در سده‌های بعد که نهاد آموزش گسترش بیشتری یافته است خیریه‌های آموزشی نیز در اشکال ابتدایی شکل گرفته‌اند.

الف) به وجود آمدن خط و توسعه آموزش از مادها تا هخامنشیان

اگرچه آگاهی‌هایی درباره دولت‌ها و جوامع کهن ایرانی در دست است لیکن شناخت اهداف و اصول آموزشی آن دوران، که دائماً در حال دگرگونی و شکل‌یابی بود، چندان آسان نیست. با این‌همه، کوشش برای فهم زمینه‌های ثبات و دوام فرهنگی این جامعه همواره در معرض تغییر و فهم لنگرگاه‌های فرهنگی این سرزمین و وجوه مقاومت در برابر رویدادهای جدید تاریخی، موضوعی است که در این نوشتار بدان نیاز داریم. از زمره این تکیه‌گاه‌ها نظام آموزشی است. از سوی دیگر، در ایجاد سازش میان منافع و مصالح فردی و خواسته‌های جمعی، یعنی انتخاب برآیند فطری - اجتماعی، تلاش‌هایی شده و در مجموع فرد و جامعه در فراگرد بودن و شدن و باروری قرار گرفته‌اند.

ساکنان ایران‌زمین که با گذر از دوره‌ای دور و دراز در هزاره یکم پیش از میلاد دارای نوعی فضای انسجام‌یافته سیاسی - فرهنگی بودند در سال ۷۰۸ ق.م با اتحاد قبایلی چند توسط دیاکو نخستین حکومت شاهی را به نام ماد به وجود آوردند که تا سال ۵۵۰ ق.م (آغاز فرمانروایی کوروش هخامنشی) تداوم یافت. در این مدت بر پایه پژوهش‌های باستان‌شناسان خواندن، نوشتن و آموزش نوباوگان آغاز شده بود. بدین ترتیب، محتمل است که اندک‌اندک الفبای مادی که ظاهراً مانند فارسی باستان دارای ۳۶ حرف بود جایگزین خطوط تصویری پیشین شد. اما از آنجا که از زبان مادی جز واژگانی اندک شناخت درستی در دست نیست پژوهش درباره زبان‌های رایج دوره هخامنشیان حاکی است که از این دوره خط میخی همراه با زبان پارسی باستان و دیگر زبان‌های رایج (عیلامی، آرامی، بابلی) در جامعه گسترش یافت. افزون بر مغان و روحانیان مردم عادی کشور نیز کمابیش از هنر کتابت برخوردار شدند به اندازه‌ای که در دوره دیاکو (۷۰۸-۶۵۵ ق.م) شکایت‌های خود را به شاه می‌نوشتند.

ب) پرورشگاه‌ها یا آموزشگاه‌های منظم و رسمی و ارتباط آنها با خیریه‌های علم و فناوری

در مسیر تاریخی وظایف «آموزشی» و «پرورشی» در خانواده اندک‌اندک نهاد مستقل آموزش و پرورش شکل گرفت و با رسیدن به اهداف و اصول و با کاربرد روش‌های پذیرفته و سازمان‌یافته معارف و میراث‌های فرهنگی گذشتگان را فراگرفت و توان انتقال آنها را به آیندگان به دست آورد.

برخورداری از نهادهای آموزشی در وهله اول با سن و طبیعت نیروهای انسانی جامعه و توان فراگیری افراد در سطوح چندگانه

ارتباط می‌یافت و به علل سیاسی و اقتصادی گه‌گاه به گروه‌هایی ویژه از افراد انسانی جامعه تعلق می‌یافت چنان‌که جماعت‌های گوناگون دارای نهادهای آموزشی خاص در کلیت جغرافیایی (مکانی) نیز شکلی خاص و وظیفه‌هایی درخور را برای نهاد آموزش و پرورش فراهم می‌آوردند و در مسیر تاریخی دگرگون می‌شدند. در این میان، بیش از همه پرورشگاه‌ها یا آموزشگاه‌های منظم و رسمی اولیه در ایران کهن عهده‌دار وظایف (عمدی و غیرعمدی) سازنده بودند چراکه در آن نهادهای ابتدایی میراث‌های فرهنگی نه‌تنها نگهداری می‌شد و در مسیر تحول و تکامل قرار می‌گرفت بلکه با ایجاد شرایط مناسب از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یافت. در این مراکز ابتدایی نه‌تنها به خانواده‌ها آموزش داده می‌شد بلکه آموزش در اختیار خانواده‌های نیازمند هم قرار می‌گرفت. شاید این اقدام آموزشگاه‌ها به حفظ و توسعه میراث‌های فرهنگی نخستین گام در راه‌اندازی خیره‌های آموزشی در ایران باستان بود.^۱

ج) اهداف نهادهای آموزشی در عصر باستان

نهادهای آموزشی اندک‌اندک پس از پایان دوره‌های عیلامی و مادی ایرانیان در عصر هخامنشیان (۵۵۹-۳۳۰ ق.م) بر بنیاد نیازهای اجتماعی و توانمندی‌های جامعه گسترش و کارایی بیشتری یافتند. اهداف آموزش و پرورش در ایران باستان به شرح زیر است:

- * آماده کردن کودک و نوجوان برای زندگی فردی و اجتماعی بر پایه فرهنگ قومی و ارزش‌های برین جامعه (مذهب)
- * پرورش شخصیت کودک و نوجوان و استعداد و قابلیت ذاتی او برای برخوردارگی جامعه

۱. تکمیل همایون، آموزش و پرورش در ایران، ص ۹.

* کشف توانایی‌های کودک و نوجوان و آموزش حرفه به او برای داشتن شغل و زیست اقتصادی در جامعه

اصول آموزش به کودکان در آن روزگار عبارت بوده است از: راستی و درستی، دادگری و خویشتن‌داری، تحمل سختی‌ها، اعتدال و قناعت، پرهیزکاری، پارسایی، سادگی و دلیری، فرمان‌برداری از والدین، سپاس‌گزاری از خوبان و نیک‌روشان، محبت و مهمان‌نوازی، داد و دهش از روی دانش و خرد، امانت‌داری و کوشش در اجرای وظایف و رعایت قوانین، نوازش جانوران مفید و عنایت ویژه به طبیعت و چگونگی آن (گیاهان، درختان و رودخانه‌ها...).

آموزش‌های مذکور را در روایت **گزننفون**^۱ از نظام آموزشی ایرانیان نیز مشاهده می‌کنیم:

«کودکان [ایرانی] به مدرسه می‌روند تا راه عدالت و پرهیزکاری را بیاموزند و به شما خواهند گفت که هدف آنان جز این نیست و این معنی در نزد ایشان همان اندازه طبیعی است که ما درباره الفبا آموختن خویش حرف می‌زنیم».

خانواده در این دوره نیز مسئولیت آموزش و پرورش کودکان را چون گذشته بر عهده داشته‌اند چنان‌که در *خرده‌اوستا* آمده است:

«ای اهورامزدا، فرزندی به من ارزانی فرما که باتربیت و دانا باشد و در هیئت اجتماعی داخل شود و به وظیفه خود رفتار کند؛ فرزند دلیری که نیاز دیگران را برآورد؛ فرزندی که در ترقی و سعادت خانواده، شهر و کشور خود بکوشد».

۱. گزننفون، شاگرد سقراط بود که به شوق فراگیری اصول آموزش و حکمت ایرانیان، با سپاه کوروش کوچک همراه شد و در نتیجه همین سفر ناقص و شکست خورده، دو کتاب تاریخی "تربیت کوروش" و "بازگشت ده هزار نفری" را نگارش کرد.

هرودوت نیز ضمن روایت سنن ایرانی، درباره داشتن فرزند از پدر در سنین کودکی آورده است:

«تا پنج‌سالگی طفل در اندرون نزد زنان پرورش می‌یابد و هیچ‌گاه در حضور پدر دیده نمی‌شود تا اگر در اوایل رشد تلف شود کمتر باعث تأثر خاطر پدر شود. به نظر من، روش ستوده‌ای است.»
آموزشگاه متعلق به گروه‌های مرفه و اندک‌مرفه جامعه بود. آنها در اماکن دور از سروصداهای شهری تأسیس می‌شدند و با آتشکده‌ها فاصله نداشتند. گزنفون در چگونگی آنها آورده است:

«[ایرانیان] در شهرهای خود میدان‌هایی با عنوان آزادی دارند. کاخ پادشاه و عمارات دولتی در آنجاست. در این محل عرضه کالا، رفت‌وآمد خرده‌فروشان و دادو فریاد ایشان یا هر گونه کار سبک و ناهنجار ممنوع است. این دسته‌ها محلات دیگر دارند تا جیغ و دادشان نظم و برازندگی محیط طبقات تربیت‌شده را مختل نکند. ارگ که مرکز بناهای دولتی است به چهار حوزه تقسیم می‌شود: یک قسمت آن برای کودکان است، دیگری برای نوجوانان، سومی برای ارشدها و آخری خاص افرادی است که زمان خدمت نظامیشان گذشته است. مطابق قانون، همه دسته‌ها باید در مواقع معین در جاهای مخصوص حضور یابند. کودکان و نونهالان سر طلوع آفتاب در محل مقرر حاضر می‌شوند؛ ارشدان بنا بر قاعده در هر وقت دلخواهشان بدانجا می‌روند مگر در روزهای خاص که باید مانند دیگران حتماً حاضر شوند. بر عهده جوانان است که شبانگاه در اطراف بناهای دولتی در حالی که اسلحه خویش را آماده دارند بخوابند. فقط افراد متأهل از این قاعده مستثنا هستند و مجبور نیستند خدمت شبانه انجام دهند مگر آنکه از پیش به آنان خبر داده باشند. ولی حتی غیبت متمادی آنان نیز پسندیده نیست. در رأس هر یک از این چهار دسته سرپرستان کودکان از بین افراد ارشد و صالح انتخاب می‌شوند تا تربیت و تهذیب اخلاق فرزندان را به

وجه نیکو تأمین کنند. رئیس دسته جوانان را از میان سالمندان به همین منظور برمی‌گزینند و درباره خود سالمندان و سران ایشان نیز افرادی بدین انتظار انتخاب می‌شوند که آنان را در اجرای اوامر پادشاه به‌نیکی آماده کنند. به علاوه، ارشدها هم رئیسی خاص دارند که کارش نظارت بر اجرای تکالیف ایشان است».

در آموزشگاه‌ها نقش مدرّسان و آموزگاران (هیربدان یا آتروانان و اندرزبدان)، برنامه‌های تحصیلی (تعلیمات دینی، خواندن و نوشتن علم‌الاشیاء) و شیوه آموزش بسیار مهم بوده است. با شناخت کامل آن‌ها به گفته دکتر ادلف راب اطمینان می‌یابیم:

«چیزی که در تاریخ ایران بیش از هر چیز جالب توجه است و روح معنوی ایرانیان را در زندگانی اجتماعی آنان مجسم می‌سازد طرز تعلیم و تربیت آنان بوده است. تعلیم و تربیت از طفولیت در روح جوانان ایران منشأ احساسات نیک بوده است. ایشان را در هر کاری به راستی و ترقی راهنمون می‌کرده، قوای روحانی و جسمانی‌شان را مهیای کار می‌ساخته و جامعه‌ای سالم تربیت می‌کرده است که افراد آن با عرضه خدمات شایان وظایف خود را به وطنشان ادا می‌کردند»^۱.

هرودوت نظام ارزشی‌ای را که ایرانیان آن روزگار به فرزندان خود می‌آموختند چنین توصیف کرده است:

«راست بنشینند و راست سخن بگویند و راست تیر اندازند».

حکیم ابوالقاسم فردوسی در اشاره به نهادهای آموزشی

(= نزدیک آتشکده) چنین آورده است:

به هر برزن اندر دبستان بُدی همان جای آتش‌پرستان بدی

۱. به نقل از تکمیل همایون، آموزش و پرورش در ایران، ص ۱۸.

و درباره آموزندگان:

همان کودکش را به فرهنگیان سپردی چو بودی از آهنگیان
یا در دانش‌آموزی شاپور به فرمان پدرش اردشیر:
بیاورد فرهنگیان را ز شهر کسی کش ز فرزانی بود بهر
نشستن بیاموختش پهلوئی نشست سرفرازی و خسروی
وزو شادمان شد دل مادرش بیاورد فرهنگ‌جویان برش

د) نقش مذهب و اخلاق در آموزش ایران باستان

چنان‌که اشاره کردیم نقش مذهب و اخلاق در آموزش‌های ایران باستان برجسته بوده است و متون مذهبی ایران باستان - که چند نمونه از آنها را ذکر کردیم - مردم را به درستی و راستی و کار خیر تشویق می‌کرده‌اند. از این موضوع نتیجه می‌گیریم که متون مذهبی و اندرزنامه‌های ایران باستان آموزش به دیگران را جزو کارهای نیک می‌دانسته و آموزش به دیگران را نیز توصیه می‌کرده‌اند و بدین طریق کار خیر را رواج می‌دادند. بنابراین، با آنکه در آنها به‌طور مستقیم به وجود خیریه‌های آموزشی اشاره نشده است خیریه‌های آموزشی در ایران باستان با هدف ترویج دین، ارزش‌های فرهنگی، قواعد اجتماعی و بعضاً علوم خاص فعالیت‌هایی داشته‌اند.

ه) دوران سلوکیان

اگرچه یورش اسکندر و سلطه مقدونیان و سلوکیان (۳۲۳-۲۴۷ ق.م) در روند جامعه فترت ایجاد کرد و در نهادهای آموزشی و پرورشی اختلال‌هایی پدید آورد نتوانست آنها را ریشه‌کن کند. فرهنگ یونان شهرهای بزرگ را دچار دگرگونی کرد. ساکنان بخش‌های گسترده جامعه، چون روستاییان، ساتراپ‌ها و دهقانان،

با قیام‌های خود «هلنیسم»^۱ را در شئون سیاسی و فرهنگی طرد کردند و با استقرار سلطنت اشکانیان میراث‌های قدیم و قوام‌یافته فرهنگی خود را پاس داشتند. البته چنین حرکت فرهنگی‌ای پس از ویرانی‌ها کار آسانی نبود. در دوره پایانی عصر اشکانیان جنگ‌های پی‌درپی با امپراتوری روم، هیاطله و هون‌ها، حاکمیت کوشانیان در برخی از سرزمین‌های آسیای مرکزی و گرایش‌های بودایی آنان، خاصه در عهد کانیشکا، یونانی‌گرایی‌ها، خودگردانی‌های محلی و تضادهای برخاسته از آن معضلات جامعه بزرگ ایران را افزوده بود.^۲

با این‌همه، کوشش‌های فرهنگی ادامه یافت و به‌رغم ویرانی بسیاری از آتشکده‌ها و آموزشگاه‌ها و جلوگیری از تعلیم موبدان و هیربدان با استحکام نهاد خانواده ارزش‌های ملی و تاریخی ایرانیان پایدار ماند و رونق گذشته کمابیش بازگشت.

(و) عصر ساسانیان و گسترش نقش مذهب در آموزش

در دوره فترت، آموزشگاه‌های ایرانی همچنان باقی ماندند. در عصر ساسانیان (۲۲۶-۶۵۱ م)، آموزش و پرورش در پیوند با دیانت و تقابل با اندیشه‌های غیرخودی (= مسیحیت، فلسفه‌های یونانی و هندی) پویایی بیشتری یافت و خاصه در برابر یورش رومی‌ها و اقوام شمال آسیا مقاومتی نشان داد.

۱. هلنیسم به دوره‌ای از یونانی‌مآبی قرون سوم تا اول پیش از میلاد گفته می‌شود که در آن فرهنگ یونانی نواحی جنوب اروپا و شمال آفریقا را تحت نفوذ خود قرار داد.
2. See Fleet, The Question of Kanishka, pp.95-107.

در سطوح عمومی و ابتدایی در همه شهرها و شهرک‌ها آتشکده‌ها و آموزشگاه‌های متعددی تأسیس شد و آموزگاران در آشناسازی کودکان و نوجوانان با فرهنگ و ارزش‌های جامعه کوشیدند. خط، زبان، دانش و هنر در کارگاه‌های خصوصی و هنرکده‌ها آموزش داده شد و معماری و صنایع دستی تحولی چشمگیر یافت.

در عصر ساسانیان نقش تعالیم زردشتی در آموزش پررنگ بود و به تبع آن کار خیر، به‌ویژه در آموزش ارزش‌های فرهنگی و دینی، از جایگاه مهم‌تری برخوردار شد. متون مذهبی درخصوص وقف در ایران دوران ساسانی سندی است که نشان می‌دهد در آن دوران کارهای خیر، از جمله در آموزش شکلی نظام‌یافته داشته است.

به‌منظور برآوردن نیازهای زیستی، اجتماعی و نظامی تخصص‌های گوناگونی شکل گرفت و تحولات فرهنگی آموزش دانش و هنر را در سطح عالی ضروری ساخت. چنین امری با اینکه در تاریخ کهن ایرانیان ریشه داشت در این روزگار رونق بیشتری یافت. انواع رشته‌های پزشکی، فلسفه، ریاضیات و نجوم، علوم طبیعی، جغرافیا، رشته‌های ادبی، حقوقی و جز اینها در آموزشگاه‌های عالی ایران‌زمین، از شرق (بلخ، فرغانه، سمرقند و مرو) تا غرب (انطاکیه، نصیبین، آدسا، آمد، قنسرین، تیسفون و هگمتانه) و از شمال (آذربایجان و اران) تا جنوب (سیستان، گندی‌شاپور، لیان و ری‌شهر) در زبان‌های پهلوی شمالی و جنوبی و گویش‌های گوناگون سُغدی، خوارزمی و بلخی و ختنی و جز اینها آموزش داده می‌شد. برخی دیگر از آموزشگاه‌ها،

از جمله مدارس یهودی (یشیوا) و مسیحی (به‌ویژه نستوریان در بخش‌هایی از آسیای مرکزی) وارث اسکندریه شدند. این مدارس و دیگر مدارس حوزه‌های دینی زردشتی در بسیاری از اماکن ایرانی با رواج تعالیم کلامی و مذهبی جایگاهی والا یافتند. شهرسازی گسترده، تأسیس کتابخانه‌ها و رصدخانه‌ها، و نگارش کتاب‌های پرورشی و اخلاقی (اندرزنامه‌ها)، علمی و نظری همه گسترده‌گی امر آموزش و پرورش را در عهد باستان نشان می‌دهد.

انتقال تربیت درست روانی، ورزش پهلوانی و تقویت روحیه دلیری در برابر متجاوزان غیرایرانی، عرق ملی و دفاع از ارزش‌های میهنی، فرهنگی، دینی به عصر پرشکوه اسلامی حاکی از توان بسیار نهاد آموزشی ایران در عصر ساسانیان است.

وقف و خیریه در ایران عصر ساسانی و رابطه آن با کار خیر آموزشی

اکنون نگاهی به سابقه خیریه‌ها و موقوفات در ایران عصر ساسانی می‌اندازیم و سنت‌های ایرانی را مرور می‌کنیم. در کنار دینکرد، نوشته موبد آذرفرنبغ و *داتستان* دینیک، نوشته منوش جیهر، برادر موبد آذرفرنبغ، کتاب *ماتیکان هزار داتستان*^۱ از کتب اصلی دین زرتشتی است که به آرا و فتوهای فقهی و حقوقی می‌پردازد و بابتی از آن به وقف اختصاص دارد. مطابق با گزارش‌های این کتاب، وقف در ایران عصر ساسانی یا خاص بود بدین معنا که مالی معین برای مدتی معین یا در طول حیات فرد به وقف گذاشته می‌شد و پس از مرگ وی یا پایان موعد مقرر به فرزندان او بازمی‌گشت، یا

عام بود یعنی برای نیتی خاص اموالی در اختیار عامه مردم قرار می‌گرفت و تا همیشه بدان منوال باقی می‌ماند. مثلاً، مالی برای مؤسسات مذهبی یا خیر اموات یا نگهداری زنان بیوه وقف می‌شد. بنیاد وقف بر استفاده صحیح از مال وقف شده طبق وصیت واقف و سوگند متولی برای نگهداری از موقوفه نظارت می‌کرد چنان‌که اگر پس از فوت واقف فرزندان و نایبان وی خسارتی به مال موقوفه وارد می‌آوردند موظف بودند جبران کنند. نوع عام وقف در ایران عصر ساسانی صرف امور آموزشی نیز می‌شد. با آنکه جزئیاتی در این زمینه در دست نیست می‌دانیم که به مسائل آموزشی کودکان توجه می‌شده است.^۱

دکتر اذکایی ۱۳ بند از فصل هجدهم در باب قوانین مربوط به موقوفات و خیرات خاص را که در آتشکده تثبت شده و به امر ترحیمات اختصاص دارد تلخیص کرده است:

۱. برای ترحیم، اگر از عایدات شرعی باشد یا نه باید مبلغ درخور توجهی به مصرف هبات برسد؛ ۲. شخص باید برای خیرات و میرات وقف‌نامه بنویسد، مراتب را اعلام و کسی را متولی کند که مال را به صرف همان نیت برساند؛ ۳. واقف باید خاص یا عام بودن مال موقوفه را رسماً اعلام کند؛ ۴. واقف باید بنویسد که موقوفه خاص برنامه ترحیم چقدر از عواید کل وقف است و چقدر از کلیت اموال وقف شده باید صرف ترحیمات شود؛ ۵. واقف نمی‌تواند از متولی موقوفه بخواهد چیزی از عواید موقوفه را به او بدهد حتی اگر عایداتی بیشتر از مقدار معین باشد؛ ۶. واقف نمی‌تواند از صیغه وقف نکول کند زیرا برای نیت خیر مال را وقف

۱. ر. ک به: ماتیکان هزار داستان، ص ۸۰، به نقل از پرویز اذکایی، «وقف در ایران باستان»، میراث جاویدان.

کرده است؛ ۷. واقف مال از برای امر خیر باید ذکر کند (بنویسد) که آن قابل انتقال است یا اعتباری برای غیر هم دارد یا نه؛ ۸. اگر مال وقفی اعتباری از برای غیر نداشته باشد شروط امر باید قید شود؛ ۹. واقف باید اعلام کند که مال موقوفه‌اش برای خیرات را شرعاً نمی‌تواند به فروش برساند یا از دست دهد هر چند که محصول آن را می‌توان شرعاً به فروش رساند. لذا، اصل مال شرعاً از دست نمی‌رود و البته می‌توان آن را به جانشین شرعی‌اش رد کرد؛ ۱۰. اگر متولی مرتکب جرمی شود که ادامه کارش ممکن نباشد تولیت امر منقضی نمی‌شود و جانشین شرعی او نیابت می‌یابد؛ ۱۱. در این گونه موارد باید تمام وجوه شرعی و وقف بر خیرات و میرات بنا بر آیین‌های مزدیسنايي طی ایام و شهر معین و مقدس به مصارف منظور واقف برسد؛ ۱۲. متولی می‌تواند برای امور وقفیه یک تن را به نایت خود کند؛ ۱۳. هرگاه کسی روزی (معمولاً هر مزدروز از هر ماه) را برای خیر اموات قرار دهد باید همان روز برای آمرزش و رحمت اموات آیین را برگزار کند.^۱

نکته جالب توجه در اینجا لزوم تنظیم هبه‌نامه یا همان وصیت‌نامه در کنار مال وقف شده است. درباره وقف‌های خاص، نه تنها باید طول دوره اهدای هدایا مشخص باشد و واقف بر مال هدیه شده تصرف داشته باشد بلکه هویت مهدی‌له نیز باید مشخص باشد و وی خواهان دریافت آن هدیه باشد.

در سنت مانوی، وقف جایگاهی ارزشمند داشته است. و از میان دو گروه گزیدگان (صدیقون) و نغوشاکان (سماعون) که هر دو اهل حرفه و فن بودند گزیدگان برای نغوشاکان هدایایی را که در زبان پهلوی به «روانگان» (مرحومان) اختصاص می‌یافت، یعنی

۱. همان: ۲۱۴، به نقل از اذکایی، «وقف در ایران باستان»، میراث جاویدان.

ناظر بر امر روح بوده است، وقف می‌کردند.^۱ روانگان در سنت مانوی دارای دستگاہی حکومتی بود و مسئولین بلندپایه‌ای همچون مسئولان سازمان اوقاف امروزی امور مربوط به خیریه‌ها و موقوفات روانگان را اداره می‌کردند.

مراکز آموزشی در دوران نخستین اسلامی

الف) شکل‌گیری مکتب‌خانه

ورود دین اسلام به سرزمین ایران و لزوم تبلیغ و ترویج آن راه‌اندازی مکتب‌خانه‌هایی را ضروری ساخت که در آغاز دغدغه‌های دینی داشتند. مکتب‌خانه‌ها از سدهٔ دوم هجری قمری شکل گرفتند و چنان فراگیر شدند که نه تنها هر شهری چندین مکتب‌خانه داشت کمتر روستایی خالی از آن بود.

در مناطق فارسی‌زبان ضرورت آموختن خط و زبان عربی، ورود واژه‌های عربی به زبان کهن پهلوی، پدید آمدن زبان فارسی جدید و نگارش حرف‌های پهلوی به خط عربی منجر به تأسیس مکتب‌خانه‌ها شد.

ایرانیان طی یک قرن، از سال ۳۱ هجری قمری تا استقرار حکومت عباسیان به سال ۱۳۲ هجری قمری، ضمن حفظ بسیاری از سنت‌های ملی خود و زبان فارسی میانه (پهلوی) اندک اندک با اسلام آشنا شدند و با خطی جدید (عربی) و زبانی تحول‌یافته تکلیفی جدید را عهده‌دار شدند که اساس آن در مکتب‌خانه‌هایی نهاده شد که کودکان پنج - شش‌ساله در آن آموزش می‌دیدند.

1. Boyce, M.A, Reader in Manichaeism, p.11 به نقل از همان

مکتب‌خانه‌ها با تعلیم قرآن شکل گرفتند و به تدریج آموزش دیگر کتاب‌ها و تمرین نگارش در آنها آغاز شد. این مراکز به دلایل مذهبی عمدتاً بیرون از مساجد اما با فاصله‌ای کوتاه قرار داشتند و گاهی ضمیمه مساجد و مدارس بزرگ بودند. مکتب‌خانه‌ها به تناسب گسترده‌ی روستاها و شهرها و محله‌های آنها کوچک یا بزرگ بودند. در برخی از مکتب‌خانه‌ها ۳۰۰۰ دانش‌آموز به آموختن مشغول بودند^۱. گاهی صاحبان قدرت و مکتب و بزرگان خلافت در خانه‌ها و قصرهای خود مکتب‌خانه‌ای برپا می‌کردند و «مودبان» (= معلمان و مربیان) سرشناس را می‌گماشتند که برخی از آنان در تاریخ نام‌ور شده‌اند^۲.

در جنگ‌ها، فرزندان اسرا با لقب «ترابی» در مکتب‌خانه‌هایی خاص پرورش می‌یافتند و پس از فرا گرفتن خواندن و نوشتن و گاهی تیراندازی و تربیت کامل (حسن اخلاق، آداب معاشرت و سخنوری) به امور دیوانی مشغول می‌شدند. از این گروه کسانی به مقام وزارت هم رسیدند^۳.

ب) اجاره کتاب در مکتب‌خانه‌ها

از سنت‌های رایج در مکتب‌خانه‌های ایرانی با هدف کار خیر در امور آموزشی اجاره دادن کتاب به افراد نیازمند بوده است. چون قیمت کتاب در آن دوران بالا بوده و هر کسی توانایی خرید آن را نداشته است در مکتب‌خانه‌ها برای استفاده عموم و شاگردان نیازمند کتاب‌ها

۱. شلیبی، ۱۳۶۱، ص ۴۹-۵۰.

۲. همان: ۵۳-۵۸.

۳. زیدان، ۱۳۵۶، ص ۲۵-۲۷.

را در ازای دریافت هزینه‌ای اندک اجاره می‌دادند. در بسیاری از مکتب‌خانه‌ها کتاب‌های درخواستی را به طور رایگان و امانت هم در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دادند. بدیهی است که این خود از انواع کار خیر در ایران دوران اسلامی بوده است.^۱

ج) سازمان مکتب‌خانه

ساختار و وظایف مکتب‌خانه از آغاز تا عصر جدید تغییر چندانی نیافته است. تداوم برخی از وجوه آن ما را به شناخت مکتب‌خانه‌های آغازین و میانی هدایت می‌کند.

ج-۱. فضاهای آموزشی

در فصل‌های معتدل سال مکان تعلیم حیاط مکتب‌خانه بود. در زمستان و هنگام بارندگی کلاس‌ها در اتاق‌های بزرگ تشکیل می‌شد. کودکان غالباً قالیچه‌ای کوچک همراه می‌آوردند و روی آن می‌نشستند. معلم در مدخل مکتب روی سکویی بر فرشی مخصوص و نرم می‌نشست و غالباً ترکه‌ای بزرگی در کنارش بود که در مواقع ضروری شاگردان را بدان می‌نواخت. در برخی از روستاها و شهرها به‌منظور دایر کردن مکتب‌خانه خانه‌ای نه‌چندان مناسب را اجاره می‌کردند. گاهی نیز حیاط مساجد و شبستان‌ها را به مکتب‌خانه اختصاص می‌دادند. در برخی از شهرها، به‌ویژه شهرهای حکومتی، مدارس ویژه با امکانات کافی تأسیس می‌شد.

۱. شلیبی، ۱۳۶۱، ص ۵۳

ج-۲. اوقات آموزشی

شاگردان صبح و بعدازظهر به مکتب‌خانه می‌آمدند. گاهی ناهار خود را در «چاشت‌بند» می‌نهادند و در مکتب می‌خوردند و پس از نماز ظهر و عصر درس بعدازظهر را ادامه می‌دادند. بعدازظهر پنجشنبه، روز جمعه، ایام عید و سوگواری مکتب‌خانه تعطیل بود. تعلیم و تعلم انفرادی بود. شاگردان یکی پس از دیگری نزد استاد درس می‌گرفتند و درس پیشین را پس می‌دادند. شاگردان خوب با لقب «خلیفه» مأمور تعلیم به دیگر شاگردان می‌شدند. خواندن همیشه با صدای بلند بود که موجب تلفظ درست کلمات و تمرکز بیشتر شاگرد می‌شد. با اینکه روش آموزش کمابیش در کشورهای اسلامی متفاوت بود و در ایران نیز در همه جا یکسان نبود فراگیری در کل بر حافظه تکیه داشت و فهمیدن و تفکر در سطح مکتب‌خانه‌ها (نه مدارس عالی‌ای چون نظامیه و حوزه‌های عالی علمیه) یا وجود نداشت یا در اولویت دوم قرار داشت.

ج-۳. هزینه‌های آموزشی و تحصیل رایگان نیازمندان

به منظور تحصیل در مکتب‌خانه‌ها خانواده‌ها به فراخور قدرت مالی خود مکتب‌دار را کمک می‌کردند و ماهانه یا هفتگی حقوقی می‌پرداختند. به مناسبت پایان بخش‌هایی از قرآن یا کل قرآن نیز مکتب‌داران پاداش‌هایی از خانواده‌ها دریافت می‌کردند که در دوره‌های متأخر به آن «پیش‌کش» یا «هل و گلاب» می‌گفتند.

مستمندان و یتیمان از تحصیل رایگان برخوردار بودند اما برخی از آنان در مکتب کار می‌کردند و بدین طریق هزینه تحصیل خود را می‌پرداختند. کمک‌ها برای اداره‌کنندگان مکتب

ناکافی بود. از این‌رو، در ساعات فراغت خود به تحریرات شرعی، استنساخ کتب، برنامه‌نویسی، دغانویسی و جز اینها می‌پرداختند. مبلغ پرداختی خانواده‌ها معین نبود و به وسع مالی و همت آنان بستگی داشت.

ناصر خسرو (متوفی ۴۸۱ هـ ق) دربارهٔ پرداخت یک درم در ماه سروده است:

از غم مزد، سر ماه که آن یک درم کودک خویش به استاد دبستان ندهی
محمد بن الحسین الفضل الواعظ در سال ۶۱۸ هجری قمری، هم‌زمان با یورش مغول به ایران، است در کتاب *زاد المذکرین* نوشته است:

«در دیار غزنین رسم چنان رفته بود که چون کودکان در دبیرستان به ابجد رسیدندی معلم هدیه طمع داشتی. مادران و پدران بر همت خود تحفه و هدیه تشریف فرمودند. امروز آن کریمان سر در نقاب خاک کشیده‌اند و آن طفلان به دست بی‌دینان اسیر گشته‌اند.»

بنابراین، نتیجه می‌گیریم که خیریه‌های آموزشی یا دست‌کم بعضی از کارکردها و اهداف آنها در ایران دورهٔ اسلامی سابقه داشته است.^۱

د) ریشه‌های تاریخی مدرسه در ایران

بدان سان که پیش از این نیز اشاره شد، ایران در عهد ساسانیان دارای کانون‌های عالی آموزشی در زمینه‌های گوناگون بود و ایرانیان از انواع

۱. عاطفی، ۱۳۵۹، ص ۵۷۵

تعلیمات فکری، دینی، فنی، علمی و هنری برخوردار بودند. این مدارس در دوره اسلامی نیز فعال بودند. آموزشگاه‌های عالی مشهور، افزون بر دانشگاه بزرگ و جهانی گندی‌شاپور، عبارت‌اند از:

- دانشگاه نصیبین، از سال ۳۱۰ تا ۳۶۳ میلادی

- مدرسه ایرانیان در شهر ادسا، مشهور به رها، از سال ۳۶۳ تا ۴۸۹ میلادی

- مدرسه آمد (در ترکیه کنونی)

- مدرسه قنسرین (در سوریه کنونی)

- و مدرسه سلوکیه (مقابل تیسفون) در زمان انوشیروان، به

ریاست مارابا، اسقف بزرگ ایرانی

در مدارس یادشده دانشجویان ممتاز از مناطق گوناگون ایران و جهان به تحصیل می‌پرداختند و تربیت روحانیون و اسقفان شهرهای ایرانی و غیرایرانی را بر عهده داشتند. اسقف مارابا و دو اسقف دیگر به نام‌های برسوما (مطران نصیبین در سال‌های ۴۴۹ و ۴۵۰ م) و نرسی از استادان نامدار این مدرسه‌ها بودند.

آموزش در برخی از مدارس، به‌ویژه مدرسه عالی یا همان دانشگاه جندی‌شاپور، و مدارس ری‌شهر (بوشهر فعلی) و آذربادگان و اصفهان و غیره، محدود به آموزش علوم دینی نبود و علوم دیگری چون پزشکی، ریاضیات، نجوم، علوم انسانی، عرفان و حکمت را نیز آموزش می‌دادند.^۱ گاهی از این مدرسه‌ها با نام «اسکول» در منابع اسلامی سخن به میان آمده است و فارغ‌التحصیلان آنها را «اسکولاییین» گفته‌اند.^۲

۱. ر. ک به: ماحوزی و ابراهیم‌آبادی، چرا مرکز علمی جندی‌شاپور را می‌توان نخستین دانشگاه جهان نامید؟، ۱۳۹۵

۲. صفا، ۱۳۳۶، ص ۱۵

سرنوشت آموزشگاه‌های عالی به لحاظ سیاسی همواره معطوف به نزاع قدرت‌های سیاسی وقت یعنی نزاع قدرت‌های ایران و روم شرقی بود. به لحاظ مذهبی هم، افزون بر ادیان زردشتی و مسیحی (و گاه یهودی)، مسیحیان نستوری (معروف به دیوفیزیت‌ها) در برابر منوفیزیت‌ها - که بر تک‌گوهری بودن اقوم‌های سه‌گانه پدر، پسر و روح‌القدس تأکید داشتند - نزاعی عقیدتی را دنبال می‌کردند.

در مدارس علاوه بر علوم دینی تاریخ جهان، علوم طبیعی، جغرافی، بلاغت و دانش‌های دیگر هم آموزش داده می‌شد و بسیاری از کتاب‌های ایرانی، چون کلیله و دمنه (ترجمه‌شده از هندی) و *سندبادنامه* به زبان سریانی برگردانده و تدریس می‌شدند. با توسعه اسلام در آسیای غربی و آسیای مرکزی و پیدایش نظام جدید آموزشی، آموزشگاه‌های یادشده در خدمت توسعه علم و دانش در جهان اسلام درآمدند و علمای آنها «استادان دانشمند مغرب‌زمین» به شمار آمدند.

ه) مدرسه‌ها در دوران اسلامی

مدرسه‌ها نوع تخصصی‌تر و توسعه‌یافته‌تر مکتب‌خانه‌ها هستند که به مرور در بعضی جاها به موازات مکتب‌خانه‌ها به وجود آمدند و به لحاظ ارتباطشان با آموزش برای بررسی خیریه‌های آموزشی و تاریخ آنها در ایران مهم به حساب می‌آیند. ایران با سابقه درخشان فرهنگی از نخستین کشورهای است که مدرسه‌های اسلامی در آنها شکل گرفته است. از قرن سوم قمری تا کنون، اندک اندک نیکوکاران و

امیران دانش‌خواه در شهرهای آمل، نیشابور، سبزوار، بیهق، بلخ، بخارا و دیگر شهرهای ایران مدرسه‌های اسلامی برپا کردند.

در آغاز مسجدها نقش «مدرسه» را برای مسلمانان ایفا کردند که هنوز هم چنین سستی برقرار است. با این حال، مسجد-مدرسه‌ها به علل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی گاهی پاسخ‌گوی همه نیازهای آموزشی نبودند. به همین دلیل، در کنار برخی از مساجد مدرسه‌های اسلامی مستقلی تأسیس کردند. در آغاز، نهضت‌های مدرسه‌سازی ملهم از مدرسه‌های باستانی ایران و نصرانیان منطقه بود اما به مرور، تشیع در ایران در هیئت اسماعیلیان و در مصر در هیئت فاطمیان (تأسیس دانشگاه الازهر در قاهره) گسترش یافت و از سوی دیگر اصحاب مذهب عامه (سنیان) در دوره سلجوقیان مدرسه‌های نظامیه (به‌ویژه نظامیه بغداد) و مدارس حکومتی‌ای چون المستنصریه را تأسیس کردند. بدین طریق، سنت‌های علمی و آموزشی، نگارش و کتابت و تدوین رساله‌های علمی متعدد در جهان اسلام رواج فراوان یافت. در این میان، حوزه علمی شیعیان اسماعیلی اثناعشری بخشی از مدارس اسلامی را در منطقه‌های ایرانی‌نشین، خاصه خراسان، جنوب اروپا و بین‌النهرین، به خود اختصاص داد و نوعی پرتوان و پویا از آموزش دینی و علمی را رقم زد که در تاریخ علمی جایگاهی والا دارد و هنوز به‌مثابه نهاد فرهنگی نظام‌مند بررسی می‌شود.

علاوه بر مدارس یادشده، در کنار رصدخانه‌ها دارالعلم‌هایی برای تعلیم ریاضیات، طبیعیات و نجوم تأسیس شد و بیمارستان‌ها نیز علوم مربوط به طبابت را حین درمان بیماران آموزش می‌دادند. از همه مهم‌تر، دیوان اداری، که عمدتاً در اختیار

خانواده‌های بزرگ و اصیل ایرانی بود، علوم کشورداری و تربیت دبیران و امیرزادگان را نسل به نسل آموزش می‌داد.

همچنین در خانقاه‌ها و زاویه‌ها تعلیم اصول عرفانی آموزش‌هایی خاص را تهذیب اخلاقی در جامعه اسلامی رونق داد. از آنجا که تعالیم مذهبی در مدارس اسلامی نقشی مهم داشت انجام کار خیر و پیروی از تعالیم اسلام در خصوص کمک به دیگران در آموزش نیز نمود یافت و به دلیل وسعت مدرسه‌ها، کمک به تحصیل رایگان افراد نیازمند در مدارس در سطحی وسیع‌تر رایج شد.

حضور زنان در مدرسه‌ها و برخورداری آنان آموزش بسیار کمتر از مردان بود. این امر از آغاز پیدایش آموزش تا دوره معاصر تاریخ ایران در مناطق و کشورهای گوناگون به تناسب شرایط تاریخی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی دچار تحولات فراوان شده است.^۱

از عصر صفویه تا دوره قاجاریه

الف) توسعه آموزش رایگان به نیازمندان

پس از پایان حکومت‌های ترکمانان قره‌قویونلو و آق‌قویونلو در دوره سلطنت صفویه استقلال و وحدت جامعه تضمین شد. اما یگانگی پیش‌آمده بیش از فرهنگی و خودجوش بودن صبغه سیاسی و الزام و اجبار نظامی گرانه داشت و آن سان که باید به رکورد تاریخی پایان نداد. بازار عرفان و فلسفه در سطح بالا و مکتب‌خانه و موضوع‌های تدریس در سطح ابتدایی تعطیل، تضعیف و دگرگون شد.

۱. تکمیل همایون، آموزش و پرورش در ایران، ص ۴۰.

در کتب تاریخی و اجتماعی به‌جامانده و آثار سیاحان اروپایی در دوره صفویه در خصوص مدرسه‌ها و مکتب‌خانه‌ها و هزینه‌های آنها و نظام تعلیم و تدریس برای توسعه آموزش و فرهنگ علمی مطالبی آمده است. اجباری نبودن رفتن به مکتب‌خانه، مطرح نبودن قید سنی، رایگان بودن تحصیل، نحوه اداره مکتب‌خانه‌ها، چگونگی کمک گروه‌های اجتماعی، اصناف و والدین به تحصیل کودکان، و پیوند وظایف نهاد مکتب‌خانه با جامعه اسلامی بدون دریافت مدرک تحصیلی برای برخورداری از امور دیوانی و اقتصادی از جوه بارز آموزش در آن ایام است.

در دوره صفویه، ترویج مذهب تشیع بر پایه خواسته‌های قزلباشان، امیران و حاکمان وابسته به شاهان صفوی از اهداف اصلی آموزش و پرورش بود. برای توضیح بیشتر درباره کودکان و نوجوانان، شهادت اسکندربیک منشی (ترکمان) می‌تواند به ما کمک کند:

«در بلاد شیعه به تخصیص مشهد مقدس و سبزوار و استرآباد و قم و کاشان و یزد و تبریز و اردبیل چهل نفر از ایتم از اناث ملبوس و مایحتاج تعیین فرموده، معلم و معلمه شیعه‌مذهب پرهیزگار و خدمتکاران صلاحیت شعار قرار داده و تربیت می‌کردند و در هنگام بلوغ هرکدام را با دیگری تزویج داده اما غیربالغی در عوض می‌آوردند!»^۱

چنان‌که گفتیم در دوران صفوی میزان تحصیل رایگان افراد افزایش یافت و در زمینه آموزش رایگان به نیازمندان تحولات مثبتی ایجاد شد.

۱. اسکندربیک منشی، ۱۳۳۴، ج ۱، ص ۱۲۳.

در پایان دوره صفویه وضع مکتب‌خانه‌ها مجدداً نابهنجار شد. نظام سیاسی جامعه رو به ضعف داشت و احوال اجتماعی و اقتصادی مردم نابسامان بود به گونه‌ای که دیگر انگیزه‌ای باقی نماند تا مردم به آموزش عنایت کنند. پس از سقوط اصفهان، ایران به مدت هفتاد سال در آشوب و هرج و مرج به سر برد. در این مدت کوشش‌هایی شد تا شاید حرکت فرهنگی در جامعه به پویایی گذشته بازگردد اما میسر نشد.

در روزگار آشوب، یعنی از سقوط اصفهان تا تاج‌گذاری آقامحمدخان، که آغاز آشنایی جدی ایرانیان با تمدن مغرب‌زمین هم بود، نظام مکتب‌خانه‌ها از شکل سنتی فاصله گرفت. این امر نه تنها در سطح آموزش مکتب‌خانه‌ای مشهود بود در سطوح بالاتر علمی و فرهنگی هم دچار نقصان‌های چشم‌گیر شد چنان‌که ملا محمد نراقی، از مراجع بزرگ سال‌های آغازین دوره قاجاریه، در معراج السعاده نوشته است:

«کسی که معرفت به اهل این زمان داشته می‌داند که آداب تعلیم و تعلم مثل سایر اوصاف کمالیه، مهجور، معلم و متعلم از ملاحظه شرایط کار عاجزند، زمان اهلش فاسد و بازار هدایت و ارشاد کاسد گشته، نه نیت معلم خالص است و نه قصد متعلم. نه غرض استاد صحیح است و نه منظور شاگرد و به این جهت است که از هزار نفر یکی را رتبه کمال حاصل نمی‌شود و اکثر در جهل خود باقی می‌مانند با وجود این که بیش‌تر عمر خود را در مدارس به سر می‌برند»^۱.

ب) تداوم سنتی و آغاز تحول در نظام آموزش: ساخت مدارس رایگان
از عصر صفویه بدین سو، با آنکه آسیب‌هایی بر نهاد آموزش و پرورش وارد آمد آشنایی با نظام‌های آموزشی مغرب‌زمین دگرگونی‌های بس اندک را در ساختار سنتی آن پدید آورد.

بر پایه سنت‌های کهن ایران، سلاطین، امیران، والیان و حکام به سان دیگر مردم نیکوکار مسجد، مدرسه، مکتب‌خانه و کتابخانه می‌ساختند. چنین عمل پسندیده‌ای هیچ‌گاه جنبه حکومتی نداشت و از وظایف دیوان به شمار نمی‌رفت. علما و روحانیان مسئولیت‌های اداری و آموزشی نهادهای یادشده را در رده‌های متفاوت، به‌ویژه در تعلیمات عالی، بر عهده داشتند و بدین‌سان نه تنها میراث‌های مذهبی را حفاظت می‌کردند نسل‌های جدید جامعه را نیز با آن آشنا می‌ساختند و در شرایط مناسب با بارورتر کردن چنین فرهنگی آن را به نسل‌های پس از خود انتقال می‌دادند. هدف آموزش در مکتب‌خانه‌های آن دوره دیانت، تندرستی، اخلاق و عادات نیکو، راه امرار معاش، و شیوه آموزش الفبا و قرائت قرآن، از بر کردن اصول دین و به‌کارگیری آموزه‌های مذکور در امورات اجتماعی، تنظیم مناسبات روستایی و شهری^۱، نوشتن و خواندن یک یا چند کتاب چون مثنوی نان و حلوی شیخ بهایی، موش و گربه عبیدزاکانی، حسین کرد، پندنامه فریدالدین عطار، حلیه المتقین مجلسی، گلستان و بوستان سعدی، و دیوان حافظ بود.

همچون زمان‌های گذشته، در این دوره نیز دانشمندان به امر تعلیم و تربیت رایگان توجه داشته‌اند. ملا محمد باقر مجلسی (۱۰۳۷-۱۱۱۱

۱. برایان، سواد در نظریه و عمل.

ق)، از شاخص‌های فرهنگی دوره صفویه، در کتاب‌های خود چون *بحارالانوار*، *عین الحیات*، *حلیه المتقین*، مؤلف ناشناخته‌ای در کتاب *آداب المتعلمین و المحصلین* و نیز شیخ زین‌الدین عاملی (شهید ثانی) (۹۱۱-۹۶۵ ق) در کتاب *منیه المرید فی آداب المفید و المستفید* از این مقوله سخن به میان آورده‌اند.

مکتب‌خانه‌ها و مدرسه‌های قدیمی در ایران دوره قاجاریه به حیات خود ادامه دادند و حوزه‌های جدیدی نیز بنا شد. هم‌زمان نوآوری‌های خودخواسته و بیگانه‌ساخته‌ای نیز پدید آمد، چون: الف) اعزام دانشجو به خارج که آغازگر آن عباس‌میرزا، ولی عهد و نایب‌السلطنه دومین پادشاه قاجار، بود. این امر فرهنگی در آغاز وظیفه «شخصی» بود و نایب‌السلطنه ایران برای سروسامان دادن به ارتش ایران به کارشناسان تحصیل‌کرده نیاز داشت. او نخستین گروه (= کاروان معرفت) را به فرنگستان اعزام داشت. پس از عباس‌میرزا این امر به گونه‌ای که دولت را ملزم می‌کرد ادامه یافت. در اولین دوره اعزام‌ها ۲ تن (۱۲۲۵ ق) و ۵ تن (۱۲۳۱ ق) به انگلستان و ۵ تن (۱۲۶۰ ق) به فرانسه اعزام شدند.

ب) ایجاد مدرسه‌های میسیونری در پایتخت و چند شهر دیگر و دادن آموزش و کمک‌های پزشکی و تأسیس مدرسه‌های مربوط به اقلیت‌های دینی، که در سیمای اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی جامعه دگرگونی‌هایی پدید آورد. این مدارس که با دعاوی متعددی، از جمله توسعه آموزش در مناطق عقب‌افتاده جهان و انجام کار خیر، تأسیس شده بودند^۱ بر محتوای آتی نظام آموزش در ایران و توجه به علوم و فنون جدید تأثیر داشتند.

۱. ببینید تقی‌زاده، تعلیم و تربیت، مجموعه مقالات، به کوشش ایرج افشار

ریشه‌های کهن آموزش و پرورش ... / ۱۰۳

بنای مدرسه‌های مهم از این نوع را آمریکایی‌ها در ارومیه (۱۲۵۲ و ۱۲۵۴ ق)، تهران و همدان و فرانسوی‌ها در تبریز، ارومیه و سلماس (لازارست‌های فرانسه) نهادند.^۱ روس‌ها، آلمانی‌ها، اتریشی‌ها و انگلیسی‌ها نیز مدارسی مشابه را تأسیس کردند.



دیرستان البرز تهران - ۱۲۷۸ ه.ش

ج) دولتی شدن نهاد آموزش و پرورش و کاهش موقت آموزش رایگان
میرزاتقی‌خان امیرکبیر با تأسیس مدرسه دارالفنون در تهران بر پایه
خواست‌های صدراعظم و به کمک معلمان اتریشی، فرانسوی،
هلندی، لهستانی، روسی و انگلیسی حرکتی جدیدی را در تاریخ

۱. صدیق، ۱۳۵۴: ۱۹۲

فرهنگی ایران آغاز کرد. او با ۱۵۰ محصل مدرسه‌ای دولتی را تأسیس کرد که از آن تاریخ (۵ ربیع‌الاول ۱۲۶۸ ق / ۳۰ دسامبر ۱۸۵۱ م) دولت را به مسئله آموزشی و نقشی که باید در آن داشته باشد متوجه ساخت.



هم‌زمان با تحولات آموزشی، در سال ۱۲۷۳ قمری (۱۸۵۵ م) وزارت علوم در ایران تأسیس شد و ناصرالدین‌شاه روز نهم ذی‌حجه ۱۲۷۵ قمری (۱۸۶۵ م) علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه، از دانش‌دوستان عصر ناصری، را به وزیری برگزید. اعتضادالسلطنه اولین وزیر در امور اجتماعی و فرهنگی است. او ۲۲ سال عهده‌دار بخش نسبتاً مهمی از آموزش و پرورش کشور بود و بدین سان فرهنگ و آموزش و پرورش در دوره ناصرالدین‌شاه برای نخستین بار از وظایف و مسئولیت‌های دولت محسوب شد هرچند سهم دولت در تأسیس مدارس نوین بسیار کم بود.

در تهران جز چند مدرسه دولتی بیش از ۹۵ درصد مدارس همچنان در اختیار مکتب‌داران بود و به سبک سنتی اداره می‌شد. وضعیت دیگر شهرها وخیم‌تر بود. البته برخی از شهرها، چون

اصفهان^۱، تبریز، بوشهر^۲، بیرجند^۳، کرمان، یزد، مشهد و شیراز، اوضاع بهتری داشتند زیرا در آنها خیرانی از اصناف بازاری و روحانی و برخی از فرنگ‌رفته‌ها مدارس را با شیوه و محتوایی نوین راه‌اندازی کرده بودند در حالی که کارشان به علت تحریک برخی از قشربون مذهبی و بازاری و کارشکنی عوام به سختی پیش می‌رفت.



حرکت‌های جدید فرهنگی، خاصه تأسیس دارالفنون و اعزام فارغ‌التحصیلان آن به فرنگستان برای تکمیل معلومات، مخالفت‌های قدرت‌های واپس‌گرا و وابستگان حکومتی را در پی داشت اما بی‌تردید دارالفنون نقطه عطفی در تاریخ آموزش کشورمان است چراکه راهی جدیدی را باز کرد که طی آن نه تنها دولت به صورت جدی متوجه وظیفه تعلیم و تعلم عمومی شد از قبل دارالفنون علوم جدید بسیاری وارد ایران شد که بی‌سابقه بود. چنین تحولی در دهه‌های بعد جواز فعالیت مدارس خارجی را در ایران صادر کرد و ایرانیان با سرعت بیشتری علوم و فنون دنیای جدید را در هیئت مدرسه‌های

۱. در خصوص مدارس نوین اصفهان عصر قاجار می‌توان به شعبه مدرسه دارالفنون و برخی از مدارس بازمانده از دوره صفوی که با قوت کمی به کار خود ادامه می‌دادند اشاره کرد.

۲. مدرسه سعادت مظفری بوشهر یکی از قدیمی‌ترین و فعال‌ترین مدارس نوین ایران عصر قاجار است که هنوز با قدمتی بیش از یک صد سال در حال فعالیت است.

۳. در خصوص مدرسه شوکتی یا شوکتیه بیرجند و سوابق درخشان آن در فعالیت‌های نوین علمی و ادامه فعالیت آن در ارتباط با دانشگاه بیرجند ببینید دکتر محمد امین ناصح، دولت یاد؛ تاریخ محلی بیرجند در آغاز سده معاصر، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۴، صص ۲۰۰-۱۹۵.

جدید ایرانی و غیرایرانی فراگرفتند. احساس مثبت برخی از ایرانیان را در یکی از روزنامه‌های همان روزگار مشاهده می‌کنیم:

«در میان ارگ دارالخلافت تهران عمارت بزرگ و جای خوب ساخته شده است به جهت تحصیل و تعلیم و تعلم هر فنی و اسم آن دارالفنون گذاشته‌اند و منظور اعلی حضرت پادشاهی این است که اطفال این دولت علیّه بعضی علوم را که در این دولت متداول نیست فراگیرند و آموخته شوند»^۱.

د) مدارس جدید در دوره قاجاریه



اولین مدرسه مجانی ایران - شیراز

پس از تأسیس دارالفنون مدارس دیگری در سطح پایین‌تر تأسیس شد که برخی از آنها را بزرگان علمی و سیاسی با انگیزه‌های خیرخواهانه و هزینه‌های شخصی ساختند. مدارس مهم عبارت بودند از:

۱. مدرسه نقاشی مجانی: میرزا ابوالحسن نقاش‌باشی، رئیس دارالترجمه، آن در سال ۱۲۸۱ قمری (۱۸۶۴ م) تأسیس کرد.
۲. مدرسه مشیریه: حاج میرزا حسین خان مشیرالدوله در سال ۱۲۹۰ قمری (۱۸۷۳ م) آن را به ریاست محمدحسن خان اعتمادالسلطنه به منظور آموزش زبان‌های خارجی بنا نهاد.

۱. روزنامه وقایع اتفاقیه، سوم صفر ۱۲۶۸ ق

ریشه‌های کهن آموزش و پرورش ... / ۱۰۷

۳. مدرسه علوم سیاسی: میرزا حسن خان مشیرالدوله و یارانش آن را در سال ۱۳۱۷ قمری (۱۸۹۹ م) تأسیس کردند.

۴. مدرسه فلاحت مظفری: تنی چند از کارداران حکومت در دوره مظفرالدین‌شاه آن را در سال ۱۳۱۸ قمری (۱۹۰۰ م) با همکاری یک متخصص بلژیکی تأسیس کردند.

۵. مدرسه سعادت مظفری در بوشهر

۶. مدرسه رشديه در تبریز، مشهد و تهران

۷. مدرسه سپهسالار: میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی، صدراعظم ناصرالدین شاه، و برادرش، یحیی خان مشیرالدوله آن را در سال ۱۲۶۳ بنا نهادند.

۸. مدرسه فیضیه قم: در سال ۱۱۶۵ هجری شمسی تأسیس شد.^۱



۱. برخی دیگر از مدرسه‌های معروف آن دوران عبارت‌اند از: مدرسه فضیلت تهران؛ دبستان دانش به ریاست مفتاح الملک؛ مدرسه ادب، مسجد مدرسه آقابزرگ؛ مدرسه محمدیه بندر لنگه؛ مدرسه و کلیسای ژاندارک؛ مدرسه مبارکه اعتضادیه بروجرد؛ دبستان عصمتیه مشهد؛ مدرسه مبارکه هدایت؛ مدرسه دوشیزگان؛ مدرسه ایرانشهر یزد؛ دبیرستان البرز؛ مدرسه ایرانی روسی نوروژ؛ مدرسه شاهپور رشت؛ مدرسه نظام؛ مدرسه زرتشتیان تهران؛ مدرسه خیریه نمازی شیراز؛ مدرسه مبارکه باقریه کرمان؛ مدرسه مبارکه سالاریه؛ مدرسه مبارکه افتتاحیه تهران؛ مدرسه مبارکه اعتضادیه بروجرد؛ مدرسه حسینییه رشت.



حرکت فرهنگی ایران و جنبش آغازین مدرسه‌سازی آرام آرام سازمان می‌یافت اما با مشکلات سیاسی و اجتماعی نیز روبه‌رو بود. به همین دلیل، کوشش‌های جدید مدنی فرهنگیان و شخصیت‌های سیاسی سرعت چندانی نداشت و فقط بخش اندکی از جامعه را درگیر کرده بود.

ه) تأسیس انجمن معارف: توسعه تخصصی خیریه‌های علم و فناوری
گروهی که بیش از همه در کشاکش‌ها سهم فرهنگی داشت و خواهان توسعه آموزش در سطوح اجتماعی بود انجمن معارف را بنا نهاد. میرزا محمدخان احتشام السلطنه، از قاجاریان فاضل و از اعضای انجمن مذکور، درباره محدودیت‌های دارالفنون مطالبی نوشته است که موقعیت فرهنگی آن روزگار و نقش نهاد سلطنت را آشکار می‌کند:

«به لحاظ اینکه پادشاه وقت بی‌سواد و جاهل عمومی را قلعه مستحکم حفظ اساس سلطنت و رژیم خود می‌دانست بساط درس و بحث و تعلیم و تعلم از این مرکز رخت بریست و از آن اسم بی‌مسئوبی باقی ماند که هرکس چند صباحی بدانجا رفت و آمد می‌کرد

و چند ماهی لباس متحدالشکل مدرسه را می‌پوشید و در کلاس‌های معهود و محدود نقاشی و موزیک، نجوم و زبان فرانسه حاضر می‌شد عنوان فارغ‌التحصیل دارالفنون را تحصیل می‌نمود و در صف بزرگان و دانشمندان مملکت قرار می‌گرفت. تازه این در به روی همه کس باز نبود و اتاق‌های آن مدرسه به شاهزادگان و فرزندان رجال و اعیان تخصیص داشت که هر یک دو-سه سالی در آنجا با انواع مفاسد و رذایل آشنا می‌شدند و به خدمت دربار و دیوان داخلی می‌گرویدند.^۱

انجمن معارف به تخصیص تحصیل به سرمایه‌داران و مرفه‌ان جامعه اعتراض داشت. به همین دلیل، اولین قدم‌های تخصصی را در ایجاد خیریه آموزشی و توسعه آموزش به افراد نیازمند برداشت. در دوره صدارت میرزا علی‌خان امین‌الدوله (از ذی‌قعدة ۱۳۱۴ق/ آوریل ۱۸۹۶م) پاره‌ای از رجال روشن‌فکر فرصتی یافتند تا به نیت باسواد کردن جامعه، آموزش و پرورش به معنای وسیع کلمه و تأسیس مدارس به معنای خاص رایزنی کنند. به پیشنهاد سیدکریم‌خان فیروزکوهی و سردار فیروزجنگ، ۶۰ تن از آن میان از جمله میرزا یحیی دولت‌آبادی و احتشام‌السلطنه، به دعوت احتشام‌السلطنه در مجلسی در منزل برادر سردار گرد آمدند. البته جعفرقلی‌خان تیرالملک، وزیر علوم، و صنیع‌الدوله به بهانه شرکت امین‌الدوله در مجلس روضه‌خوانی مخبرالدوله در مجلس حاضر نشدند اما شخصیت‌هایی چون میرزا عبدالغفارخان نجم‌الدوله، معلم کل ریاضی، میرزا حسین خان فروغی ذکاءالملک، حاجی میرزا یحیی دولت‌آبادی، حاجی شیخ مهدی کاشانی، شمس‌العلمای رب‌آبادی، حاجی میرزا حسن رشیدی و مهدی خان ممتحن‌الدوله در مجلس حضور داشتند. در آغاز، گفت‌وگویی تند میان احتشام‌السلطنه و حاجی نجم‌الدوله در

۱. احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۲۱۵-۲۱۶

نقد اوضاع فرهنگی و نقش مرحوم نجم‌الدوله در گرفت. احتشام‌السلطنه مباحث آن جلسه را چنین بیان کرده است:

«اشخاص بی‌طرف و وطن‌دوستی که در مجلس حاضر بودند وقتی سخنان من به اینجا رسید قیافه‌های راضی و خوشحال گرفتند اما هنوز هیچ‌یک جرئت تکلم نداشتند و تصدیق می‌کنم که ورود در این مقوله و هم‌صدایی با من در آن روزها کار پرمخاطره‌ای بود»^۱.

احتشام‌السلطنه همچنین دربارهٔ نخستین مدرسه‌ای که به دنبال گردهمایی مذکور دایر شده آورده است:

«خانهٔ کربلایی عباسعلی در دروازه قزوین برای مدرسه که با سرمایه و به نام صدراعظم و به ریاست میرزاحسن تبریزی باید تأسیس شود اجاره و اسباب کار را تدارک و چند کلاس با میز و صندلی و به سبک جدید دایر کردیم. این مدرسه به تقلید ترک‌های عثمانی به نام رشديه موسوم شد و میرزاحسن خان تبریزی هنوز هم بعد از بیست و پنج سال با لقب رشديه معروف است»^۲.

همو نوشته است: «اطفال و جوانان» تهران در این مدرسه «هجوم» آورده‌اند و عدد آنان بر دویست تن فزونی یافت و به دلیل همین استقبال به مرور مدرسه‌های دیگری توسط اشخاص فرهنگی و خیر تأسیس شد. پاره‌ای از این مدرسه‌ها مجانی بودند و بقیه شهریه‌هایی جزئی دریافت می‌کردند. اساساً هدف آنها گسترش رایگان آموزش به افراد نیازمند بود و چون برای این کار هدف و برنامه داشتند در کار خود موفق هم بودند و در واقع اولین خیریه‌های آموزشی در ایران جدید را این انجمن و اعضای آن تأسیس کردند.

۱. احتشام‌السلطنه، ۱۳۶۷: ۲۲۲.

۲. همان: ۲۲۶.



هیئتی که برای «تشکیل و تأسیس مدارس و اداره آن و جلب و تشویق اشخاص خیر به دادن کمک مالی» انتخاب شد نام «انجمن تأسیس مکاتب ملیه ایران» به خود گرفت که درباره چند تن از اشخاصی که در آن نشست برگزیده شدند اختلاف نظر وجود دارد.

انجمن معارف چند کتاب نیز برای تدریس در مدارس تألیف کرد، مانند *تاریخ ایران*، به قلم محمدعلی فروغی (ذکاء الملک)، علی (به نام میرزاعلی خان امین‌الدوله صدراعظم)، شرعیات، به قلم حاج میرزا یحیی دولت‌آبادی، *تعلیم الاطفال*، به قلم مفتاح‌الملک، *جغرافیا*، از مهندس‌الملک، قرآن، تجوید و قرائت، قرائت عربی، کتاب قواعد الجلیه و مدارج القرائه و منطق حاشیه (ملا عبدالله)، گلستان، ریاضیات نجم‌الدوله و متون فرانسه.

تأسیس انجمن معارف و نیز مدارس جدید با نظارت و مسئولیت دولت در واقع منبعت از مشروطه و به منظور حفظ مشروطیت پس از سقوط اولیه آن و به توپ بستن مجلس بود. جنبش مشروطیت و آزادی‌خواهی ایرانیان با آنکه ریشه در

روحانیت اسلامی و گرایش‌های روشن‌فکری جدید ایران داشت در آغاز در امر آموزش و پرورش جامعه آن سان که باید اهمّی شایسته نداشت. علت آن شاید از یک سو عنایت بیشتر به قانون، سیاست و عدالت‌خواهی و از سوی دیگر پایداری در برابر دخالت‌های خارجی‌ان در امور سیاسی و دفاع از اصل استقلال کشور بود. با این حال، در متمّم قانون اساسی نظام مشروطیت ایران مصوّب شعبان ۱۳۲۵ ق (۱۹۷۰ م) به‌روشنی آمده است:

«تأسیس مدارس به مخارج دولتی و ملّتی و تحصیل اجباری باید مطابق قانون وزارت علوم و معارف مقرر شود و تمام مدارس و مکاتب باید تحت ریاست عالیّه و مراقبت وزارت علوم و معارف باشد»^۱.

طبق اصل قانونی مذکور، دولت مسئولیت رسمی آموزش و پرورش کشور را بر عهده می‌گرفت و بر پایه اصل دیگر (هجدهم) متمّم قانون اساسی «تحصیل و تعلیم علوم و معارف و صنایع آزاد است مگر آنکه شرعاً ممنوع باشد». با این ملاحظه، همه مردم دارای موقعیت مساوی در مراحل علم‌آموزی بودند.

با تأسیس وزارت معارف و احوال و ظایف انجمن معارف و وزارت علوم سابق به آن در شعبان سال ۱۳۲۸ ق (۱۹۱۰ م) قانون اداری وزارتخانه در ۳ فصل و ۱۲ ماده به تصویب مجلس شورای ملی رسید و از آن تاریخ مدارس دولتی چندی با تصویب مجلس در تهران و دیگر ولایات تأسیس شد و شخصیت‌های برجسته‌ای گه‌گاه عهده‌دار آن وزارتخانه شدند که به پیشرفت

۱. اصل نوزدهم از صورت مذاکرات مجلس شورای ملی

فرهنگ کشور، خاصه در تهران، خدمات شایسته‌ای کردند.^۱ این رویه در واقع ادامه سنت درالفنون بود که میرزاتقی‌خان امیرکبیر به‌رغم محدودیت‌های فراوان بدان التفات داشت.

ز) تأسیس مدارس و مسئله بودجه: مدارس رایگان و غیررایگان

از مشروطه به بعد دولت‌های وقت متأثر از جنبش اجتماعی معطوف به وحدت ملی و ساختن وطن و هم‌قدم با خیرینی که به‌صورت پراکنده به توسعه علم و آموزش در کشور اهتمام داشتند مدارس جدیدی در ایران، به ویژه در تهران، ساختند. این امر زمانی که وزیر معارف روابطی حسنه با رئیس دولت داشت و عمر کابینه‌ها نیز طولانی بود رونق بیشتری داشت اما در دوره‌های دیگر، با ازدیاد جمعیت تهران، نه‌تنها مدرسه‌ای تأسیس نمی‌شد بلکه به علت کمبود بودجه برخی از مدارس، به‌ویژه مدارس دخترانه، تعطیل می‌شد به طوری که از سال ۱۳۲۹ تا ۱۳۳۶ قمری (۱۹۱۱-۱۹۱۷ م) ۴۵ باب مدرسه را تعطیل کردند. دولت مجبور شد برای جبران وضع مذکور در ۱۸ ذی‌حجه ۱۳۳۶ ق. با تصویب طرحی جدید و تعیین بودجه‌ای معین ۳۰ باب مدرسه ابتدایی مجانی و ۶ باب مدرسه متوسطه غیرمجانای (برای تأمین کسر بودجه دولت) تأسیس کند. دارالمعلمین و دارالمعلمیات نیز در پایان قرن گذشته با هدف تربیت معلم‌های ابتدایی مدارس جدید ساخته شد.

۱. تکمیل همایون، آموزش و پرورش در ایران، ص ۶۲

ترویج ادبیات ملی‌گرا و توانمندسازی دختران، به‌مثابه نیمی از جمعیت کشور، از دیگر اقدامات وزارت معارف بود که زمینه را برای آغاز به کار حکومت آتی فراهم آورد؛ حکومتی که مأمور به گسترش نظام آموزش و دیوان‌سالاری مدرن متناسب با اقتضائات داخلی و بین‌المللی بود.

آموزش و پرورش، از پهلوی تا انقلاب اسلامی

پس از تحمیل قراردادهای شوم گلستان و ترکمانچای، ایران به‌طور غیرمستقیم از لحاظ سیاسی و اندک اندک اقتصادی زیر سلطه دو کانون نیرومند «موازنه مثبت» انگلیس و روس قرار گرفت. با آنکه نهضت مشروطیت استقلال ملی، آزادی جامعه و عدالت فردی و اجتماعی را هدف قرار داده بود و به‌گونه‌ای تجلی آرمان‌های معنوی و مادی مردم در چارچوب «موازنه منفی» به شمار می‌رفت قدرت حکومتی در چارچوب سلطه‌گری‌های دول اروپایی و ناهماهنگی‌های داخل کشور در مسیر وابستگی‌های نو در وضعی قرار گرفت که پویایی فرهنگ ایران و گفتمان منطقی و کارساز با جهانیان شکلی صحیح به خود نگرفت. از این رو، اقتباس‌ها عمدتاً در قالب حذف رویه‌های قدیم و جای‌گزینی‌های گسترده جلوه‌گر شد.

عمده‌ترین جلوه اقتباس‌های همه‌جانبه را در نظام آموزشی در حذف فعالیت مکتب‌خانه‌ها و به حاشیه راندن حوزه‌های مدرسی و علمی سستی مشاهده می‌کنیم؛ اقدامی که در زمانه خود توجیحات فراوانی داشت اما نظام آموزشی قدیم را به جای حذف به خدمت گرفت و موجبات استمرار فرهنگی را فراهم آورد.

طبق مأموریت تعریف‌شده برای حکومت پهلوی، دگرگونی‌های حکومتی و سرانجام تغییر نظام اداری در همه شئون ایران تغییر کرد اما به همان اندازه تسلط دولت و حکومت را بر شئون اجتماعی تثبیت کرد؛ تثبیتی که در نهایت به کاهش و تضعیف زمینه فرهنگی و اجتماعی مشارکت‌های مردمی در امور خیر، به‌ویژه امور آموزشی، منجر شد که تا پیش از این بار عمده آن بر عهده خود مردم و خانواده‌ها و اصناف علم دوست بود.

پس از مشروطه، نظام آموزشی کشور که بیش و کم جنبه دولتی یافته بود با هدف تبیین گفتمان وحدت ملی، حفظ وطن از تجاوزات بیرونی و مشکلات درونی، از جمله بیماری‌های واگیری، چون طاعون و وبا، و دفع خطر قحطی‌های کشنده‌ای که عمدتاً با بیماری‌های مذکور همراه می‌شد و همچون داس کشاورز جمعیت ایران را درو می‌کرد شکل گرفت. چنان‌که گفتیم، این بار حکومت با تأسیس انجمن معارف و پس از آن وزارت معارف نظام آموزش ملی واحد و گسترده‌ای را تعریف و اجرا کرد. بدین منظور، حکومت ملی نیز با هدف توسعه آموزش در کشور محقق شد که اولین جلوه آن را در حکومت رضاشاه می‌بینیم. برخی از روشن‌فکران و قاطبه گفتمان اجتماعی حاکم بر دوره احمدشاهی با برخورداری از شرایط اجتماعی پیش‌آمده در ایران کودتای سوم حوت ۱۲۹۹ خورشیدی را پدید آوردند و رضاخان میرپنج را در مسیر قدرت‌طلبی قرار دادند. سلطنت رضاشاه، به‌مثابه نخستین حکومت مدرن ملی در تاریخ ایران، با قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، پیوند خورد تا اهداف مشروطه‌خواهان را محقق سازد.

طبق مأموریت تعریف شده برای حکومت پهلوی، دگرگونی‌های حکومتی و سرانجام تغییر نظام اداری در همه شئون شمایل ایران را تغییر داد اما به همان اندازه تسلط دولت و حکومت را بر شئون اجتماعی تثبیت کرد؛ تثبیتی که در نهایت به کاهش و تضعیف زمینه فرهنگی و اجتماعی مشارکت‌های مردمی در امور خیر، به‌ویژه امور آموزشی منجر شد که تا پیش از این، بار عمده آن بر عهده خود مردم و خانواده‌ها و اصناف علم دوست بود.

الف) قوانین و مقررات جدید

در سال ۱۳۰۰ش قانون تأسیس شورای عالی معارف، مشتمل بر ۱۵ ماده، به تصویب مجلس شورای ملی رسید. اعضای رسمی شورای مذکور ۱۰ تن به شرح زیر تعیین شدند:

۱. یک تن مجتهد جامع‌الشرایط
۲. دو تن از رؤسای مدارس عالی و متوسطه
۳. دو تن از معلمان درجه اول مدارس عالی و متوسطه
۴. پنج تن از دانشمندان کشور

اعضای شورا هیچ‌گاه به معنای واقعی و به دور از نفوذ سیاسی حکومتی تعیین نشدند و در نتیجه کارگزاران فرمانروایی و به مرور سلطتی رضاشاه با رأی خود و تصمیم‌گیری‌های حکومتی به حل و فصل و عقد امور فرهنگی مبادرت می‌کردند. در دوره‌ای ۱۶ساله، ۵ وزیر در رأس وزارت معارف انجام وظیفه کردند که اکثر آنان گفتمان وحدت ملی را متأثر از الگوی فرانسوی به اجرا درآوردند. آنان با تدوین کتاب‌های تاریخ، جغرافیا، ادبیات فارسی، تعلیمات اجتماعی، بازمینی در متون دینی و غیره، تعریف سطوح متعددی از آموزش

کودکان، نوجوانان، بزرگسالان (اکابر) و تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات و سپس دانشسرای عالی و دانشگاه تهران رویه آموزشی جدیدی را در ایران به اجرا درآوردند. استفاده از بودجه اداره اوقاف و در اختیار قرار دادن سرمایه‌های وقفی و امامزادگان و غیره به وزارت معارف و دولت به حاکمیت اجازه داده بود خود در قالب مجری‌ای تمام‌عیار برنامه‌های آموزشی نوین را به اجرا درآورد.

برنامه آموزشی نوین با حمایت‌های حکومت ملی تازه تأسیس شده خیلی زود در تمام ایران به اجرا درآمد. در سال ۱۳۰۶ش، شعب شورای عالی معارف زیر نفوذ تهران در سایر مراکز ایالات و ولایات تشکیل شد.

از سال ۱۳۰۷، بر پایه قانون اعزام محصل به خارج به مدت شش سال، هر سال در حدود یکصد دانشجو برای تحصیل به خارج اعزام شدند. از فروردین ۱۳۱۲ خورشیدی کلیه مدارس ابتدایی مجانی شد. همان سال، انجمن ملی تربیت بدنی و دانشسرای مقدماتی تأسیس شد و دانشسرای عالی (دارالمعلمین سابق) گسترش یافت. در سال ۱۳۱۳، به پستوانه مدارس عالی و دانشکده‌های تازه تأسیسی چون دانشکده معقول و منقول، دانشکده کشاورزی، دانشکده حقوق، علوم سیاسی و تجارت، و دانشکده پزشکی، دانشگاه تهران در باغ جلالیه تأسیس شد.

در آن بازه زمانی، برنامه‌های آموزشی مدارس، دانشکده‌ها و دانشگاه زیر نظر وزارت معارف اداره می‌شد که مدیریت همه اوقاف کشور را بر عهده داشت. در سال ۱۳۱۶، وزارت معارف به منظور حمایت از فعالیت‌های علمی دانشگاه تهران دو قریه قیدار و زواجرا را به انضمام روستاهای اطراف آنها وقف دانشگاه تهران کرد تا عواید آن

را در امور مربوط به انتشارات، خرید کتاب، جایزه مقالات برتر و غیره صرف کند.^۱



اندکی پس از آن، در سال ۱۳۱۸ با همکاری انگلستان مؤسسه (کالج) فنی آبادان راه‌اندازی شد که بعدها به دانشکده نفت تغییر نام یافت. مدارس خارجی نیز ذیل برنامه وحدت ملی موظف شدند کودکان را در سطح ابتدایی فقط با زبان فارسی آموزش دهند. لذا، تدریس به زبان‌های دیگر به دوره دبیرستان محدود شد؛ سیاستی که بسیاری از مدارس را از سال ۱۳۱۸ به تعطیلی کشاند.

ب) انقلاب سفید و انقلاب آموزشی

از پایان شهریور ۱۳۲۰، با آزادی‌های نسبی‌ای که محمدرضا شاه به‌منظور کسب مشروعیت و اعلام حرکت در چارچوب قوانین مشروطه تا آغاز دههٔ چهل عطا کرد، کم و بیش با وضعیت گذار از الگوی وحدت ملی به الگوی توسعهٔ آمریکایی روبه‌رویم، هرچند در این میان ترور نافرجام شاه در دانشگاه تهران و سقوط دولت مصدق

۱. ر.ک به: زرگری‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷، ج ۱، صص ۴۳۳-۴۳۰.

رغبت شاه را به ادامه سیاست پیشین تضعیف و او را به سمت دیکتاتوری آتی ترغیب کرد.

با آغاز دهه چهل و اعلام برنامه تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و متعاقب آن آموزشی، کمک ارتش برنامه‌های گسترده ملی در سه سطح «آموزش»، «بهداشت» و «عمران و توسعه» در قالب سپاهیان دانش، بهداشت و ترویج و آبادانی به اجرا درآمد. در کنار آن، برنامه و محتوای آموزشی مدارس تغییر کرد و دانشگاه‌ها و کالج‌های جدیدی هماهنگ با برنامه‌های انقلاب سفید تأسیس شد که گزارش آن همه‌ساله در رامسر به سمع شاه می‌رسید. در برنامه جدید، برخلاف برنامه پیشین که اصحاب علوم انسانی سیاست‌گذاران نظام آموزشی بودند و به این دسته از علوم ارجحی ویژه نهاده می‌شد، علوم فنی و مهندسی در اولویت قرار گرفت. همچنین، نظام آموزش می‌بایست دو کار را انجام می‌داد: نخست تکنسین‌ها و مهندسان موردنیاز صنایع و شرکت‌های خصوصی‌ای را که در جریان تحولات اقتصادی در حال گسترش تأسیس شده بودند تأمین می‌کرد و از سوی دیگر می‌بایست زمینه توسعه اجتماعی و فرهنگی را برای قاطبه ملت فراهم می‌آورد تا مبادا برنامه‌های توسعه دچار خلل یا با موانع روبه‌رو شود. بدین معنا، در نظام جدید آموزشی که تمام آن بر عهده دولت و نه نهادهای مدنی نهاده شده بود علوم انسانی در حد پیوست فرهنگی و ضمیمه طرح‌های عمرانی تعریف شده بود؛ رویه‌ای که حتی پس از انقلاب اسلامی که مدعی توسعه و تحول علوم انسانی و مدیریت کشور بر اساس آرمان‌های متعالی الهی و اخلاقی بود ادامه یافت.

در این ایام، هرچند شاهد حضور تمام‌قد حکومت در امور مربوط به توسعه مراکز آموزشی هستیم کم و بیش در مواردی

کمک‌های مردمی‌ای را نیز شاهدیم. برجسته‌ترین نمونه ساخت دانشگاه کرمان (شهید باهنر فعلی) توسط خیری نیک‌اندیش به نام مهندس علیرضا افضلی‌پور است. ایشان از سال ۱۳۵۱ همت و وقت خود را برای ساختن دانشگاه کرمان مصروف داشت تا بدین طریق اهالی کرمان در یکی از دانشگاه‌های برتر ایران تحصیل کنند. صرف ۱۴ میلیون دلار برای ساختن ۱۴ دانشکده و ۴ پژوهشکده، راه‌اندازی صدها رشته تحصیلی، تحصیل ده‌ها هزار محصل و اختصاص زیربنایی بالغ بر ۲۳۴ هزار متر به فضای آموزشی در کنار تحمل سختی‌های فراوان برای تهیه مصالح در شهرهای یزد، شیراز، کرمان و غیره از مهندس افضلی‌پور چهره‌ای ماندگار در عرصه علم و فناوری ساخته است. با توجه به تقلّم زمانی و صعوبت کار به جرئت می‌توان ایشان را بزرگ‌ترین واقف عرصه آموزش در دوران معاصر دانست؛ مردی که وصیت کرد درآمد فروش اعضای بدنش را پس از مرگ صرف هزینه‌های دانشگاه کنند و جسدش را به سالن تشریح دانشکده پزشکی بپردازند. او در سال ۱۳۶۴ با وقف میراث خود طی سند شماره ۵۸۵۴۶ به مردم کرمان سستی را در کرمان نهادینه کرد که پس از وی بنا بر وصیتش^۱ ادامه یافت: بسیاری از کرمانی‌های نیک‌اندیش به انحای گوناگون دانشگاه کرمان را یاری کردند و همچنان یاری می‌رسانند، از جمله مرحوم دکتر مظفر بقایی کرمانی، مرحوم دکتر علی سینایی، بانو فاخره صبا

۱. «تقاضا می‌کنم از کرمانی‌هایی که از چشم بیشتر دوستشان دارم که دانشگاهی که فرزندان شما را تربیت می‌کند احتیاج به شما دارد. دانشگاه ساخته شده است اما تجهیزات کم دارد. من هم ندارم. اگر داشتم می‌دادم. هر کس برایش امکان دارد حتی یک کلاس یا یک آزمایشگاه را تجهیز کند» (ر.ک به: تلاش پرفضیلت در میراث افضلی‌پور؛ گزارش عملکرد دانشگاه شهید باهنر کرمان، ۱۳۸۴، ص ۳۷).

ریشه‌های کهن آموزش و پرورش ... / ۱۲۱

همسر مهندس افضلی پور) و صدها نفر دیگر.^۱ پیشتازی مهندس افضلی پور و دانشگاه کرمان در جلب و جذب کمک‌های مردمی بزرگ‌ترین، موفق‌ترین و حتی باسابقه‌ترین الگوی خیریه‌های علم و فناوری در ایران معاصر است.^۲



۱. ر.ک به: همان: ۵۵-۴۵.
۲. به‌منظور آشنایی با فعالیت‌ها و مرارت‌های مهندس افضلی پور و تداوم همیاری‌های مردمی با دانشگاه کرمان، ر.ک به: منبع پیشین: ۵۵-۳۵.

برای ارتقای وضعیت صنعت در آن منطقه. زمین، ساختمان مجتمع شامل شش دانشکده و تجهیزات دانشکده‌ها را تماماً مرحوم نوشیروانی تهیه و تدارک دید.^۱ او همچنین در سال ۱۳۴۸ قراردادی میان شرکت خود (شرکت نسبی نوشیروانی) و سازمان تعلیمات فنی و حرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش به‌منظور احداث انستیتوی تکنولوژی دوره عالی در بابل امضا کرد. طبق قرارداد، هزینه‌های ساخت انستیتو بر عهده شرکت بود مشروط بر اینکه بلافاصله پس از اتمام طرح عمرانی فعالیت آموزشی آغاز شود. پس از انقلاب، انستیتوی یادشده دانشکده فنی نام گرفت و سپس در کنار چند دانشکده دیگر دانشگاه مازندران نامیده شد.^۲

در فاصله سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۷ دانشگاه پهلوی (شیراز)، به‌مثابه جدی‌ترین الگوی دانشگاه مستقل هیئت‌امنایی، ضمن دریافت کمک‌های مالی حکومتی ذیل برنامه دانشگاه اجتماعی آمریکایی از ظرفیت کمک‌های نقدی دیگر سازمان‌ها و نهادها بهره می‌برد و الگویی از دانشگاه موفق بین‌المللی را به نمایش گذاشت. در الگوی یادشده مقرر بود «دانشگاه نباید تابع هیچ نهاد آموزشی و مرکز حکومتی باشد تا بتواند سیاست‌های اصلی و ضرورت‌های رفع مشکلات و نیازها را معین کند و مشکلات خود را بشناسد و برای آنها راه‌حل پیدا کند».^۳ طبق الگو، دانشگاه پهلوی می‌بایست همسو با سیاست‌های دانشگاه آمریکایی پنسیلوانیا

۱. ر.ک به: ریابه باستانی، *زندگینامه و خدمات اجتماعی سیدفلاح نوشیروانی*، ۱۳۹۶، ص ۸۳.
۲. همان: ۱۵۸-۱۵۶.

۳. ر.ک به: ماحوزی، «رضا، سیاست‌ها و استراتژی‌های دانشگاه شیراز (پهلوی) در فعالیت‌های علمی بین‌المللی»، *بین‌المللی شدن آموزش عالی در آسیا*، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، ص ۹۸.

طرح ارتباط با جامعه را بر اساس الگویی کاملاً بومی و انتخاب شده پیش می‌برد. از همین رو، در ترکیب هیئت‌انم‌ای دانشگاه در کنار عالی‌ترین شخص کشور و استانداری فارس مدیرعامل شرکت نفت، سازمان برنامه و ارتش شاهنشاهی و دیگر شرکت‌های صنعتی، شخصیت‌های ذی‌صلاح فرهنگی و اقتصادی و ارباب صنایع (۹ تا ۱۵ نفر) حضور داشتند تا استقلال مالی و به تبع آن استقلال مدیریتی دانشگاه را تضمین کنند. بخش دیگری از استقلال دانشگاه را خانواده‌های متمول و فرهنگی شیراز بر عهده گرفته بودند بدین نحو که با میزبانی دانشجویان خارجی و دانشجویان کم‌بضاعت داخلی به اداره مالی دانشگاه کمک می‌کردند.^۱

در آن ایام، شاید با هدف تضعیف اندیشه‌های کمونیستی و در نتیجه افزایش سرعت توسعه لیبرالی و بازار آزاد به مدارس دینی با اختیاراتی محدود مجوز فعالیت می‌دادند. جامعه تعلیمات اسلامی با مدارسی در تهران و شهرستان‌ها با مدیریت خطیب مشهور، شیخ عباسعلی اسلامی، دبیرستان کمال نارمک با مدیریت دکتر یدالله سجایی، دبیرستان علوی با مدیریت علامه علی‌اکبر کرباسچیان و در نهایت مدرسه رفاه از مدارس مذهبی‌ای بودند که به‌صورت خصوصی و در نتیجه ائتلاف روحانیت، بازاریان و روشنفکران تأسیس شده بودند و در مقابل تربیت سکولار به تربیت مذهبی ترغیب می‌کردند.^۲

برخی از مدارس یادشده، از جمله مدرسه کمال نارمک، به‌دستور حکومت وقت تعطیل شدند. به‌طور کلی، نهاد آموزش در دو دهه

۱. همان

۲. ر.ک به: کرمی‌پور، ۱۳۹۷: ۸۰-۱۱۰

پایانی حکومت محمدرضا شاه به اتکای پول نفت و مأموریت حکومت در پیش برد برنامه‌های انقلاب سفید خصلت حکومتی به خود گرفت و از وجوه مدنی و مشارکت‌های مردمی در تعریف سیاست‌ها، عرضه نیازها و غیره عاری بود. نفوذ حاکمیت به موضوع آموزش همگانی در همه سطوح (از ابتدایی تا دانشگاه) چنان ریشه‌ای در دیوان‌سالاری ایران معاصر و اذهان ایرانیان دواند که حتی پس از سرنگونی رژیم پهلوی ادامه یافت.

ج) انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی

انقلاب سال ۱۳۵۷ پایان برنامه‌ها و اهداف پهلوی دوم در عرصه آموزش بود. انقلاب اسلامی با حذف برنامه‌های معطوف به سرمایه‌داری لیبرال، سیاست‌های استعماری و تفکرات غیراسلامی به خروجی‌های متفاوتی از نظام آموزش می‌اندیشید. با این حال، وجه شباهت نظام آموزشی اسلام‌خواهانه و متمایل به سنت گذشته با نظام‌های آموزشی پهلوی اول و دوم این بود که هر سه نظام آموزشی را کارخانه انسان‌سازی می‌دانستند با این تفاوت که پهلوی اول آن را کارخانه‌ای برای تمناهای سیاسی و اجتماعی دولت ملی، پهلوی دوم تربیت مجریان ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی می‌خواست. طبیعی است با چنین هدفی حکومت همچنان خواهان مدیریت کامل تمامی شئون آموزشی و هدایت متمرکز برنامه‌های آموزشی باشد.

با پیروزی انقلاب اسلامی و ضرورت اصلاح وضع پیشین بر مبنای احکام اسلامی، در گام نخست حرکت‌های جهادی به پشتوانه فرمان‌های فقهی متعدد امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - و دیگر

مراجع دربارهٔ اختصاص یک‌سوم از وجوهات شرعی برای ساختن مدارس و پویش ملی مردمی برای ریشه‌کنی بی‌سوادی به ساختن مدارس بسیاری در مناطق محروم و نیازمند منجر شد.^۱ بسیاری از خانواده‌ها نیز با انگیزه‌های دینی، میهن‌دوستانه و علمی یا نذر وقف متناسب با شهادت یا از دست دادن فرزندان خود بخشی از این مهم را بر عهده گرفتند.

نظر به اولویت آموزش عمومی ابتدایی و متوسطه در دو دههٔ اول انقلاب، عمدهٔ کمک‌های مردمی در کنار فعالیت‌های دینی و ابنیه‌های مذهبی معطوف به ساخت‌وساز مدارس در چارچوب مقررات وزارت آموزش و پرورش بود نه آموزش عالی که برای مردم حوزه‌ای کمتر شناخته‌شده و با مشکلات و مسائل متعدد، از جمله تعطیلی و اصلاح بنیادین متناسب با برنامه‌های انقلاب فرهنگی و جنگ، مواجه بود.

طبق آمارها، ۳۷ درصد از مدارس فعال فعلی را خیرین مدرسه‌ساز ساخته‌اند. این درصد در برخی از استان‌ها بیشتر است به‌گونه‌ای که ۵۰ درصد از فضای آموزشی قم را خیرین فراهم کرده‌اند و ۳۰۰۰ خیر مدرسه‌ساز در خراسان رضوی مجلدانه فعالیت دارند. حتی بنا بر گزارش رئیس مجمع خیرین مدرسه‌ساز، علاوه بر ظرفیت‌های بسیار داخلی ۱۰۰۰ خیر مدرسه‌ساز خارجی و بانک‌ها و شرکت‌های صنعتی و تجاری فراوانی با مجمع همکاری دارند.^۲

به نظر می‌رسد خیرین، برخلاف برخی از حکومت‌ها و دولت‌های تکنوکرات، در عرصهٔ آموزش به کودکان بیش از جوانان و بزرگسالان

۱. در این باره ر.ک به: نشریهٔ داخلی مجمع خیرین مدرسه‌ساز تهران با نام خیرین مدرسه‌ساز و همچنین کتاب خیرین مدرسه‌ساز، منتشرشده در سازمان نوسازی، توسعه و تجهیز مدارس کشور (۱۳۸۴).

۲. ر.ک به: جلوه‌های عشق و ایثار، یادنامهٔ خیرین مدرسه‌ساز، پاییز ۱۳۹۰.

اولویت می‌دهند. به‌طور کلی، با توجه به مشکلات عدیده ساختاری و فرهنگی، در مقایسه آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری وضعیت خیریه‌های آموزش عمومی بسیار گسترده‌تر و بهتر از خیریه‌های علم و فناوری در سطح آموزش عالی است. سیاست‌های حمایتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به‌منظور مشارکت ۵۰ درصدی وزارتخانه و دانشگاه‌ها با طرح‌های عمرانی خیرین آن‌گونه که باید هزینه‌های دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی را نکاسته است. گویا جامعه و فرهنگ عمومی ایران در این حوزه به برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی بیشتری نیاز دارد.

آموزش عالی ایران بعد از انقلاب دچار تحولات متعدد و شگرفی شد، که انقلاب فرهنگی از آن جمله است؛ انقلابی که با هدف تصفیۀ جریان‌های غیراسلامی، به‌مثابه کارکردی سلبی، و تعریف رویکردی خدامحور، انقلابی و ضداستعماری در تربیت نسل آتی، به‌مثابه کارکردی ایجابی، اصلاحات بسیاری را در هر دو زمینه آموزش عمومی و آموزش عالی به اجرا درآورد. اخراج استادان و دانشجویان توده‌ای و لائیک، تغییر محتوای دروس، تعریف دروس عمومی ویژه، تعریف سازوکارهای جدید ورود و خروج استادان و دانشجویان به مراکز آموزشی، به‌ویژه آموزش عالی، و تأسیس دانشگاه‌های اسلامی و مأموریت‌محور از برنامه‌هایی است که شورای عالی انقلاب فرهنگی در ایام پس از بازگشایی مجدد دانشگاه‌ها تا کنون همواره بدانها توجه داشته و طی دهه‌های متوالی اجرا کرده است؛ اهمیاتی که با تغییر دولت‌ها بازخوانی شده و گونه‌ای دیگر از تهران مرکزی را در مدیریت آموزش و آموزش عالی جلوه‌گر ساخته است.

در عرصه آموزش، برای خیرین، برخلاف برخی از حکومت‌ها و دولت‌های تکنوکرات، همچنان کودکان از اولویتی اساسی نسبت به جوانان و بزرگسالان برخوردارند. بطورکلی با توجه به مشکلات عدیده ساختاری و فرهنگی، در مقایسه میان آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وضعیت خیریه‌های آموزش عمومی بسیار گسترده‌تر و مناسب‌تر از خیریه‌های علم و فناوری در سطح آموزش عالی است. در این فضا، سیاست‌های حمایتی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مبنی بر همکاری و مشارکت ۵۰ درصدی این وزارتخانه و دانشگاه‌ها با پروژه‌های عمرانی خیرین نیز نتوانسته آنگونه که باید راه را بر کم کردن هزینه‌های دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی بگشاید. گویا جامعه و فرهنگ عمومی ایران در این حوزه به برنامه‌ریزی و فرهنگ‌سازی بیشتری نیاز دارد.

با سپری شدن جنگ تحمیلی و ضرورت بازسازی کشور در شؤون عمرانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و آموزشی، متولیان امور به‌رغم تمایلات تمرکزگرایانه حکومت بار دیگر موضوع میزان مشارکت‌های مردمی را در امور آموزشی مطرح کردند. بدین منظور، برخی از افراد خیر به صورت فردی (نه سازمانی) اقداماتی را متأثر از فضای فرهنگی موجود آغاز کردند؛ اقداماتی که ارتقای به سطح سازمانی را طلب می‌کرد. با این حال، از آنجا که در دهه‌های اخیر تمایلات تمرکزگرایانه عرصه را بر سایر وجوه رقیب تنگ کرده بود حاکمیت تمایل سازمانی را به جای خیرین تعریف کرد.

نمونه تمرکزگرایی ساختاری در عرصه خیریه‌های علم و فناوری تأسیس دانشگاه امام صادق^(ع) است که برخی از بازاری‌ها و شخصیت‌های دینی به نحوی سازمان‌دهی شده از آن حمایت کردند. این رویه تا پایان دولت اصلاحات ادامه داشت تا اینکه از سال ۱۳۸۳ وزیر وقت علوم، تحقیقات و فناوری و رئیس جمهوری وقت تصمیم گرفتند بنیادهای خیریه دانشگاهی در استقلالی نسبی از وزارتخانه به جذب کمک‌های مردمی اهتمام ورزند و طبق اساسنامه مستقل خود عمل کنند. بدین ترتیب، برای اولین بار بنیادهای دانشگاهی در چارچوب قوانین مصوب و البته با استقلالی نسبی به‌مثابه بازوی حمایت‌کننده دانشگاه‌ها آغاز به کار کردند هرچند در دو سال پایانی دولت اصلاحات فقط چند دانشگاه، نظیر دانشگاه فردوسی مشهد، تهران و صنعتی شریف از چنین فرصت و ظرفیتی استفاده کردند.

توجه کنیم که به‌دلیل موانع فرهنگی و بعضاً اجتماعی و سیاسی، از جمله عقیده قاطبه ایرانیان به وجود درآمدهای هنگفت نفتی و به تبع آن وظیفه دولت‌ها به تأمین هزینه‌های عمومی از یک سو و تمایل دولت‌های اقتدارگرا به مدیریت و کنترل همه جانبه از سوی دیگر، حتی همین چند دانشگاه معدود در دو دولت بعد بسیار کم‌رنگ فعالیت داشتند. خوشبختانه، در دو دولت اخیر مشارکت مردم در اداره امور تقویت و ستاد خیرین در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری بار دیگر فعال شد. علاوه‌بر فرهنگ‌سازی گسترده، بنیادهای خیریه دانشگاهی در سراسر کشور سازمان‌دهی شده‌اند و با حمایت از آنها سطح مشارکت‌های مردمی در عرصه علم و فناوری ارتقا یافته است.

فصل ۳

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و برنامه‌های ستاد خیرین

پس از انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، متفاوت از قبل و با رویکردی اسلامی مبتنی بر ایدئولوژی استکبارستیز و ضدغرب نظام علم و فناوری کشور سامان‌دهی شد؛ سامان‌دهی‌ای که ابتدا متأثر از بدبینی به تلاش‌های پیشین و به نیت مدیریت همه‌جانبه و متمرکز بسیاری از مراکز آموزش عالی را حذف و ادغام کرد. چنین سیاستی در طول دهه‌های شصت و هفتاد جنبهٔ مدنی و مردمی دانشگاه‌داری و نسبت متقابل دانشگاه و جامعه را رو به فراموشی برد و منجر شد رسماً در نگاهی دوطرفه هم دانشگاه‌ها قوی‌تر از گذشته طلب‌کار دولت و حاکمیت شوند و هم دولت و حاکمیت خود را صاحب اصلی نظام آموزش عالی و علم و فناوری کشور به حساب آورد.

با تجمیع مأموریت‌های علمی، تحقیقاتی و فناورانه در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری (۱۳۷۹)، که تا پیش از این وزارت علوم و آموزش عالی (۱۳۴۶) و پس از آن وزارت فرهنگ و آموزش عالی (۱۳۵۷) خوانده می‌شد، سیاست یادشده تا حدودی تعدیل و بار دیگر به مقوله‌هایی چون استقلال دانشگاه، مأموریت‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه و رابطه دانشگاه و جامعه توجه شد. بر همین اساس، تشکیل ستادی برای سامان‌دهی ارتباط خیرین و حامیان با دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در دستور کار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری گرفت تا ارتباط دانشگاه و جامعه که مدیران و صاحب‌نظران دولت اصلاحات بدان توجه کرده بودند به نحو وثیق‌تری برقرار شود.

بدین ترتیب، ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال ۱۳۸۳ با هدف «بهره‌گیری از مشارکت‌های مردمی در رفع نیازهای مراکز آموزش عالی، سامان‌دهی خیران آموزش عالی و علم و فناوری، تسهیل ثبت بنیادهای خیرین آموزش عالی در دانشگاه‌ها و مؤسسات پژوهشی و پارک‌های علم و فناوری در هماهنگی با وزارت کشور، برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت خیرین برای کارآفرینی، فرهنگ‌سازی و هدایت بخشی از ذهنیت خیران به سمت خیریه‌های علم و فناوری و غیره» راه‌اندازی شد. ستاد مذکور در سال‌های اخیر به صورت شبکه‌ای با راه‌اندازی بنیادهای علم و فناوری در دانشگاه‌ها و معرفی خیران دانشگاه‌ها در قالب‌هایی چون نشست‌ها و سمینارها، ضیافت‌های دوره‌ای و سفرهای استانی توجهات فرهنگی و اجتماعی بیشتری را به خیریه‌های علم و فناوری معطوف کرده است. قدرت سازمانی ستاد در همکاری با دیگر وزارتخانه‌ها زمینه فعالیت گسترده‌تر

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۳۳

آن را فراهم ساخته اما هنوز تمام ظرفیت‌های معطوف به توسعه برنامه‌های آن را عملیاتی نکرده است؛ برنامه‌هایی که از طریق به‌کارگیری ظرفیت‌های موجود در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری شامل، دروس عمومی، سمینارها، بخش‌نامه‌های وزارتی و ظرفیت‌های برون‌وزارتی، شامل صدا و سیما، وزارت کشور، وزارت خانه‌های حامی، از قبیل وزارت نفت، نیرو، صنعت و معدن و، از همه مهم‌تر، مجلس قانون‌گذار، در قامت فرهنگی عمومی طرح شده و آینده آموزش و علم و فناوری کشور را شکل می‌دهد.

شایان ذکر است فعالیت ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری طبق مأموریت تعیین شده تماماً تسهیل‌گر و سیاست‌گذار است. بنابراین، نباید آن را دفتری دولتی برای نظارت بر بنیادهای حامی علم و فناوری قلمداد کرد که سرشتی مدنی و غیردولتی دارند.

برخی از اهداف ستاد خیرین وزارت علوم عبارت است از: هماهنگ‌سازی بخش‌های ستادی وزارتخانه؛ برنامه‌ریزی و زمینه‌سازی برای رفع مشکلات حامیان آموزش عالی؛ تشویق و ترغیب نیکوکاران به تقویت و گسترش زیرساخت‌های آموزش؛ سیاست‌گذاری در امور مربوط به خیرین و واقفین در وزارتخانه؛ ایجاد حلقه ارتباطی با بنیاد خیرین آموزش عالی و بنیادهای خیرین دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و پارک‌های علم و فناوری.

فعالیت ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، طبق
مأموریت تعیین شده تماماً تسهیل‌گرانه و سیاست‌گذارانه
است و لذا نباید این ستاد را دفتری دولتی برای کنترل
بنیادهای حامی علم و فناوری که سرشتی مدنی و غیردولتی
دارند قلمداد کرد.

برنامه راهبردی ستاد خیرین

برنامه راهبردی ستاد خیرین برای توسعه فعالیت‌ها در سال‌های
پیش رو چنین تدوین شده است:

الف) وظایف

وظایف ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به شرح
زیر تقسیم‌بندی شده است:

- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای گسترش فرهنگ اسلامی
وقف و امور خیریه در نظام آموزش عالی کشور با هدف رشد کمی و
کیفی آموزش عالی
- زمینه‌سازی برای تسهیل سرمایه‌گذاری بهینه خیرین آموزش
عالی
- شناسایی و معرفی خیرین و واقفین آموزش عالی کشور و
حمایت همه‌جانبه و قدردانی از آنان
- نظارت بر حسن اجرای تعهدات دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و
مراکز آموزش عالی به‌منظور تحقق دیدگاه‌ها و اهداف خیرین و
واقفین آموزش عالی

ب) برنامه‌ها

• ایجاد زمینه‌های قانونی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی تقویت حمایت‌های خیرین و واقفین از آموزش عالی و استمرار بخشیدن به آن

• ترغیب و تشویق خیرین و سازمان‌دهی آنان به منظور ایجاد بنیادهای خیرین در دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری

• جلب توجه بیش از پیش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی به امور خیریه

ج) راهبردها

راهبرد اول

- کمک به ایجاد بنیادهای نیکوکاری جدید و گسترش بنیادهای موجود در دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری
- شناسایی فعالیت‌های بنیادها و اطلاع‌رسانی فعالیت آنها به سایر بنیادهای مشابه و سازمان‌ها برای تنوع‌بخشی به فعالیت‌هایشان
- تهیه دستورالعمل راه‌اندازی بنیادهای خیرین و قرار دادن آن در وبسایت مربوطه
- تهیه اساسنامه تپ با بهره‌گیری از تجارب بنیادهای موجود برای استفاده مراکز آموزش عالی بدون بنیاد
- شناسایی دانشگاه‌ها، مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی و پارک‌های علم و فناوری‌ای که هنوز بنیاد خیریه تأسیس نکرده‌اند ولی امکان تأسیس آن را دارند.
- پایش مستمر فعالیت‌های بنیادهای نیکوکاری دانشگاه‌ها و به‌روز نگه‌داشتن بانک اطلاعاتی مربوط به آنها

- حضور فعال در نشست‌های بنیادها
- بررسی امکان تأسیس بنیادهای نیکوکاری و فناوری منطقه‌ای یا استانی
- فعال کردن شورای خیرین مناطق
- شرکت فعال دبیر و اعضای ستاد خیرین وزارت در شورای خیرین مناطق

راهبرد دوم

- رفع مشکلات و موانع قانونی، نظیر معافیت‌های مالیاتی، پی‌گیری برای افزایش تسهیلات و اعتبارات ۵۰ درصدی برای جذب حمایت‌های خیرین
- بررسی و شناسایی قوانین مرتبط به پرداخت تسهیلات و اعتبارات مرتبط با حمایت از جذب حمایت‌های خیرین، شامل برنامه ششم توسعه، قوانین دائمی و سالانه
- پیشنهاد موارد جدید برای اصلاح یا تکمیل قوانین و مقررات موجود در برنامه‌های ششم توسعه، قوانین دائمی و سالانه برای ارجاع به مراجع قانونی با هماهنگی معاونت حقوقی و پارلمانی وزارت علوم و سایر مراجع، نظیر کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی و کمیسیون‌های دولت
- بررسی تجارب جهانی، نظیر معافیت‌های مالیاتی، ممکن برای خیرین و بنیادهای خیرین و نیکوکاری
- بررسی موارد مربوط به معافیت مالیاتی و پی‌گیری برای پیشنهادهای جدید
- طرح پیشنهادهای جدید در خصوص معافیت‌های ممکن و مؤثر به مراجع ذیصلاح قانونی

راهبرد سوم

- ارتباط با بنیادها و نهادهای بین‌المللی برای تسهیل کمک‌ها؛ تماس با تشکل‌های ایرانیان مقیم خارج
- استفاده از ظرفیت‌های موجود در آموزش عالی، نظیر پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، برای بررسی نحوه عملکرد بنیادهای خیریه در جهان
- بررسی نحوه عضویت بنیادهای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری در بنیادهای خیرین بین‌المللی برای فراهم کردن شرایط بهره‌مندی از کمک‌های ایرانیان نیکوکار مقیم خارج
- بررسی نحوه بهره‌مندی بنیادهای نیکوکاری دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی از ظرفیت‌های مؤسسات نیکوکاری بین‌المللی
- بررسی امکان ارتباط بنیادها با تشکل‌های ایرانیان مقیم

خارج

راهبرد چهارم

- کمک به ایجاد ارتباط بین جامعه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها با بنیادهای خیرین دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و پارک‌های علم و فناوری
- شناسایی تشکل‌های ایرانیان مقیم خارج از کشور با هدف شناسایی افراد نیکوکار علاقه‌مند به توسعه علم و فناوری در کشور
- شناسایی جوامع فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های کشور در آسیا، اروپا و آمریکا
- ارتباط مستمر با نمایندگان علمی وزارت علوم و ریزن‌های فرهنگی سفارتخانه‌های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور برای شناسایی افراد مؤثر ایرانی خارج از کشور

راهبرد پنجم

• گسترش فعالیت‌های بنیادها علاوه بر ساخت‌وساز به سایر فعالیت‌ها، نظیر اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان بی‌بضاعت، کارآفرینی، تجهیز آزمایشگاه‌ها، کمک به ایجاد شرکت‌های دانش‌بنیان، نگهداری اماکن آموزشی، پژوهشی و خوابگاه‌ها، و حمایت از پایان‌نامه‌های دانشجویی

- بررسی نحوه فعالیت‌های بنیادهای نیکوکاری دانشگاهی جهان
- بررسی بنیادهای علم و فناوری در ایران که مأموریت‌هایی علاوه بر ساخت‌وساز دارند و ارزیابی اثربخشی آنها
- تنوع‌بخشی به فعالیت‌های بنیادهای علم و فناوری علاوه بر ساخت‌وساز و مشارکت دادن آنها در طرح‌های عمرانی
- بررسی بنیادهای نیکوکاری مرتبط با دانشگاه‌ها و یافتن نقاط اشتراک و تفاوت‌های آنها

راهبرد ششم

فراهم آوردن محیطی امن برای سرمایه‌گذاران در طرح‌های مشارکتی از طریق قوانین و مقررات پویا و هماهنگی با معاونت امور حقوقی و مجلس برای طی روند قانونی

• بررسی فعالیت‌های سرمایه‌گذاری در امور فناوری و کارآفرینی به گونه‌ای که خیرین و بنیادهای نیکوکاری هم متففع شوند.

(د) اقدامات پشتیبانی

الف) تشکیل کارگروه‌های تخصصی، از جمله کارگروه جوانان حامیان فناوری، در ستاد خیرین با هدف توسعه فعالیت‌ها

ب) تدوین دستورالعمل نحوه تشکیل کارگروه‌های تخصصی

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۳۹۰

ج) فعال‌سازی وب‌سایتی ویا و به‌روز ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

د) طراحی وب‌سایت منعطف خیرین آموزش عالی با استفاده از صاحب‌نظران بنیادهای موجود خیرین

ه) تهیه مطالب وب‌سایت، شامل دستورالعمل‌های تشکیل بنیادهای دانشگاهی، چگونگی اتصال با جوامع فارغ‌التحصیلان داخل و خارج و همچنین بانک‌های اطلاعاتی بنیادها بر اساس اساسنامه یادشده، ستاد تا کنون فعالیت‌های بسیاری را از طریق بنیادهای دانشگاهی تحت مدیریت خود که اساسنامه را اجرا کرده‌اند انجام داده است که برخی از آنها عبارت‌اند از:

- حمایت از نخبگان و پژوهشگران دانشگاهی
- اعطای بورسیه تحصیلی به دانشجویان نخبه و ممتاز
- حمایت از دانشجویان بی‌بضاعت از طریق وام‌های شرافتی
- ساخت فضاهای آموزشی، پژوهشی و خوابگاهی
- تسهیل ازدواج‌های دانشجویی از طریق کمک‌های مادی و معنوی
- تجهیز آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌های دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری

- اشتغال‌زایی برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی
- حمایت از طرح‌ها و رساله‌های دانشجویان به‌منظور رفع نیازهای کشور و سوق به سمت کارآفرینی
- شکل‌دهی به شرکت‌های دانش‌بنیان و تقویت شرکت‌های دانش‌بنیان موجود

- کمک به تأسیس مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری و نیز گسترش مراکز و پارک‌های موجود

هـ) اعضای حقوقی و حقیقی ستاد خیرین

ترکیب اعضای حقوقی و حقیقی ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به قرار ذیل است:

الف) اعضای حقوقی

۱. وزیر علوم، تحقیقات و فناوری یا فردی که وی تعیین می‌کند، در سمت رئیس ستاد
۲. مشاور وزیر و دبیر ستاد خیرین
۳. معاون، اداری، مالی و مدیریت منابع
۴. معاون پژوهش و فناوری
۵. رئیس سازمان امور دانشجویان
۶. معاون فرهنگی و اجتماعی
۷. مدیرکل روابط عمومی

ب) اعضای حقیقی

سه نفر از خیرین معرفی شده بنیاد حامیان علم و فناوری، با حکم رئیس ستاد به مدت ۲ سال

جلسات ستاد هر ۳ ماه یک بار برگزار می‌شود. در موارد ضروری، جلسات فوق‌العاده به پیشنهاد رئیس یا دبیر ستاد برگزار خواهد شد. آیین‌نامه جدید ستاد خیرین در ۵ ماده و ۱ تبصره در تاریخ ۱۳۹۷/۰۲/۱۵ به امضای وزیر علوم، تحقیقات و فناوری رسید و جایگزین آیین‌نامه شماره ۱۱۴۳۹۵/و مصوب ۱۳۹۳/۰۶/۳۰ شد.

بر اساس آیین‌نامه ابلاغی، تا کنون بیش از ۷۰ مرکز آموزش عالی کشور به تأسیس بنیاد خیریه ویژه دانشگاه خود اقدام کرده‌اند. برخی از مراکز عبارت‌اند از: دانشگاه تهران؛ دانشگاه

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۴۱

فردوسی مشهد؛ دانشگاه شهید بهشتی؛ دانشگاه تربیت مدرس؛ دانشگاه صنعتی امیرکبیر؛ دانشگاه صنعتی شریف؛ دانشگاه شیراز؛ دانشگاه اصفهان؛ دانشگاه همدان؛ دانشگاه صنعتی اصفهان؛ دانشگاه علامه طباطبائی؛ دانشگاه کاشان؛ دانشگاه بجنورد؛ دانشگاه گیلان؛ دانشگاه دامغان؛ دانشکده فنی فومن؛ دانشگاه اسفراین؛ دانشگاه نیشابور؛ دانشگاه فنی و حرفه‌ای کشور؛ پارک علم و فناوری آذربایجان غربی؛ دانشگاه حضرت معصومه قم؛ دانشگاه تربت حیدریه؛ دانشگاه جهرم؛ دانشگاه ایلام؛ دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری؛ دانشگاه صنعتی اراک؛ پارک علم و فناوری سمنان؛ پارک علم و فناوری البرز؛ دانشگاه اراک؛ دانشگاه بزرگمهر قائنات؛ پارک علم و فناوری البرز؛ مرکز آموزش عالی شهرضا؛ دانشگاه یاسوج؛ دانشکده ریاضی و کامپیوتر خوانسار؛ دانشگاه فناوری‌های نوین سبزوار؛ پژوهشگاه هوا-فضا؛ دانشگاه گرمسار؛ دانشگاه جیرفت؛ دانشگاه یزد؛ دانشگاه جیرفت؛ دانشگاه بیرجند؛ دانشگاه پیام نور؛ دانشگاه زنجان؛ دانشگاه صنعتی سهند تبریز؛ دانشگاه شهید چمران اهواز؛ دانشگاه مراغه؛ دانشگاه اردکان؛ دانشگاه صنعتی قوچان؛ دانشگاه صنعتی نوشیروانی بابل؛ دانشگاه صنعتی همدان؛ پارک علم و فناوری استان قم؛ دانشگاه بناب، و مرکز آموزش عالی کاشمر.

ستاد بر مبنای فعالیت‌های چند سال اخیر، به‌ویژه سال ۱۳۹۷، و میزان دریافت کمک‌های مردمی و فعالیت‌های اجراشده، بر اساس برنامه‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فعالیت‌های زیر را به‌مثابه راهبرد اجرایی سال‌های آینده تعریف کرده است؛ فعالیت‌هایی که بسیاری از آنها اکنون اجرا شده است و برخی دیگر در آینده اجرا

خواهد شد، هرچند بهتر است به توسعه فعالیت‌های بین‌المللی و استفاده از ظرفیت‌های آن نیز قدرتمندتر توجه شود:

• تشکیل و فعال‌سازی کارگروه‌های تخصصی، نظیر کارگروه

جوانان و کارگروه بین‌الملل

• طراحی وب‌سایت انگلیسی و به‌روزرسانی آن

• بررسی نحوه بهره‌مندی بنیادهای نیکوکاری دانشگاه‌ها و

مؤسسات آموزش عالی از ظرفیت‌های مؤسسات نیکوکاری

موجود در سطح بین‌الملل

• بررسی امکان ارتباط بنیادها با تشکل‌های ایرانیان مقیم

خارج

• ارتباط با بنیادها و نهادهای بین‌المللی برای تسهیل کمک‌ها

و تماس با تشکل‌های ایرانیان مقیم خارج

• فعال‌سازی وب‌سایت پویا و به‌روز ستاد خیرین وزارت

علوم، تحقیقات و فناوری

• گسترش فعالیت‌های بنیادها در حوزه‌های کارآفرینی، گسترش

مراکز رشد، تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان و مراکز نوآوری و فناوری

• پیشنهاد موارد جدید برای اصلاح یا تکمیل قوانین و

مقررات موجود در برنامه‌های ششم توسعه، قوانین دائمی و

سالانه، به منظور ارجاع به مراجع قانونی با هماهنگی معاونت

حقوقی و پارلمانی وزارت علوم و سایر مراجع، نظیر

کمیسیون‌های مجلس شورای اسلامی و کمیسیون‌های دولت

• تنوع‌بخشی بیشتر به فعالیت‌های بنیادهای علم و فناوری و

مشارکت دادن آنها در سود حاصل از فعالیت

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۴۳

- بررسی قوانین و مقررات مربوط به سرمایه‌گذاری در دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری
- بررسی تجارب جهانی، نظیر معافیت‌های مالیاتی ممکن برای خیرین و بنیادهای خیریه و نیکوکاری
- پایش مستمر فعالیت‌های بنیادهای نیکوکاری موجود در دانشگاه‌ها و به‌روز نگه‌داشتن بانک اطلاعاتی مربوط به آنها
- بررسی قوانین و مقررات نحوه سرمایه‌گذاری در امور فناوری و کارآفرینی به‌گونه‌ای که خیرین و بنیادهای نیکوکاری هم منتفع شوند.
- برنامه‌ریزی و پیشنهاد برای تکمیل مقررات موجود یا طرح پیشنهادی جدید به سازمان برنامه و بودجه و مجلس برای پیش‌بینی مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاری خیرین در فعالیت‌های سودده مرتبط با امور دانشگاهی
- بررسی نحوه تعامل بنیادهای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری با بنیادهای خیریه خارج از کشور برای فراهم کردن شرایط بهره‌مندی از کمک‌های ایرانیان نیکوکار مقیم خارج
- کمک به برقراری ارتباط بین جامعه فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌های داخل و خارج و بنیادهای خیریه دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و پارک‌های علم و فناوری

(و) اقدامات اجرایی ستاد خیرین

برنامه‌ریزی برای شرکت در مراسم خیرین دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری؛ اخذ اطلاعات از دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها و پارک‌های علم و فناوری برای

چاپ کتاب‌های آرشیوی و انتشار یک جلد از مشخصات خیرین علم و فناوری شهرستان‌ها؛ تفاهم با بنیاد مسکن برای ستاد زلزله، اخذ دیدگاه‌های معاونان و نهایی کردن برای اجرا؛ برنامه‌ریزی برای تشکیل شورای مناطق خیرین؛ هماهنگی با وزارت کشور برای تسهیل ثبت بنیادهای خیرین آموزش عالی در دانشگاه‌ها، مؤسسات پژوهشی پارک‌های علم و فناوری؛ برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت خیرین به‌منظور کارآفرینی و برگزاری جلسات با مدیران حوزه معاونت پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری؛ برگزاری جلسات با خیرین شهرستان‌ها، از جمله خیرین کارآفرین در تهران، رفسنجان، نیشابور، خراسان و بنیاد نیکوکاری جمیلی؛ برگزاری جلسه شورای سیاست‌گذاری جشنواره اندیشمندان و دانشمندان جوان؛ حمایت از ایده‌پردازی و نوآوری با حمایت بنیاد نیکوکاری جمیلی در حضور مقام عالی وزارت؛ برگزاری جلسه هماهنگی بنیاد محبتان الرضا با مجری طرح هدی «ازدواج دانشجویی» و مدیرکل فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای پرداخت تسهیلات ازدواج دانشجویی؛ هماهنگی و همکاری با بنیاد علم و فناوری ایران برای گردهم‌آیی خیرین سراسر کشور و دعوت از خیرین جدید از دیگر فعالیت‌های ستاد در سال‌های اخیر است.

بازدیدهای مستمر و حضور در جلسات و مجامع حامی دانشگاه‌ها در سایر استان‌ها در پیش‌برد و جدی‌تر کردن برنامه‌ها در استان‌ها و شهرستان‌های مؤثر است.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۴۵

گردهمایی حامیان علم و فناوری گیلان



مراسم افتتاح ساختمانی در دانشگاه اصفهان توسط خیر محترم، علی یار دهقانی

بنیادهای دانشگاهی همکار با ستاد خیرین

با توجه به توضیحات، ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری متناسب با مأموریت‌های تعریف‌شده تا کنون بنیادهای خیریه فراوانی در دانشگاه‌های کشور راه‌اندازی کرده است و از آنها حمایت می‌کند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از: بنیاد دانشگاهی فردوسی؛ بنیاد حامیان دانشگاه تهران؛ بنیاد شریف؛ بنیاد دانشگاه علامه طباطبایی، و بنیاد حامی دانشگاه کاشان. علاوه بر اینها، ستاد با بنیادهای نیکوکاری غیردانشگاهی همکاری دارد، از جمله: بنیاد علمی و فرهنگی مصلی‌نژاد؛ بنیاد سعیدی؛ بنیاد جمیلی، و گروه صنعتی گلرنگ، که به توسعه علم و فناوری در دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی اهتمام ویژه دارند.

در ادامه، به معرفی برخی از بنیادها و فعالیت‌های اجرایی آنها و اساسنامه‌شان می‌پردازیم:

بنیاد حامیان علم و فناوری ایران



در تیرماه ۱۳۹۵ آقایان دکتر رضا فرجی دانا، دکتر عباس مصلی‌نژاد، دکتر محمدحسین امید، دکتر عبدالرضا باقری و مهندس علی سعیدی بنیاد غیرانتفاعی حامیان علم و فناوری ایران را با هدف

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۴۷

هدایت کمک‌های خیرین به اهداف علم و فناوری و حمایت از توسعه علم و فناوری در ایران تأسیس کردند.

ایده تأسیس بنیاد، به‌مثابه بازوی اجرایی ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، در اولین گردهمایی خیرین آموزش عالی کشور (پنجشنبه، ۲۱ خرداد ۱۳۹۴) در مشهد طرح شد. پس از آن، هیئت مؤسس یادشده در نشست مورخ سه‌شنبه، ۵ آبان ۱۳۹۴ بنای «بنیاد حامیان علم و فناوری ایران» را نهادند. در جلسه مذکور، هیئت مؤسس اعضای هیئت‌امنا و هیئت‌مدیره بنیاد را به‌گونه‌ای تعیین کردند تا هم‌فکری و درک یکسان از موضوع فعالیت بنیاد، از ایده اولیه تا برنامه‌ریزی و اجرا، در ارکان بنیاد برقرار باشد. بدین منظور، همه اعضای هیئت مؤسس در ترکیب ۱۱ نفر حقیقی و حقوقی (وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، و معاون اداری، مالی و منابع انسانی) هیئت‌امنا حضور دارند و ۴ نفر از ۹ نفر هیئت‌مدیره (۵ عضو اصلی، ۲ عضو علی‌البدل، ۲ بازرس اصلی و علی‌البدل) همان اعضای هیئت مؤسس‌اند.

هیئت مدیره بنیاد بلافاصله پس از تشکیل برای ثبت حقوقی و استقرار فیزیکی بنیاد تلاش کرد. اولین جلسه هیئت‌مدیره ۲۰ دی‌ماه ۱۳۹۴ در دفتر معاون اداری و مالی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تشکیل و مقرر شد هم‌زمان با اجرای امور ثبتی سه موضوع اجاره، ساخت و خرید محل استقرار بنیاد پی‌گیری شود. با تداوم فعالیت‌های هیئت‌مدیره نام «بنیاد حامیان علم و فناوری ایران» در تاریخ ۲۹ تیر ۱۳۹۵ در اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری ثبت شد. بنیاد فرهنگی مصلی‌نژاد نیز دفتر مرکزی بنیاد را در تاریخ ۲۹ دی ۱۳۹۵ خرید، که پس از تعمیر و بازسازی در

تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۳۹۶ رسماً افتتاح شد و در اختیار بنیاد حامیان علم و فناوری ایران قرار گرفت.

اهداف بنیاد در ماده هشت اساسنامه (در ۱۶ بند) درج شده است. اساسنامه بنیاد، به مثابه اصلی ترین و مهم ترین سند فعالیت بنیاد، در ۴ فصل، ۳۵ ماده و ۳۰ تبصره تنظیم شده و نقشی اساسی و تعیین کننده در تنظیم روابط درونی و فعالیت ارکان و تشکیلات بنیاد دارد. اهداف بنیاد در پنج بخش دسته بندی شده است: ۱. بخش نظارتی، ۲. بخش جذب کمک های مردمی، ۳. بخش ترویج فرهنگ یاریگری، ۴. بخش ارتباط با خیرین، صنعت و دانشگاه، ۵. بخش سیاست گذاری و صرف منابع.

هیئت مدیره و هیئت امنای بنیاد با شناخت عمیق از حوزه علم و فناوری کشور، منطقه و جهان ساختاری پویا و کم هزینه ایجاد کرده است تا دسترسی به اهداف اساسنامه را تسهیل کند. از جمله محورهای مهم فعالیت بنیاد حامیان علم و فناوری ایران عبارت اند از:

- برنامه ریزی دقیق و هدفمند برای تأمین نیت خیرین
- تبیین دقیق ابعاد اهداف و اولویت بندی آنها
- تدوین راهکارهای تحقق اهداف
- گفتمان سازی برای هدایت سرمایه گذاری ها به سمت علم و فناوری
- شبکه سازی و ارتباط با لایه های اجتماع
- مشارکت دهی خیرین در نقاط کانونی فعالیت اثرگذار در

حوزه علم و فناوری

- تشکیل شبکه بنیادها و توزیع فعالیت ها برای گسترش علم و فناوری
- زمینه سازی برای حل مشکلات کشور و ارتقای امکانات از

طریق علم و فناوری

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۴۹۱

حمایت از دانشجویان مستعد و بی‌بضاعت، حمایت از فعالیت‌های فرهنگی و دینی در دانشگاه‌ها، پی‌گیری تخصیص ۵۰ درصدی مشارکت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در طرح‌های خیرین، کمک به تأسیس دانشگاه‌های جدید، گسترش فرهنگ وقف و کمک‌های خیریه در حوزه علم و فناوری و مشاوره تخصصی به منظور توسعه این قبیل فعالیت‌ها، پشتیبانی و ترویج سنت ازدواج دانشجویی، حمایت از طرح‌های نوآورانه دانشگاه‌ها و اعطای جوایز ملی و بین‌المللی و حمایت از آنها، تلاش برای برقراری ارتباط دانشگاه و صنعت، حمایت از کارآفرینی دانشگاهی و هرگونه فعالیتی که به تصویب هیئت امنای بنیاد برسد از دیگر فعالیت‌های تعریف‌شده در اساسنامه بنیاد است.

بنیاد دانشگاهی فردوسی



بنیاد دانشگاهی فردوسی مؤسسه‌ای عام‌المنفعه و مستقل از تشکیلات رسمی دانشگاه فردوسی مشهد است که در سال ۱۳۸۳ با شعار حمایت از دانشجویان دانشگاه فردوسی، تحقق اهداف

خیرخواهانه و جلب مشارکت و کمک‌های مردمی تأسیس شد. این بنیاد به شماره ثبت ۱۴۶۴ (ثبت شرکت‌ها) و تصویب دهمین جلسه مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۴ هیئت امنای دانشگاه‌های شمال شرق کشور، مطابق نامه ۱۵۴۹۹/۱۱ مورخ ۱۳۸۳/۱۱/۷ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به رسمیت رسید و کار خود را از همان سال به صورت رسمی آغاز کرد.

بنیاد دانشگاهی فردوسی در اوایل دهه هفتاد به پشتوانه حرکت‌های اولیه نامسجم و ناپیوسته پیشین در قالب کمیته‌ای با نام «کمیته وقف» کار خود را پیش برد. در انتهای همان دهه، کمیته با تغییر نام خود به «همیاران عمران دانشگاه» به فعالیت‌های خود تا اوایل دهه هشتاد ادامه داد. در سال ۱۳۸۳، رئیس وقت دانشگاه (دکتر عبدالرضا باقری) و هیئت‌رئیس تأسیس بنیادی ضابطه‌مند را در دستور کار خود قرار دادند و پس از کارشناسی‌ها و مذاکرات فراوان با خیران دانشگاهی و غیردانشگاهی، به‌ویژه جناب آقای علی باقرزاده (بقاء)، «بنیاد دانشگاهی فردوسی» را رسماً در ۲۳ آذرماه همان سال راه‌اندازی کردند.

همکاران اولیه بنیاد عبارت بودند از: علی باقرزاده، مهندس سیدجواد شهرستانی، زنده‌یاد علی امیری‌پور، مهندس حمید مستشاری، دکتر محمدهادی هادیزاده، حاج محمود معاون، حاج جواد رحیمیان، مهندس محمد گرجستانی، مهندس اکبر باقرزاده، مهندس حسن اسماعیل‌زاده، مهندس فرامرز یغمایی، مهندس حسن فقیه شیرازی، دکتر حسن حاجی کاظمی، مهندس محمدرضا قانع و دکتر علی حائریان.



زننده‌یاد استاد علی باقرزاده

هیئت امنای بنیاد عبارت‌اند از: دکتر عبدالرضا باقری، دکتر مصطفی معین، دکتر محمد کافی، مهندس محمد فقیه‌زاده، دکتر رضا پیشقدم، دکتر علیرضا کوچکی، مهندس مهدی اختراعی، مهندس محمد گرجستانی، دکتر حسین اشتیاق حسینی، دکتر صدیقه گوینده، دکتر حمیدرضا ابراهیمی ویشکی، مهندس حمید مستشاری، مهندس علی‌اکبر باقرزاده چهارجوئی، مهندس علی مشارزاده مهرابی، ربابه باقرزاده، مهندس حسین مشارزاده مهرابی، خانم عذرا برزگر، مهندس علی ناظران، خانم زهره پولادین، مهندس اصغر ناظران، دکتر علی حکیمیان، آقای علیرضا ناظری، مهندس علیرضا ازغدی، دکتر فاطمه هادوی، مهندس حمید شهرستانی، مهندس مسعود یزدی، دکتر محمدابراهیم رحمانی، مهندس فرامرز یغمایی، دکتر شهین رضایی رکنی، دکتر عباس یوسفی، مهندس اسدالله عباسپور.

اعضای اصلی و علی‌البدل کنونی هیئت‌مدیره بنیاد نیز عبارت‌اند از: دکتر عبدالرضا باقری، دکتر علی حکیمیان، مهندس محمد فقیه‌زاده، دکتر علیرضا کوچکی، مهندس حسین مشارزاده مهرابی، اصغر ناظران، علیرضا ناظری، دکتر فاطمه هادوی و مهندس فرامرز یغمایی.



جلسه هیئت‌مدیره بنیاد دانشگاهی فردوسی

فلسفه وجودی بنیاد دانشگاهی فردوسی کمک به دانشگاه فردوسی در زمینه‌هایی است که مقررات دانشگاه امکان آنها را مشکل یا منتفی کرده است. این موارد در کمیته‌های تخصصی بنیاد، شامل کمیته روابط عمومی، کمیته مشارکت‌های مردمی، کمیته فرهنگی-اجتماعی، کمیته خوابگاه‌ها، کمیته بورس‌های تحصیلی، کمیته علمی-پژوهشی، کمیته عمران، کمیته صنعت و کمیته نمایندگان بنیاد در دانشکده‌ها بررسی و سپس برای تصویب به هیئت‌مدیره بنیاد ارسال می‌شود.

برخی از اهداف بنیاد عبارت‌اند از:

- گسترش و تقویت ارتباط دانشگاه با دولت و جامعه
- همکاری با دانشگاه در تدوین سیاست‌های آموزشی و تحقیقاتی به منظور تطابق با پیشرفت‌های جدید علمی و پژوهشی
- همکاری با دانشگاه به منظور ارتقای کمی و کیفی آن به مثابه دانشگاهی برتر در سطح ملی و منطقه‌ای
- تحقق اهداف خیرخواهانه از طریق جذب کمک‌های نقدی در داخل و خارج کشور
- فرهنگ‌سازی جذب کمک‌های مردمی و اشاعه این فرهنگ در سطح جامعه

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۵۳

- حمایت از دانشجویان مستعد بی‌بضاعت یا کم‌بضاعت با جلب حمایت افراد خیر یا مؤسسات برای در اختیار قرار دادن بورس‌های تحصیلی کوتاه‌مدت و گذراندن دوره‌های کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری
- فراهم کردن زمینه اشتغال دانشجویان با توجه به مهارت‌های آنان و استفاده از امکانات دولتی، کمک‌های سایر ارگان‌ها و اشخاص حقیقی و حقوقی
- ایجاد مراکز رفاهی و آموزشی، عرضه خدمات دانشگاهی موردنیاز دانشجویان و همکاری با دانشگاه فردوسی مشهد برای توسعه امکانات
- تقویت تشکل‌های دانش‌آموختگان دانشگاه فردوسی مشهد

اینک بنیاد دانشگاهی فردوسی به پشتوانه تجارب پیشین و رفع برخی از نیازهای اولیه، به‌ویژه احداث خوابگاه‌ها، آزمایشگاه‌ها و کتابخانه‌ها با هزینه‌کرد بیش از ۳۰۰ میلیارد تومان، در اصلاح نظام آموزشی و کارآفرینی نیز وارد شده و تلاش دارد متناسب با آینده شغلی فارغ‌التحصیلان رشته‌ها و محتوای درسی آنها را طبق مقررات دانشگاه فردوسی و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اصلاح کند؛ رویکردی تازه که مطلع تحولات ضروری و اجتناب‌ناپذیر در فضای دانشگاهی کشور متناسب با تقاضاها و نیازهای محلی و ملی است، همان‌گونه که بسیاری از دانشگاه‌های جهان‌اند.

بنیاد دانشگاهی فردوسی علاوه بر اعطای وام و کمک‌هزینه تحصیلی به دانشجویان مستعد بی‌بضاعت دانشگاه هزینه‌های درمان آنان، از جمله هزینه‌های دندان‌پزشکی^۱، چشم‌پزشکی و

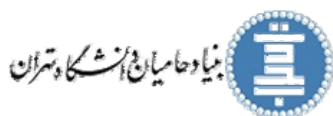
۱. سرکار خانم عذرا برزگر در همکاری با بنیاد دانشگاهی فردوسی بخش درخور توجهی از هزینه‌های دندان‌پزشکی دانشجویان بی‌بضاعت را تقبل کرده است.

گوش پزشکی، را چه از طریق کمک‌های مستقیم مالی و چه از طریق معرفی به پزشکان خیر همکار با بنیاد متقبل شده است. دانشجویان نیز با پر کردن فرم‌هایی دال بر تعهد اخلاقی به جبران کمک‌ها در آینده (در صورت ارتقای شغلی) تداوم فعالیت‌های بنیاد را تضمین می‌کنند؛ الگویی که بسیاری از خیریه‌های علم و فناوری در دنیا دارند و شایسته است همه خیریه‌های علم و فناوری در ایران به‌مثابه رویکردی حرفه‌ای بدان توجه کنند.

علاوه بر موارد یادشده، بنیاد هزینه‌های اجاره خوابگاه و مسکن بسیاری از دانشجویان شبانه و متأهل نیازمند را بر عهده دارد. اهدای جایزه به دانشجویان رتبه اول در سه سال اول دوره‌های کاردانی و کارشناسی و همچنین استادان برتر، اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان ممتاز، حمایت از پایان‌نامه‌ها و پژوهش‌ها در حوزه شاهنامه و نیکوکاری، شارژ کارت‌های تغذیه بسیاری از دانشجویان نیازمند، بنای خوابگاه‌های متأهلی و مجردی دخترانه و پسرانه، همچون مجتمع خوابگاهی اندیشه، خوابگاه مریم، ساختمان بقاء، پردیس ۵ و ۷، خوابگاه دکتر محمد فرهادی و خوابگاه دخترانه دکتر مصلی‌نژاد (مجموعاً ۷ خوابگاه با ظرفیت ۲۲۰۰ تخت)، راه‌اندازی مجتمع‌هایی از قبیل مجتمع رفاهی - فرهنگی دانشجویی موقوفه حاج احمد ناظریان، و دریافت کمک‌ها و موقوفات بسیار خیرین مردمی از دیگر کارهای بنیاد قدرتمند مردمی فردوسی است.

بنیاد دانشگاهی فردوسی علاوه بر اعطای وام و کمک هزینه تحصیلی دانشجویان مستعد اما بی بضاعت دانشگاه، هزینه‌های درمان آن‌ها از جمله هزینه‌های دندان پزشکی و چشم پزشکی و گوش پزشکی آن‌ها را نیز چه از طریق کمک‌های مستقیم مالی و چه از طریق معرفی به پزشکان خیر همکار با بنیاد متقبل شده است. این قبیل دانشجویان نیز از طریق پر کردن فرم‌هایی دال بر تعهد اخلاقی جبران این کمک‌ها در آینده- در صورت ارتقاء شغلی- تداوم فعالیت‌های بنیاد را تضمین می‌کنند.

بنیاد حامیان دانشگاه تهران



بنیاد حامیان دانشگاه تهران در تاریخ ۱۳۹۳/۲/۳۰ با هدف شناسایی خیرین، سامان‌دهی به کمک‌های مردمی برای تجهیز و توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و علمی دانشگاه تهران، حمایت از دانشجویان نیازمند و طرح‌های تحقیقاتی، و پشتیبانی از اهداف و مأموریت‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی دانشگاه، به‌مثابه نماد آموزش عالی، با همت جمعی از خیرین نیک‌اندیش و دانش‌آموختگان نیک‌خواه دانشگاه تهران در دفتر رئیس دانشگاه راه‌اندازی شد. اما سابقه وقف، اهدا و کمک‌های مردمی به این دانشگاه بنا بر دلایل متعدد، از جمله قدمت دانشگاه، جامعیت و ارزش معنوی آن برای دانش‌دوستان، از دیگر دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور بیشتر است.^۱

۱. به موضع یادشده ذیل خیرین فردی و اهدائیات آنان اشاره کرده‌ایم.

اولین جلسه هیئت مؤسس بنیاد حامیان دانشگاه تهران خردادماه سال ۱۳۹۳ پس از برگزاری اولین جشنواره خیرین و واقفین دانشگاه تهران تشکیل شد. در همین سال، امور مقدماتی اجرا و بنیاد ثبت شد. با توجه به اهمیت شروع فعالیت بنیاد در ساختمانی مناسب، دانشگاه تهران در اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴ ساختمان کنونی بنیاد را واقع در خیابان وصال شیرازی، که ساختمانی تاریخی است، برای بهره‌برداری به مدت ۹۹ سال در اختیار بنیاد قرار داد. بنیاد فرهنگی مصلی‌نژاد نیز در همان سال با هزینه‌ای بالغ بر ۲ میلیارد تومان مرمت، بازسازی و تجهیز ساختمان بنیاد را بر عهده گرفت. پس از تکمیل فرآیند تعمیر و تجهیز، از آبان‌ماه ۱۳۹۵ دفتر بنیاد در ساختمان مذکور مستقر شد.^۱

اشاعه و گسترش فرهنگ اسلامی وقف در جامعه و بهره‌گیری از آن در توسعه کیفی و کمی و اعتلای دانشگاه تهران، دادن مشاوره و تسهیل سرمایه‌گذاری بهینه خیرین محترم در دانشگاه تهران، شناسایی، تقدیر و حمایت همه جانبه از خیرین، واقفین و حامیان دانشگاه تهران، نظارت بر اجرای دیدگاه‌ها و اهداف قانونی و شرعی خیرین و واقفین در طول حیات ایشان و بعد از آن، برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی برای جذب کمک‌های مردمی و دولتی به‌منظور احداث، تکمیل و تجهیز فضاهای موردنیاز دانشگاه تهران، پی‌گیری تخصیص حمایتی وزارت عتف و سایر دستگاه‌های اجرایی از طرح‌های خیرسازي که اعتبارات آن را خیر/ خیرین پرداخت کرده باشد، حمایت از دانشجویان نیازمند دانشگاه از طریق تقویت صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری دانشگاه یا سایر طرق قانونی، معرفی رویه‌های حمایت از

۱. ر.ک: سایت بنیاد حامیان دانشگاه تهران

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۵۷

دانشجویان نیازمند به خیرین و پشتیبانی از طرح‌های حمایتی خیرین در این زمینه، معرفی رویه‌های مناسب جهت حمایت خیرین از دانشجویان برتر و مستعد و طرح‌های علمی و پژوهشی، کارآفرینی برای آنان و پشتیبانی از طرح‌های حمایتی و پیشنهادی خیرین در این زمینه، حمایت از فعالیت‌های علمی، آموزشی، پژوهشی، فرهنگی، هنری، کارآفرینی و ورزشی دانشجویان و استادان دانشگاه و کمک به تجهیز آزمایشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی دانشگاه، حمایت معنوی و مادی از پژوهشگران و نخبگان، به‌ویژه دانشجویان کارآفرین و دانش‌آموختگان جوان دانشگاه تهران، برای تأسیس شرکت‌های دانش‌بنیان، اقدام به هر فعالیتی که با روح و فلسفه اهداف مذکور در این ماده و برای تأمین اهداف بنیاد هم‌خوانی (مانند تأسیس مؤسسات یا شرکت‌های تابعه یا دوایر زیرمجموعه) داشته باشد، اعطای بورس تحصیلی به دانشجویان مستعد دانشگاه تهران و دانشجویان ایرانی خارج از کشور و غیره از زمره اهدافی است که در اساسنامه بنیاد بدانها اشاره شده و تا حد زیادی بدانها عمل می‌شد.

راه‌اندازی پویش «من هم دانشگاه تهرانی‌ام» به منظور جذب کمک‌های فارغ‌التحصیلان؛ اعلام کمک‌های مردمی در خبرنامه بنیاد؛ راه‌اندازی حساب اندوخته همیاری بنیاد به منظور مشارکت بیشتر همیاران؛ برگزاری برنامه‌های ویژه برای خیران حوزه‌های صنعت و تجارت و حتی مراکز خدمات عمومی، همچون رستوران‌های بزرگ و بنگاه‌های معروف؛ تبلیغات عمده بنیاد در سایت‌های پرمخاطب، چون گلرنگ، قلم‌چی، خبرگزاری دانشجو، همشهری، نسیم‌آنلاین، باشگاه خبرنگاران جوان و خبرگزاری

دانشجویان ایران؛ تهیه لوح و نشان ویژه بنیاد حامیان دانشگاه تهران و اهدای آن به خیران حامی دانشگاه تهران؛ بازخوانی تاریخ کمک‌های مردمی به دانشگاه تهران به منظور تدوین تاریخ حامیان دانشگاه تهران و هویت‌سازی در این باره؛ معرفی طرح نیکا (کارآفرینی دانشجویی) و حمایت از افراد مشغول بدین طرح؛ ارسال فرم نذرانه بنیاد به افراد و مؤسسه‌های بیرون از دانشگاه، و ده‌ها اقدام دیگر، همگی در بنیاد انجام شده و الگویی شایسته برای بنیادهای دانشگاه‌های دیگر است.

اعضای هیئت امنای فعلی بنیاد عبارت‌اند از: دکتر محمود نیلی احمدآبادی، دکتر عباس مصلی‌نژاد (از بنیاد فرهنگی مصلی‌نژاد)، مهندس سیدعباس موسوی ره‌پما (از شرکت فومن‌شیمی)، مهندس کاظم قلم‌چی (از کانون فرهنگی - آموزشی قلم‌چی)، دکتر مهدی فضلی (از گروه صنعتی گلرنگ)، دکتر محمود کمره‌ای، دکتر محمدحسین امید، دکتر محمدرضا حافظی، دکتر سیدجواد ساداتی - نژاد، سرکار خانم آزاده جلالیانس، دکتر محمدجعفر صدیق دامغانی‌زاده و دکتر علی محقر. در این میان، مهندس محمدحسین عسگری فرد نیز حدود ۹۰ درصد از ساختمان‌های پردیس فارابی دانشگاه تهران را ساخته و تجهیز کرده است.

بنیاد همچنین با راه‌اندازی صندوق سرمایه‌گذاری نیکوکاری دانشگاه تهران کمک‌های ریز و درشت خیرین را جمع‌آوری می‌کند. موجودی فعلی صندوق ۷ میلیارد تومان است.



از حامیان فردی دانشگاه تهران عبارت‌اند از:
مرحوم محمدعلی جمال‌زاده،^۱ مرحوم استاد محمود افشار،^۲
مرحوم سیدحسین تقی‌زاده،^۳ مرحوم علی‌اصغر

۱. وقف کلیه سهام و سود خود از دو شرکت سیمان شمال، تهران و ۲۵۰۰ نسخه کتاب و دست‌نوشته و حق طبع همه آثار خود تا ۳۰ سال بعد از درگذشت
۲. وقف مجموعه بزرگ موسوم به «موقوفات افشار» و «مؤسسه دهخدا» و «مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران»
۳. اهدای ۲۷۰۰ جلد کتاب. در فهرست اهداکنندگان کتاب به دانشگاه تهران مسعود انصاری، جلیل تجلیل، مرحوم علیرضا جوینی، مرحوم فیروز حریرچی، خانابا طباطبایی نایینی، سیفال‌الدین نجم‌آبادی، آذر هوشنگ باختری، مرحوم همایون صنعتی‌زاده، امام جمعه کرمان، بنیاد حفظ و نشر ارزش‌های دفاع مقدس، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، مرحوم آیت‌الله عباسعلی عمید زنجانی، مرحوم حسینی غفاری، مرحوم فرخ غفاری، حافظ فرمانفرمایان، مرحوم ابوالحسن فروغی، مرحوم حسینعلی محفوظ، مرحوم سیدمحمد مشکوه، اصغر مهدوی، مرحوم یحیی مهدوی، مرحوم محمدعلی ناصح، مرحوم سعید نفیسی، تقی افضل‌پور، مرحوم حکیمی (نظام افخم)، اللهیار صالح، مسعود فرید، سلطان بن محمد القاسمی، محمد عبدی بروجردی، مرحوم حسن فصیحی شیرازی، مرحوم مهدی لنگرانی، احمد بیرشک، علیرضا حکمت، فریده رهنما، مهدی رسولیان یزدی، مؤسسه فرانکلین، مرحوم دکتر ابوالقاسم گجی، مرحوم آیت‌الله محمدی گیلانی، مرحوم دکتر محمود عبادیان، مرحوم دکتر غلامرضا ستوده، سیدحسین معصومی اشکوری، مرحوم رجبعلی لعل، مرحوم غلامرضا علی‌بابایی، سیدحسین مصطفوی، علامه سیدجعفر شهیدی، دکتر حسن احمدی گیوی، شیخ محمدتقی عبده، دکتر جواد نوربخش، علی معینی، امیرناصر کاتوزیان، میرزا یحیی خویی، اسفراجانی و دیگران نیز حضور دارند.

حکمت،^۱ مرحوم دکتر ابوالقاسم و محمود سپهر،^۲ مرحوم حاج محمد نمازی،^۳ مرحوم حاج هدایت‌الله شنتیانی، مرحومه بانو شریف عباد،^۴ مرحوم فتح‌الله عباد،^۵ مرحوم دکتر سیدرضا حجازی، مرحوم جهانگیر،^۶ مرحوم حاج عباس ککویی،^۷ مرحومه بانو فاطمه زاهدی، مرحومه ماه‌منیر کامکار شاهرودی (فرمانفرمایان)،^۸ مرحومه بانو فاطمه خیراللهی،^۹ مرحوم دکتر محسن مقدم،^{۱۰} مرحوم دکتر امیرحسین فردوس و خانم عادلہ فردوس (کاظمی‌فرد)،^{۱۱} حاج غلامعلی محمدی و بانو اعظم محمدی، مرحوم استاد فتح‌الله عباد، مرحوم حسن آزاد،^{۱۲} مرحوم استاد علی اسفرجانی، مرحوم رضا فرد قاسمی، مرحوم منصور عطایی،^{۱۳} مرحومه بانو ایراندخت

-
۱. اهدای بیش از ۶۰۰۰ نسخه خطی و کتاب چاپی و سنگی
 ۲. وقف بخشی از مستغلات، حجرات و دکاکین واقع در سرای رشتی بازار بزرگ تهران به منظور کمک به دانشجویان نیازمند دانشکده پزشکی، تأسیس خوابگاه و کتابخانه برای دانشجویان
 ۳. اختصاص ۳۱۴۶ مترمربع از اراضی موقوفه بیمارستان نمازی شیراز به مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران برای احداث رصدخانه شیراز
 ۴. وقف یک باب ساختمان به مساحت ۵۲۴ مترمربع و مساحت اعیانی ۹۰۰ مترمربع در خیابان فلسطین
 ۵. اهدای ۱۱۴ اثر، شامل نقاشی، مجسمه، پارچه بوم، بوم خالی رنگ‌شده و غیره
 ۶. اهدای ۸۷ عدد تندیس مینیاتور مردم‌شناختی
 ۷. شبکه لرزه‌نگاری جهرم به مساحت ۷۲۵ مترمربع
 ۸. تجهیز سالن‌های نمایشگاه باغ نگارستان و تالار معین آن مجموعه، همچنین اهدای اشیای نفیس
 ۹. وقف دو باب ساختمان مسکونی به مساحت ۱۵۴ مترمربع و مساحت اعیانی ۱۰۰ مترمربع در میدان خراسان و شمیران
 ۱۰. وقف‌هایی همچون دو باب عمارت در خیابان جمهوری با اشیای داخل آن، اعم از کاشی‌ها، ظروف سفالین، نقاشی‌ها و غیره برای موزه مقدم، سه دهانه مغازه با زیرزمین و انباری و طبقه فوقانی، شش دانگ یک مغازه و تجهیزات ۱۰ میلیارد تومانی موزه مقدم
 ۱۱. وقف یک واحد آپارتمان واقع در فاز یک اکباتان به مساحت ۱۴۵ مترمربع و یک واحد مسکونی در کیش و طلا و جواهرات و وجوه ارزی و ریالی.
 ۱۲. وقف یک باب خانه اعیانی با زیربنای ۱۹۵ متر نزدیکی سید خندان.
 ۱۳. وقف یک منزل مسکونی و یک مغازه در تهران برای کمک به دانشجویان بی‌بضاعت

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۶۱

مفخم^۱ و مرحوم محمد بیگ زاده خلجانی،^۲ سیدمحمد علی ابراهیم -
زاده موسوی، مرحومه منصوره کاظمی،^۳ هادی عالم زاده، مرحوم
احمد عدل پرور، مرحوم غلامعلی محمدی و اعظم عباسی
(محمدی)،^۴ محمدرضا انصاری، مرحومه میرزاییگم غریب زاده،^۵
حبیب میدانچی، رضا رستگار، هانیه مقدم، هدایت الله دهش، مرحوم
اسماعیل پورشرروانی و طاهره جلالی، مرحومه اقدس الملوک
مصطفوی رجالی بهرامی،^۶ محسن نواب، مرحوم محمود روح -
الامینی،^۷ مرحومه عطیه کسروی،^۸ حمیدرضا شاه حسینی، چهرزاد
بهار،^۹ فاطمه زاهدی،^{۱۰} علی ابراهیمی کردلر، علی محقر، علی اسلامی
بیدگلی، مرحوم رضا قاسمی فرد،^{۱۱} سیدعباس موسوی رهپیمان،^{۱۲} ناصر
عطایی،^{۱۳} مرحوم مهدی درخشان، حسین حیدری،^{۱۴} محمدرضا

۱. وقف دو ساختمان با متراژ ۹۲۶ متر و مساحت اعیانی ۲۰۱۲۹ مترمربع
۲. وقف یک باب ساختمان به مساحت ۵۹۹ مترمربع و مساحت اعیانی ۵۰۷ مترمربع در نیاوران
۳. وقف یک واحد آپارتمان اعیانی به مساحت ۲۴۸ مترمربع در خیابان گاندی
۴. وقف سرفقلی ۳ باب مغازه در بازار، واقع در کوچه تکیه دولت و اجاره آنها برای اعطای وام دانشجویی به دانشجویان نیازمند و ۶۳ باب مغازه دیگر در منطقه بازار
۵. وقف ۱۸۰ متر آپارتمان در یوسف آباد و کاروانسرای محمدآباد قزوین
۶. وقف ۲ باب عمارت در خیابان جمهوری
۷. اهدای ۵۰ عدد عکس فاخر و ارزشمند مردم شناسی با عنوان «تا توانی به کف آری»
۸. یک قطعه زمین و بنای دوطبقه روی آن به مساحت ۱۵۷ مترمربع و مساحت اعیانی ۱۸۰ مترمربع در خیابان مولوی
۹. اهدای ۱۳ سند و یادداشت های دستی مرحوم ملک الشعرا بهار
۱۰. اهدای دو دستگاه آمبولانس تویوتا
۱۱. اهدای یک ثلث از دارایی موصی، اعم از منقول و غیرمنقول
۱۲. بورسیه ۲۹ دانشجوی برتر دانشگاه در سال ۱۳۹۶ به ارزش ۵۸ میلیون تومان
۱۳. وقف ۶ دانگ یک ساختمان به مساحت ۴۵۶ مترمربع و ۶ باب مغازه
۱۴. بورسیه ۵۰ دانشجو در سال ۱۳۹۵ به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان. در فهرست بورسیه کنندگان بانک ملت امید جعفری، نینا جمشیدی کیله، بهروز گمبری، عباس شهرایی فراهانی، جعفر شریعتی، مهرداد عالی - پور، رضا گل نراقی، حسین خوش کیش، اعضای هیئت علمی دانشکده فیزیک، علی محقر، فریده وفاییان، فرحناز عطفی، مرحوم عبدالرحیم کفتری، خاک نگار مقدم، منوچهر کمالی، رضا رستمی، علی کلاناساز، نیما تقوایی و شادی سیلابراهیمی، هشترودی، ساسان مهرانی، شرکت کی توسعه، محمدرضا مؤتمن صالحی، نرگس ایمانپور، آزاده جلالیان، عشرت رجیلی، محمدرضا بیاد، فریه میرزائلو، حسین خوش -

انصاری،^۱ محمدرضا حافظی،^۲ بنیاد علمی آموزشی قلم چی،^۳ بنیاد نیکوکاری ایرار، لسانی، کوهلانی، هلن عسگریان، ریحانه سجادیان، بنیاد جمالزاده (آقای دهخانی)، چمنناز وفالی، کتابون خردمند، فاطمه آذریکا و دیگران نیز قرار دارند.

۱. رئیس هیئت‌مدیره شرکت کیسون. ایشان در سال ۱۳۹۵ تعداد ۱۰۰ دانشجوی کارشناسی را به ارزش ۲۰۰ میلیون تومان بورسیه کردند.
۲. رئیس مجمع خیرین مدرسه‌ساز. ایشان در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ تعداد ۱۲۵ دانشجوی کارشناسی را به ارزش ۲۵۰ میلیون تومان بورسیه کردند.
۳. تأسیس کتابخانه شماره ۲ دانشکده فنی به متراژ ۶۰۰ مترمربع، تعمیر تالار حامدی دانشکده دامپزشکی، تجهیز سیستم وایرلس دانشکده ادبیات در سال ۱۳۹۳، کمک به تجهیز خوابگاه‌ها به ارزش ۲۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۳، کمک به تبلیغات و چاپ بروشور و بنر و کتاب به ارزش ۱ میلیون تومان، کمک مالی به حساب اندوخته همیاری بنیاد حامیان دانشگاه تهران به ارزش ۲۵ میلیون تومان در سال ۱۳۹۵، چاپ شناسان و آلبوم افتخارات بنیاد به تعداد ۲۰۰ نسخه و به ارزش ۸ میلیون تومان در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷، چاپ هفت شماره از نشریه بنیاد حامیان دانشگاه تهران به تعداد ۱۱۰۰ نسخه و به ارزش ۵۰ میلیون تومان در سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷، تقبل هزینه‌های اولین تا چهارمین گردهمایی دانشجویان بورسیه به ارزش ۱۶۴ میلیون تومان، حمایت از جشن قدردانی از فرزندان ممتاز خانواده بزرگ دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۷ به ارزش ۵۶ میلیون تومان، بورسیه ۲۰۰ دانشجوی کارشناسی از سال‌های ۱۳۹۴ تا کنون به ارزش ۴ میلیارد تومان، بورسیه ۲۰ دانشجوی نابینا در سال ۱۳۹۷ به ارزش ۴۰ میلیون تومان
۴. کمک مالی به احداث ساختمان جدید دانشکده کارآفرینی به ارزش ۲۰۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۶، کمک مالی به تأمین تجهیزات خوابگاه‌ها به ارزش ۱۳۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۶، کمک مالی به به‌سازی سیستم تهویه هوای موزه پردیس علوم به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۷ و ۸۵ میلیون تومان در سال ۱۳۹۶، تأمین ۴۰ هزار پرس غذا برای دانشجویان به ارزش ۴۸ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۷، کمک مالی به بنیاد حامیان دانشگاه تهران به ارزش ۱۸۰ میلیون تومان، اعطای وام شرافتی به دانشجویان دانشگاه تهران به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۶، کمک مالی به تأسیسات موزه جانورشناسی به ارزش ۳۵۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۶، کمک مالی به بنیاد حامیان دانشگاه تهران به ارزش ۱۸۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۷، کمک مالی به بنیاد حامیان دانشگاه تهران به ارزش ۱۰۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۵، بورسیه ۳۳۰ دانشجوی کارشناسی از سال ۱۳۹۵ تا کنون به ارزش ۱ میلیارد تومان
۵. کمک مالی برای خرید ۴ دستگاه پلانو به مبلغ ۶۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۶، کمک مالی ۵ میلیون تومانی به دانشکده مطالعات جهان در سال ۱۳۹۶، مرمت و بازسازی ساختمان اصلی بنیاد به ارزش ۲ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۵، بازسازی فاز اول سرویس‌های بهداشتی دانشگاه تهران به ارزش ۱,۴۰۰,۰۰۰,۰۰۰ تومان در سال ۱۳۹۵، بازسازی و تجهیز سالن آمفی‌تئاتر شیخ انصاری به ارزش ۱۵۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۷، بازسازی ساختمان جدید مؤسسه بیوشیمی - بیوفیزیک به متراژ ۳۵۰۰ متر و به ارزش ۳۵۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۶،

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۶۳

حمیدرضا شاه‌حسینی^۱، بنیاد فرهنگی حاج محمدحسن خداوردی^۲،
گروه صنعتی گلرنگ^۳، اداره‌کل امور مالی بانک کشاورزی، شرکت
ملی گاز، شرکت نستله، محمد ترکمان از بنیاد فرهنگی و خیریه
محمدتقی ترکمان، شرکت صنعتی ابراهیم، و غیره یاد کرد.

پرداخت هزینه ساخت و نصب یک عدد آسانسور به ارزش ۱۳۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۷، کمک به بازسازی و سکونبندی آزمایشگاه بیوسستماتیک گیاهی به ارزش ۲۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۶، کمک مالی به خرید سانتریفیوژ برای بخش میکروبیولوژی به ارزش ۲۰ میلیون تومان، کمک مالی به دانشکده تجسمی به ارزش ۲۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۶، کمک مالی به دانشکده شیمی به ارزش ۲۰ میلیون تومان، ساخت خوابگاه آریو مصلی نژاد در سال ۱۳۸۵، ساخت خوابگاه امام علی^(ع) با ۲۶۲ تختخواب در سال ۱۳۸۵، کمک مالی به تجهیز خوابگاه‌های دانشجویی به ارزش ۲۳۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۶، کمک مالی به بازسازی کتابخانه دانشکده ریاضی به ارزش ۳۰ میلیون تومان، کمک مالی به تجهیز سیستم سرمایشی کتابخانه پردیس علوم به ارزش ۷۰ میلیون تومان، کمک مالی به تجهیز خوابگاه‌های دانشجویی و سالن اجتماعات پردیس به ارزش ۲۰۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۷، کمک مالی به مددجویان و صندوق احسان و مددکاری (عدل‌پرور) به ارزش ۸۵ میلیون تومان در سال ۱۳۹۷، پرداخت کمک‌هزینه اعتکاف دانشجویان به ارزش ۲۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۷، کمک مالی به بنیاد حامیان دانشگاه تهران به ارزش سالانه ۵۰ میلیون تومان، ساخت دیوار مجتمع خوابگاهی دخترانه چمران به طول ۵۰۰ متر در سال ۱۳۹۲، ساخت خوابگاه حضرت فاطمه^(س) با ۱۳۲ تخت و ۲۸۰۰ مترمربع زیربنا در سال ۱۳۸۷، ساخت دانشکده مکانیک به ارزش ۴ میلیارد تومان در سال ۱۳۹۴، اهدای دو دستگاه یونیت پورتابل به مرکز بزرگمهر به ارزش تقریبی ۱۴ میلیون تومان، اهدای یک دستگاه رادیوگرافی پورتابل به مرکز جراحی بزرگمهر، تقبل هزینه‌های جاری بنیاد حامیان دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۷ به ارزش ۱۸۰ میلیون تومان، تقبل هزینه‌های همایش خیرین دانشگاه تهران در سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ به ارزش ۲۰۰ میلیون تومان، تقبل هزینه‌های مراسم ضیافت افطار خیرین و واقفین دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۷ به ارزش ۱۲۵ میلیون تومان، تقبل هزینه‌های مراسم تقدیر از کارکنان نمونه دانشگاه در سال ۱۳۹۶ به ارزش ۳۱ میلیون تومان، بورسیه ۴۵۰ دانشجوی دکتری از سال ۱۳۹۵ تا کنون به ارزش ۴۵۰ میلیون تومان، بورسیه ۱۰۰ دانشجوی کارشناسی ارشد در سال ۱۳۹۷ به ارزش ۲۰۰ میلیون تومان، بورسیه ۳۰۰ دانشجوی دکتری رشته بیوشیمی - بیوفیزیک در سال ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به ارزش ۳۰۰ میلیون تومان

۱. بورسیه ۳۳۰ دانشجوی کارشناسی به ارزش ۶۶۰ میلیون تومان از سال ۱۳۹۵ تا کنون
۲. بورسیه ۱۹۲ دانشجوی ارشد به ارزش ۳۸۴ میلیون تومان از سال ۱۳۹۵ تا کنون
۳. بورسیه ۶۹ دانشجوی ایرانی و ۱۰۳ دانشجوی بین‌المللی در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ به ارزش ۳۴۴ میلیون تومان

بنیاد شریف



دانشگاه صنعتی شریف در سال ۱۳۸۵ با تاسی از دانشگاه‌های بزرگ دنیا، شرکت‌های مدیریت کسب و کار خود را مأمور یکپارچه‌سازی امور درآمدزایی و ثروت‌آفرینی از داشته‌های دانشگاه (اعم از برند، سرمایه، سهام، مستغلات، وقفیات و غیره) کرد و متعاقب آن ضمن تأکید بر ضرورت ارتباط دانشگاه و جامعه از مجرای بنیادهای مردمی غیردولتی، بنیاد شریف را تأسیس کرد.^۱ به‌منظور بهره‌مندی از قوانین حاکم بر مؤسسات تجاری و تسهیل فعالیت‌ها، مؤسسه با نام مؤسسه بنیاد شریف و به شکل شرکت غیرانتفاعی حامی دانشگاه در قالب قانون تجارت و با هدف ارتقای سطح تولید علم، پژوهش، فناوری تأسیس شد. شعار مؤسسه حمایت از دانشگاه صنعتی شریف و توسعه کیفیت و کمی آن از طرق زیر است:

- سامان‌دهی به طیف گسترده حمایت‌های مردمی از طریق شناسایی یاوران، خیرین، واقفان و دوست‌داران دانشگاه صنعتی شریف به‌منظور دریافت حمایت‌های مادی و معنوی

۱. مطالب این بخش برگرفته از وب‌سایت بنیاد شریف است.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۶۵

• تأسیس شرکت‌ها و مؤسسات اقتصادی سرمایه‌گذاری و

مشارکت با اشخاص حقیقی و حقوقی

• حمایت از طرح‌های فناور برای تجاری‌سازی محصولات

دانش‌بنیان و شرکت‌های نوپای فارغ‌التحصیلان و دانشجویان با شکل‌گیری مفهوم دانشگاه‌های کارآفرین و دانشگاه‌های نسل سوم و چهارم که رسالت شکل‌دهی به جامعه و ثروت‌آفرینی از داشته‌های علمی و فنی را بر دوش می‌کشند مدیریت دانشگاه در سال ۱۳۹۵ به‌منظور تقویت بنیاد اقدام به تغییر هیئت‌امنا، معرفی هیئت‌مدیره جدید، تدوین اساسنامه جدید و وارد کردن تیم جدید مدیریتی در بنیاد شریف کرد. در وضعیت فعلی، آقایان دکتر منوچهر نجمی (رئیس هیئت‌مدیره)، دکتر پیروز غفرانی، مهندس حکیم‌پور، مهندس فدایی، مهندس عبداللہیان، مهندس محمود شیری و دکتر مختاری اعضای هیئت‌مدیره این بنیادند. آقایان دکتر محمود فتوحی، علی انصاری، محمدحسین حسین‌زاده، دکتر سعید سهراب‌پور، مهندس غلامرضا شافعی، مهندس محمد میرمحمدصادقی، مهندس جمشید بردبار، مهندس فیروز اردشیربان، حاج‌آقا علی عبداللہیان باروق، دکتر سعید یغمایی، جمشید اثنی-عشری، مهندس اکبر ترکان، دکتر محمدرضا عارف، دکتر محمدعلی نصرتی‌نیا، دکتر منوچهر نجمی، دکتر مسعود نیلی، دکتر سورنا ستاری، دکتر عباس مصلی‌نژاد، دکتر مجید قاسمی، مهندس حمید کشاورز، دکتر علینقی مشایخی، نصرالله محمدحسین فلاح، دکتر حمیدرضا بهشتی، مجتبی کمیلی، مهندس محمود شیری، حاج‌آقا محمدتقی علاقبندیان، دکتر علی‌اکبر صالحی، دکتر رضا ویسه و مهندس منوچهر فدایی تهرانی نیز اعضای هیئت‌امنای بنیادند.

در اساسنامه بنیاد، ثروت‌آفرینی از داشته‌های دانشی و فنی موجود و تأمین بودجه توسعه‌ای دانشگاه از طریق توسعه شبکه شرکا، همکاران و حامیان دانشگاه صنعتی شریف ذیل چشم‌انداز بنیاد آمده است. بنیاد شریف مأموریت خود را با هدف توسعه ظرفیت‌های آموزشی، یادگیری و پژوهشی دانشگاه از طریق ارتقای بهره‌وری و ثروت‌آفرینی از ظرفیت‌های دانشی و فنی موجود در دانشکده‌ها، پژوهشکده‌ها، استادان، فارغ‌التحصیلان و نهادهای پیرامونی دانشگاه صنعتی شریف، جلب و هدایت کمک‌های مالی و موقوفات خیرین به ثروت‌آفرینی و ایجاد بنیان مالی مستحکم به منظور حمایت از نوآوران و کارآفرینان و دانشجویان مستعد اجرا می‌کند.

بنیاد شریف برای تحقق هدف اصلی خود، یعنی ایجاد زیست‌بوم مناسب برای تسهیل کسب‌وکار فعالان اقتصادی، در قالب شبکه‌ای هم‌افزا تلاش دارد میان همکاران، حامیان و فارغ‌التحصیلان دانشگاه، اعم از آنانی که داخل کشورند و آنانی که در کشورهای جهان در نهادهای اقتصادی و علمی مشغولند، ارتباط برقرار کند. بر این اساس، اهداف بنیاد در سه بند زیر خلاصه می‌شود:

الف) پاسخ به نیازهای دانشگاه در حوزه‌های مدیریت اموال و دارایی‌ها، مدیریت خدمات، مدیریت املاک و مستغلات، مدیریت حوزه‌های کسب‌وکار، مانند آموزش‌های آزاد، مدیریت بهره‌برداری، مدیریت سهام و دارایی‌های نقدی

ب) جلب کمک‌های مالی خیرین و نیکوکاران و همچنین بنگاه‌ها، وابستگان و علاقه‌مندان به دانشگاه شریف و فارغ‌التحصیلان داخل و خارج از کشور به دانشگاه و تأمین

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۶۷

نیازهای بنیاد به نحوی که در افقی دهساله بخش مهمی از بودجه توسعه‌ای دانشگاه را از این محل تأمین کند. کمک‌ها می‌بایست در قالب‌های مالی، فناورانه، تجربی، ملک و مستغلات و... سامان یابند. (ج) ارتقای بهره‌وری، ثروت‌آفرینی و کارآفرینی از ظرفیت‌های دانشی، فنی و اعتباری دانشگاه صنعتی شریف، دانشکده‌ها، پژوهشکده‌ها، استادان، فارغ‌التحصیلان و مؤسسات و نهادها، کمک به دانشگاه در شکل‌دهی به آینده جامعه در قالب دانشگاه نسل چهارم و تسهیل فعالیت‌های دانشگاه با بهره‌گیری از سهولت فعالیت در قالب بخش خصوصی

ارزش‌های محوری بنیاد در قالب دست‌یابی به اهداف کلان یادشده به شرح ذیل تدوین شده است:

- صیانت از نام شریف با عرضه خدمات در کلاس جهانی
- تقویت نظام نوآوری و نوآوری شبکه‌ای در کشور
- اشاعه مفاهیم نوین علم و فناوری در جغرافیای ملی و منطقه‌ای
- بومی‌سازی علوم و فناوری‌های نوین
- ارتقای علوم، فرهنگ و ارزش‌های ملی و اسلامی
- عرضه خدمات موردنیاز دانشگاه و نهادهای آن
- مشارکت در طرح‌های دانش‌بنیان مبتنی بر فناوری‌های پیشرفته
- ایجاد زیست‌بوم مناسب نوآوری و ثروت‌آفرینی و خلق محیط کسب‌وکار بی‌دغدغه برای صاحبان علم و فناوری
- پاسخ به نیازهای جاری کشور در عرصه‌های تجاری‌سازی علم و فناوری
- گفتمان‌سازی درخصوص برنامه‌ریزی پیش‌گستر و لزوم توجه به نیازهای آتی جامعه

• جلب و هدایت کمک‌های مردمی و هدایای نیکوکاران به سوی تأمین نیازهای دانشگاه
بنیاد شریف با تشکیل هسته‌ای اولیه متشکل از صاحب‌نظران عرصه مدیریت بهره‌برداری زمینه عرضه خدمات موردنیاز دانشگاه را در حوزه‌های گوناگون فراهم آورده است. اهم خدمات عبارت‌اند از:

- خدمات بهره‌برداری و نت تأسیسات و ساختمان
- خدمات مدیریتی چاپ و انتشارات دانشگاه
- خدمات بهره‌برداری و نت فضاها و تأسیسات ورزشی
- خدمات بهره‌برداری و نت فضاها و تأسیسات رفاهی و

اقامتی

- خدمات بهره‌برداری و نت خوابگاه‌ها
- خدمات بهداشتی، درمانی و ایمنی (HSE)
- خدمات تأمین و تربیت نیروی انسانی
- خدمات امور آشپزخانه و رستوران
- خدمات نظیف و پاکبانی
- خدمات محوطه سازی، اجرا و نگهداری فضای سبز
- خدمات جنبی امور دانشجویی (پذیرش و اسکان دانشجوی، سایر خدمات دانشجویی)

- برگزاری سمینار و همایش‌های موضوعی و تخصصی
 - سایر خدمات مورد نیاز دانشگاه
- همچنین مدیریت مالی و سرمایه‌گذاری بنیاد به منظور صیانت از اموال و دارایی‌های بنیاد و دانشگاه صنعتی شریف، تخصیص

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۶۹

بهینه کمک‌های مردمی به طرح‌های توسعه‌ای دانشگاه، بهره‌برداری بهینه از اموال و دارایی‌های دانشگاه و نیز جذب سرمایه‌گذار داخلی و خارجی به طرح‌های فناورانه و ملی خدمات مالی و سرمایه‌گذاری عرضه می‌کند. خدمات شامل موارد ذیل است:

الف) پاسخ به نیازهای دانشگاه و سایر متقاضیان در حوزه‌های مدیریت اموال، سهام و دارایی‌ها، مدیریت املاک و مستغلات، جذب و هدایت سرمایه‌گذاری‌ها و دارایی‌های نقدی و غیرنقدی و...
ب) جلب و هدایت کمک‌های مالی خیرین و نیکوکاران و همچنین بنگاه‌ها، وابستگان و علاقه‌مندان به دانشگاه صنعتی شریف و فارغ‌التحصیلان داخل و خارج از کشور به نیازهای توسعه‌ای دانشگاه. کمک‌ها در قالب‌های مالی، فناورانه، تجربی، ملک و مستغلات و... است.

از معضلات شرکت‌های دانش‌بنیان و هایتک طراحی الگوی کسب‌وکار و تجاری‌سازی محصولات، وارد کردن آن به بازارهای جهانی و بازاریابی برای محصولاتشان است. بنیاد شریف با بهره‌مندی از کادری مجرب در تجاری‌سازی فناوری‌های نوین امکان اتصال بنگاه‌ها و مؤسسات نیازمند به تجاری‌سازی محصولاتشان را به بازارهای منطقه و جهان فراهم آورده است.

بنابراین، بنیاد شریف در مقام جذب سرمایه‌های بیشتر برای کمک به طرح‌های صنعتی و دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف، به اتکای دانش موجود در دانشگاه شریف به عرضه خدمات مشاوره به شرکت‌های فناور و دانش‌بنیان بیرونی روی آورده

است. برخی از خدمات قابل عرضه بنیاد شریف برای شرکت‌های فناور و دانش‌بنیان عبارت‌اند از:

• ارزیابی توانمندی شرکت‌ها (بلوغ مدیریتی، مالی، حقوقی، بین‌المللی)

• ارزیابی توانمندی مؤسسه‌ها و شعب زیرمجموعه آنها

• ارزیابی و رتبه‌بندی اعتباری مشتریان حقوقی مؤسسه‌ها بر

اساس الگوی S&P

• ارزیابی دارایی‌های نامشهود

• ارزیابی سطح بلوغ سازمانی

• ارزیابی محصولات

• ارزیابی عملکرد مالی سازمان

• ارزیابی مشاوران مدیریت در حوزه انتقال فناوری

• ارزیابی سطح فناوری سازمان

• ارزیابی سلامت سازمانی

• ارزیابی و تعیین رتبه اعتباری سازمان

• ارزیابی خدمات شهری

• ارزیابی پروژه‌های توسعه‌ای (عمرانی و غیره)

• ارزیابی منابع انسانی و استعدادهای سازمانی. این مدیریت

امکان عارضه‌یابی و یافتن علل مشکلات بنگاه‌ها را دارد و

همچنین امکان رتبه‌بندی بنگاه‌ها را به منظور ایجاد رقابت فراهم

آورده است.

بنیاد شریف از طریق ارتباط با خیران تاکنون طرح‌های زیر را

در دانشگاه صنعتی شریف نهایی یا افتتاح کرده است:

• توسعه و تجهیز خوابگاه‌ها

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۷۱

- احداث خوابگاه دختران
- احداث مجتمع خوابگاهی پسران در منطقه طرشت
- جلب مشارکت برای ارتقای سطح کیفی خوابگاه‌های

دانشگاه

- احداث استادسرا و خوابگاه دانشجویان متأهل دوره دکتری
- هوشمندسازی ساختمان‌های دانشگاه
- توسعه و تجهیز دانشکده مهندسی عمران
- احداث پارکینگ طبقاتی
- احداث و تجهیز دانشکده مهندسی مکانیک
- احداث دانشکده مهندسی و علم مواد
- تکمیل ساختمان هوافضا
- توسعه و تجهیز اماکن فرهنگی، ورزشی و درمانی
- احداث مجموعه ورزشی در خوابگاه طرشت ۲
- احداث مجموعه ورزشی در خوابگاه طرشت ۳
- احداث درمانگاه
- توسعه و تجهیز آزمایشگاه‌ها و کارگاه‌ها
- احداث ساختمان مرکزی پردیس پژوهش و فناوری
- تأمین تجهیزات اداری و آموزشی مجتمع کلاس‌های آموزشی
برخی از حامیان بنیاد شریف عبارت‌اند از: دکتر عباس
مصلى‌نژاد، مهندس محمدصادق میثمی وکیل، مرحوم دکتر
گل‌افشانی، مهندس جمشید بردبار، دکتر جواد موفقیان، دکتر محمد
مهدی نایبی، مهندس غلامرضا بهاری، مرحوم دکتر علی‌محمد
سعیدی، مهندس حمید کشاورز، مهندس زهرا میرحسینی، دکتر
مهدی فضلی، مهندس کریم خمسه، حاج محمدکریم فضلی،

مهندس حسن بیگی، مهندس بابک ثقفی، مهندس مسیح قائمیان، مهندس علیرضا کلاهی صمدی، دکتر شهاب جوانمردی، مهندس حسام میرآرمندی، مهندس مهدی امیری، دکتر نغمه زندفانی، مهندس محمد باقر سوزنجی، دکتر محمود تیبانی، مهندس سید محمدباقر فاضلیان، اعظم میرمهدی، مهندس منوچهر فدایی، دکتر فرحبخش سیف، مهندس سیدابوطالب نجفی، مهندس حسین ترابی، مهندس حامد وحیدی، مهندس محمد ترکمان و دکتر محمدصادق امینی فضل اشاره کرد.

علاوه بر موارد یادشده، بنیاد شریف در قالب حمایت از طرح‌های پژوهشی از طرح‌های پژوهشی و فناورانه نوین، همایش‌ها و انجمن‌های علمی، انتشار و تأمین کتاب و نشریه و مقاله، اعزام استادان و دانشجویان نخبه به همایش‌های بین‌المللی، فرصت‌های مطالعاتی و شرکت‌های دانش‌بنیان، خلاق و استارت‌آپ‌ها نیز حمایت می‌کند.

بنیاد حامیان دانشگاه اصفهان

دانشگاه اصفهان نیز از دانشگاه‌هایی است که در سال‌های اخیر به کمک خیرین بخشی از نیازهای داخلی خود را برطرف کرده است هرچند در این حوزه توفیق آن از دانشگاه‌های هم‌ترازی چون دانشگاه فردوسی، دانشگاه شریف و تهران کمتر بوده است. آغاز به کار طرح عمرانی خوابگاه متأهلی زنده‌یاد سهیل سلطانی توسط بانو پوران‌دخت شمس، احداث چند دانشکده با مشارکت ۵۰ درصدی دانشگاه اصفهان، افتتاح ساختمان خیرساز پردیس مهندسی به مساحت ۴۰۰۰ مترمربع و همچنین آغاز به کار

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۷۳

احداث مرکز خدمات روان‌شناسی و مشاوره، مرکز رشد واحدهای فناوری و آموزش‌های الکترونیکی آزاد از زمرة فعالیت‌ها و جذب کمک‌های مردمی برای توسعه دانشگاه اصفهان بوده است.

بنیاد خیرین دانشگاه صنعتی امیرکبیر

دانشگاه صنعتی امیرکبیر با تشویق‌های ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بنیاد حامیان علم و فناوری ایران جذب کمک‌های خیرین را در سال‌های اخیر آغاز کرده است. افتتاح خوابگاه دخترانه دانشگاه صنعتی امیرکبیر با ظرفیت ۲۵۰ نفر نمونه‌ای از جذب کمک‌های مردم است.

بنیاد حامیان دانشگاه یزد

بنیاد حامیان دانشگاه یزد در سال ۱۳۹۶ به همت هیئت مؤسسانی چون دکتر محمدحسین امید، سیدمحمد احرامیان، دکتر محمدصالح اولیا، حبیب‌الله بیطرف، جلیل شاهی، حاجب مرتاض و محمدحسن معزالدینی رسماً تأسیس شد. این دانشگاه نیز از گذشته‌ای دور به مقوله کار خیر توجه داشته و طیف وسیعی از حمایت‌های مردمی را در حوزه علم و فناوری جذب کرده است.

بخشی از فعالیت‌های ارزشمند بنیاد در سال‌های اخیر عبارت- اند از: ساخت خوابگاه متاهلین دانشگاه در سال ۱۳۹۶ به ارزش ۲ میلیارد تومان؛ طراحی و ساخت خوابگاه مجموعه آموزشی مهریز در سال ۱۳۹۵ با زیربنای ۲۷۵۰ مترمربع و به ارزش ۲

میلیارد و ۷۶۵ میلیون تومان؛ طراحی و ساخت مجموعه آموزشی مهریز در سال ۱۳۹۴ با زیربنای ۵۲۵۰ مترمربع و به ارزش ۴ میلیارد تومان، توسعه دانشکده شهرسازی در سال ۱۳۸۶ به ارزش ۵۴۶ میلیون تومان پس از اهدای خانه شمسایی؛ توسعه دانشکده مرمت در سال ۱۳۸۹ به ارزش ۲ میلیارد و ۱۴۲ میلیون تومان پس از اهدای خانه شفیع‌پور؛ توسعه دانشکده نقاشی در سال ۱۳۸۰ پس از اهدای خانه کرمانیان، توسعه دانشکده معماری در سال ۱۳۷۱ به ارزش ۱ میلیارد و ۲۰۴ میلیون تومان پس از اهدای خانه لاری‌ها؛ توسعه دانشکده معماری در سال ۱۳۷۱ به ارزش ۶۷۹ میلیون تومان پس از اهدای خانه قاضی‌نسب؛ توسعه دانشکده شهرسازی در سال ۱۳۷۳ به ارزش ۲ میلیارد و ۶۰۲ میلیون تومان پس از اهدای خانه مرتاض؛ توسعه دانشکده معماری در سال ۱۳۸۲ به ارزش ۱ میلیارد و ۱۲۳ میلیون تومان پس از اهدای خانه سیما رسولیان؛ توسعه دانشکده معماری در سال ۱۳۶۹ به ارزش ۱ میلیارد و ۸۳۶ میلیون تومان پس از اهدای خانه میرزا کاظم رسولیان؛ تأمین بخشی از هزینه‌های ساخت سالن آمفی‌تئاتر مرکزی دانشگاه با زیربنای ۶۰۰۰ مترمربع در سال ۱۳۸۵ به ارزش ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان؛ ساخت خوابگاه مهندس عطایی در سال ۱۳۸۸ با ۲۰۰۰ مترمربع زیربنا و ارزش ۳ میلیارد تومان؛ ساخت خوابگاه روحانیون در سال ۱۳۸۸ با زیربنای ۲۶۵۰ مترمربع و به ارزش ۳ میلیارد و ۹۷۵ میلیون تومان؛ ساخت خوابگاه مریم در سال ۱۳۸۰ با زیربنای ۵۶۰۰ مترمربع و ارزش ۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون تومان؛ ساخت خوابگاه شقایق در سال ۱۳۷۸ با زیربنای ۵۶۰۰ مترمربع و ارزش ۸ میلیارد و ۴۰۰ میلیون

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۷۵

تومان؛ ساخت خوابگاه لاله در سال ۱۳۸۲ با زیربنای ۳۵۰۰ مترمربع و ارزش ۵ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان؛ ساخت استخر در سال ۱۳۷۳ به ارزش ۱ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان؛ ساخت دانشکده منابع طبیعی در سال ۱۳۸۰ با زیربنای ۶۵۰۰ مترمربع و به ارزش ۹ میلیارد و ۷۵۰ میلیون تومان؛ تقبل بخشی از هزینه‌های دانشکده فنی و مهندسی ۲ و ۴ در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۸ به ارزش ۱۲ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان؛ ساخت مرکز مشاوره دانشگاه با زیربنای ۱۲۰۰ مترمربع و به ارزش ۱ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان؛ ساخت خوابگاه هرنندی ۲ در سال ۱۳۷۱ و زیربنای ۲۰۰۰ مترمربع و ارزش ۳ میلیارد تومان، و ساخت آزمایشگاه در سال ۱۳۷۳ با زیربنای ۲۰۰۰ مترمربع و ارزش ۳ میلیارد تومان.

بنیاد خیرین حامی دانشگاه علامه طباطبایی

این بنیاد در سال ۱۳۹۵ در دانشگاه علامه طباطبایی به منظور تشویق ستاد خیرین وزارت علوم، تحقیقات و فناوری تأسیس شد. اعضای هیئت‌امنا بنیاد عبارت‌اند از: حسین سلیمی (رئیس دانشگاه)، محمدرضا ویژه، غلامعلی کارگر، حبیب‌الله بوربور، محمدحاشم بت‌شکن، ابوالفضل کزازی، عباس عباس‌پور، محمدرضا کارگری، حسین بدخشان و عباس مصلی‌نژاد.

جذب کمک‌های مردمی و توسعه آن، نظارت بر هزینه‌کرد کمک‌های خیرین در دانشگاه، پی‌گیری پرداخت سهم ۵۰ درصدی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری در طرح‌های خیرین، حمایت از

دانشجویان بی بضاعت از طریق راه‌اندازی صندوق قرض‌الحسنه، حمایت از طرح‌های پژوهشی دانشجویان و استادان، حمایت از پژوهشگران و نخبگان دانشگاه، حمایت از سنت ازدواج دانشجویی، حضور و مشارکت در خرید و تأمین تجهیزات و خدمات موردنیاز دانشگاه، حمایت از طرح‌های کارآفرین، سرمایه‌گذاری در بخش‌های خصوصی به منظور افزایش درآمد اختصاصی حامی دانشگاه، ایجاد کانون دانش‌آموختگان دانشگاه با هدف جذب کمک‌های خیریه آنان و توسعه دانشگاه، و هرگونه برنامه‌ای که با روح فعالیت‌های مردم‌نهاد در حوزه علم و فناوری همسو باشد از اهداف درج‌شده در اساسنامه بنیاد است.

بنیاد با تهیه و تنظیم رضایت‌نامه کسر حقوق اعضای هیئت-علمی خیر دانشگاه علامه طباطبایی ماهانه بخشی از سرمایه صندوق را تأمین می‌کند. همچنین با دعوت از خانواده‌های دانشجویان تازه‌وارد و معرفی خود به آنان از میان والدین علاقه‌مند به ارتقای سطح کیفی دانشگاه محل تحصیل فرزند خود درآمدهایی کسب می‌کند.

بنیاد دانشگاه ولی عصر رفسنجان

دانشگاه ولی عصر رفسنجان در دریافت کمک‌های خیرین از نمره مطلوبی برخوردار است. اختصاص ساختمانی سه‌طبقه در مرکز شهر توسط صندوق تعاون اسلامی به مساحت ۹۰۰ مترمربع؛ پرداخت کلیه هزینه‌های جاری و حقوق کارکنان دانشگاه به مدت ۴ سال توسط خیرین؛ اهدای ۱۰۰۰۰ مترمربع

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۷۷

زمین و یک ساختمان به مساحت ۳۵۰۰ مترمربع؛ اهدای سه مهمان‌سرا به ترتیب با مساحت‌های ۴۰۰، ۳۵۰ و ۴۵۰ مترمربع توسط صندوق تعاون رفسنجان؛ ساخت ۶۵۰۰ مترمربع فضای آموزشی توسط خیرین مردمی؛ اهدای ۴۰۳ هکتار زمین برای تأسیس سایت اصلی دانشگاه؛ اجرای ۱۷۰ هکتار فضای سبز؛ اجرای ۸۰۰۰ متر جدول‌گذاری توسط خیرین؛ اجرای ۱۴ کیلومتر دیوارکشی توسط خیرین؛ احداث مسجد دانشگاه با مساحت ۱۰۰۰ مترمربع با احتساب ۷۰ درصد هزینه‌ها توسط آقای محمدرضا نواب؛ اهدای یک ساختمان به مساحت ۵۰۰۰ مترمربع توسط دفتر نشر؛ اهدای ۵۰۰۰ مترمربع مجموعه ورزشی توسط دفتر نشر، ساخت و اهدای ۱۲ واحد مسکونی به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع توسط مجتمع صنعتی رفسنجان؛ احداث یک خوابگاه دانشجویی به مساحت ۵۰۰۰ مترمربع با مشارکت ۴۰ درصدی آقای حسین امین؛ احداث یک خوابگاه دانشجویی به مساحت ۲۷۰۰ مترمربع با مشارکت امام‌جمعه رفسنجان؛ احداث سه خوابگاه دانشجویی به ترتیب با مساحت‌های ۴۲۰۰، ۲۵۰۰ و ۲۴۰۰ مترمربع توسط مجتمع صنعتی رفسنجان؛ احداث دانشکده کشاورزی به مساحت ۶۰۰۰ مترمربع توسط مجتمع صنعتی رفسنجان؛ احداث مجتمع کلاس‌ها به مساحت ۱۵۰۰ مترمربع، احداث کارگاه عمران به مساحت ۹۰۰ مترمربع، احداث سلف-سرویس با مساحت ۳۶۰۰ مترمربع، احداث ساختمان امور دانشجویی با مساحت ۳۰۰ مترمربع، و احداث بازارچه و مجتمع تجاری دانشگاه به مساحت ۵۰۰ مترمربع توسط مجتمع صنعتی رفسنجان؛ احداث یک خوابگاه دانشجویی به مساحت ۵۰۰۰

مترمربع با مشارکت ۴۰ درصدی خانم پروین تاج آراسته؛ احداث درمانگاه، ایستگاه هواشناسی، مزرعه تحقیقاتی، انبار، دانشکده فنی و دیگر امور خیریه از توفیق‌های دانشگاه ولی‌عصر رفسنجان در جذب کمک‌های بیرونی به شمار می‌آید.^۱

مؤسسه غیرتجاری خیرین حامی دانشگاه اردکان

این مؤسسه که به صورت اداری و رسمی در سال ۱۳۹۷ تأسیس شده است فعالیت خود را از سال ۱۳۸۴ با دعوت از خیران محلی اردکان آغاز کرد. ساخت خوابگاه خیریه نور در سال ۱۳۸۴ با ارزش تقریبی ۳۰۰ میلیون تومان، ساخت سالن آمفی‌تئاتر دانشکده منابع طبیعی در سال ۱۳۸۵ با ارزش تقریبی ۱۶۰ میلیون تومان، راه‌اندازی سایت رایانه در سال ۱۳۸۸ با ارزش تقریبی ۱۲۰ میلیون تومان، ساخت خوابگاه خیریه یاس در سال ۱۳۸۹ با ارزش تقریبی ۳۰۰ میلیون تومان، اهدای زمین برای احداث کلینیک روانشناسی به مساحت ۳۰۰۰ مترمربع در سال ۱۳۹۰ به ارزش ۱ میلیارد تومان، ساخت خوابگاه حاج جلال تقوی‌زاده اردکانی در سال ۱۳۹۳ به ارزش ۲ میلیارد تومان، ساخت دانشکده دامپزشکی در سال ۱۳۹۴ به ارزش ۱ و نیم میلیارد تومان، و خرید کتاب و تجهیز کتابخانه در سال ۱۳۹۵ به ارزش ۲۰ میلیون تومان بخشی از جذب کمک‌های حامیان مردمی در حوزه علم و فناوری شهرستان و دانشگاه اردکان است.

ستاد توسعه دانشگاه کاشان

۱. رک. به: گزارشی از نقش خیرین در توسعه دانشگاه ولی‌عصر رفسنجان. گزارش تا ابتدای سال ۱۳۹۰ تنظیم شده و مسلماً دانشگاه تا کنون کمک‌های بیشتری جذب کرده است.

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و حامیان جدید علم و فناوری / ۱۷۹

ستاد توسعه دانشگاه کاشان به منظور جذب کمک‌های خیرین تشکیل شده و تا کنون برای توسعه فیزیکی و غیرفیزیکی دانشگاه کاشان اقدام‌های مؤثری کرده است. از جمله فعالیت‌های ستاد موارد زیر است:

بهره‌برداری از طرح پردیس شهدا، یادبود شهید والامقام امیرمنصور مازوچی توسط حاج احمد امامی کاشانی؛ بهره‌برداری از طرح خوابگاه خواهران تحصیلات تکمیلی در سال ۱۳۸۹ به مساحت ۱۳۵۰ مترمربع توسط جناب آقای دکتر سیدعلی اکبر آرزوگر، بهره‌برداری از طرح سالن ورزشی مهر در سال ۱۳۸۹ به مساحت ۵۳۰ مترمربع توسط جناب آقای مجید راهب؛ بهره‌برداری از خوابگاه دانشجویی راهب در سال ۱۳۹۱ به مساحت ۹۸۰ مترمربع توسط زنده‌یاد پروفیسور ارشدی؛ بهره‌برداری از طرح ساختمان تحصیلات تکمیلی پروفیسور ارشدی در همان سال به مساحت ۲۶۰۰ مترمربع توسط سیدمرتضی هاشمیان؛ بهره‌برداری از طرح خوابگاه خواهران در همان سال به مساحت ۱۱۱۰ مترمربع توسط حاج سیدحسین لاجوردی؛ بهره‌برداری از طرح سالن ورزشی سیدحسین لاجوردی به مساحت ۱۵۵۰ مترمربع توسط دکتر ساتر و زهرا کتابچی؛ بهره‌برداری از طرح دانشکده مهندسی فاز ۲ به مساحت ۵۲۰۰ مترمربع توسط برادران محترم سعیدی؛ بهره‌برداری از طرح دانشکده حقوق مهندس سعیدی در سال ۱۳۹۳ به مساحت ۶۰۰۰ مترمربع توسط علیرضا عصار کاشانی؛ بهره‌برداری از طرح خوابگاه خواهران عصار در سال ۱۳۹۲ به مساحت ۱۱۱۰ مترمربع توسط سیدمحمد هاشمیان؛ بهره‌برداری از طرح خوابگاه خواهران هاشمیان در سال ۱۳۹۳ به مساحت ۱۱۱۰ مترمربع توسط شهین

مسچی؛ بهره‌برداری از طرح خوابگاه خواهران مسچی به مساحت ۱۱۱۰ مترمربع توسط امیرحسین ترکیان؛ بهره‌برداری از طرح خوابگاه برادران ترکیان به مساحت ۸۰۰ مترمربع توسط مهندس حسین مبینی و فریبا یاراحمدی؛ بهره‌برداری از طرح خوابگاه برادران مبینی به مساحت ۸۰۰ مترمربع توسط حاج عباس جعفرزاده و خورشیا، بهره‌برداری از طرح مرکز درمانی و مشاوره جعفرزاده به مساحت ۱۴۵۰ مترمربع؛ راه‌اندازی صندوق قرض-الحسنه دانشجویی حضرت زهرا توسط دکتر آقاموسی و مهین‌دخت مؤتمن و اعطای تسهیلاتی چون وام قرض‌الحسنه، وام ازدواج، وام شاهد و ایثارگر و وام شرافتی به دانشجویان؛ اهدای زمین توسط دکتر عباس مازوچی و مولود ملاقنبری؛ اهدای حق‌التألیف؛ اهدای فرش؛ اهدای کتاب؛ اهدای تجهیزات آزمایشگاهی؛ اهدای کولر به خوابگاه‌ها؛ ارتباط با بنیاد کتاب مطهر برای کمک به ارتقای علمی دانشگاه‌ها؛ ایجاد زمینه مشارکت خیرین در نهضت نرم‌افزاری و جهاد علمی از طریق توسعه فضاهای پژوهشی و کتابخانه؛ ترویج و توسعه فرهنگ کتاب‌خوانی؛ تقویت روحیه اعتماد به نفس و امید به آینده در پژوهشگران و دانشجویان؛ کمک به دانشجویان برای تأمین منابع علمی و غیره از فعالیت‌های استاد توسعه دانشگاه کاشان و کمک‌های خیرین است.



افتتاح مرکز تحقیقات توسعه و افزایش اسکان دانشگاه کاشان با حضور دکتر
غلامی، وزیر محترم عتف



۱۸۲ / حامیان علم و فناوری در جهان و ایران

افتتاح خوابگاه امامی دانشگاه کاشان



افتتاح سالن ورزشی دانشگاه کاشان



افتتاح دانشکده حقوق (ساختمان سعیدی) دانشگاه کاشان

مؤسسه غیرتجاری بنیاد حامیان دانشگاه بیرجند



شهر بیرجند پیشینه تاریخی پرافتخاری در عرصه آموزش، فرهنگ و تربیت مردان و زنان بلندمرتبه‌ای دارد که صعوبت یادگیری دانش، هنر و فرهنگ را بر مصائب آن منطقه کویری ترجیح داده‌اند، چنان‌که مدرسه باشکوه شوکتیه دلیلی بر مدعای ماست. مؤسسه غیرتجاری بنیاد حامیان دانشگاه بیرجند نیز نمادی از غنای فرهنگی شهر بیرجند است که از سال ۱۳۹۴ به صورت غیررسمی و از سال ۱۳۹۵ با تصویب اساسنامه فعالیت خود را آغاز کرد. بنیاد در چند سال اخیر از ظرفیت‌های خیرین برای ارتقا و توسعه خود بهره گرفته است. آغاز به کار تأسیس آزمایشگاه‌های پیش‌گیری از بیماری‌ها و آسیب‌های اجتماعی در سال ۱۳۹۷ با ارزش تقریبی ۳۶۰ میلیون تومان کمک مردمی؛ تأسیس خوابگاه متأهلین با ۶۵۰ مترمربع زیربنا و به ارزش ۵۰۰ میلیون تومان کمک مردمی در سال ۱۳۹۴، تأسیس مجتمع آزمایشگاهی دانشکده مهندسی برق و کامپیوتر با ۶۹۰ مترمربع زیربنا در سال ۱۳۹۵ و با ارزش تقریبی ۵۵۰ میلیون تومان کمک مردمی، و احداث خوابگاه دخترانه با ۴۷۰۰ مترمربع زیربنا در سال ۱۳۹۵ و

با ارزش تقریبی ۷۰۰ میلیون تومان کمک مردمی از فعالیت‌های بنیاد موفق حامیان دانشگاه بیرجند است.



همچنین دانشگاه در پاییز سال ۱۳۹۷ ضمن دعوت از وزیر وقت علوم، تحقیقات و فناوری چندین مرکز تأسیس شده توسط خیران علم و فناوری را افتتاح کرد: مرکز مشاوره و درمان دانشگاه بیرجند؛ مرکز تحقیقاتی سیستم‌های هوشمند توان و انرژی در دانشگاه بیرجند، و سرای دانشجویان دانشگاه بیرجند. در سفر مذکور، وزیر محترم علوم، تحقیقات و فناوری کلنگ کارگاه‌های مهارت‌آموزی، کارآفرینی و اشتغال دانشگاه را نیز بر زمین زد.



بازدید وزیر محترم عطف از دانشگاه بیرجند

جمع‌بندی: توصیه‌هایی برای تأسیس بنیادهای حامی

علم و فناوری در ایران

فعالیت‌های خیرانه در عرصه آموزش، علم و فناوری زمینه‌ای فرهنگی و اجتماعی دارد. تجربه صد سال اخیر که گویای تمایل حاکمیت به تولید حداکثری امور است تا حد زیادی با رویه تاریخی فعالیت‌های نیکوکارانه ساکنان این سرزمین که بر موقعیت‌مندی کمک‌های خود تأکید داشته‌اند فاصله دارد؛ نکته‌ای بسیار مهم که باید همسو با اصل استقلال دانشگاه‌ها و بر پایه حمایت‌های محلی از آن بهره گرفت. حامیان غیردولتی مایل‌اند در ازای کمک‌های خود در سیاست‌گذاری و مدیریت دانشگاهی مشارکت داشته باشند و نیازهای محلی را پوشش دهند تا کمک‌های آنان مرهمی بر درد مردمان محلی و رافع مشکلاتشان باشد.

مسئولیت متقابل اجتماعی دانشگاه و جامعه ذیل‌الگوی دانشگاه‌های مستقل مدنی مقتضی حضور پررنگ خیرین در سیاست‌گذاری‌های دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و آموزش عالی است. شایسته است به چنین‌الگویی، به‌مثابه راه نجات آموزش عالی ایران در عرصه آموزش، پژوهش، استانداردهای دانشگاهی و توسعه علم و فناوری، در سیاست‌گذاری‌های آتی آموزش عالی ایران و شؤون متعدد ورود نظام‌مند جامعه مدنی در امر دانشگاه‌داری توجه جدی شود. نباید به خیرین و بنیادهای حامی

مراکز آموزش عالی به چشم نسخه‌های موقتی برای مواقع بحران نگریست. تجربه بنیادهای حامی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در ده سال اخیر و تسهیل‌گری‌های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و ستاد خیرین آن نقطه‌امیدی برای آغاز راهی جدید در مدیریت آتی مراکز آموزش عالی است مشروط بر آنکه معطوف به استقلال دانشگاه‌ها باشد و موانع پیش‌روی آن گام‌به‌گام و مستمر شناسایی و برداشته شود.

فصل ۴

راهبردهای توسعه بنیادهای حامی علم و فناوری

مقدمه

عوامل معمول مؤثر بر بهره‌وری هر طرح و پژوهشی «فیزیکی» یا «روانی» است. عوامل فیزیکی مجموعه‌ای از عناصر ملموس، عینی و قابل اندازه‌گیری است و عوامل روانی سازهایی غیرمادی و غیرملموس‌اند. انرژی، فناوری و ابزارهای زیرساختی و حمایتی، مثل ساختمان و تجهیزات جانبی، انبارها، سیستم‌های حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای و هوایی، از عوامل متعدد فیزیکی در تعریف و میزان پیش‌برد طرح‌های عمومی و پژوهشی به حساب می‌آیند. برخی از مصادیق تأثیر عوامل روانی را نیز می‌توان در الگوهای نظام ارتباطی، الگوهای رفتاری مدیریتی و کارکنان، فرهنگ سازمانی، انگیزه‌ها، سطح کنش‌های بین‌فردی و بین

کارکنان، سطوح اختیار و مسئولیت، همکاری و مواردی از این دست مشاهده کرد.

بدیهی است توجه به موارد یادشده برای تأسیس بنیادهای حامی علم و فناوری یا اجرای کارهای خیر وابسته به امور آموزشی و پژوهشی ضرورت دارد. با توجه به فقر نسبی بنیادهای حامی آموزش عالی در ایران و اکثر کشورهای اسلامی هر طرح و ایده‌ای در زمینه آموزش و پژوهش واجد خلاقیت و ابداع است که در میان سازمان‌ها و نهادهای خیریه مشابه نمونه ندارد. بنابراین، به‌مثابه طرحی تازه که سابقه تاریخی چندانی ندارد باید به سایر سازمان‌ها، انجمن‌ها و بنیادهای نیکوکاری نظر داشت و از عوامل فیزیکی و روانی بهره گرفت. طبیعتاً، کار خیر مربوط به حوزه آموزش را در وهله اول خیران همیشگی یا دولت‌ها انجام می‌دهند.^۱

ایجاد فرآیندی ارتباطی میان «بنیادها و خیریه‌های عمومی» و «بنیادهای حامی علم و فناوری» با این هدف که با استفاده از قابلیت‌های بنیادها و خیریه‌های عمومی بنیادهای حامی علم و فناوری را به عرصه‌های جدید وارد کنیم و به حداکثر بهره‌وری برسانیم نیازمند شناخت و تعیین حوزه‌هایی است که بنیادهای مذکور را برای تحول، تغییر، ابتکار و انعطاف توانا سازد.

سازمان‌های پیش‌رو اصرار دارند به واسطه ایجاد محیط و مدیریتی مناسب زمینه‌های تفکر خلاق و مبتکرانه را فراهم آورند. موضوع تأسیس و گسترش بنیادهای حامی علم و فناوری نیز از این قاعده مستثنا نیست ولی مسئله این است که عناصر و

۱. الگوهای متعددی از این همکاری در فصل اول همین کتاب معرفی شده است.

ویژگی‌های محیطی (اعم از عوامل فیزیکی و روانی) باید چه مصادیقی داشته باشند تا خیریه‌های آموزشی را به واسطه آنها بنا نهیم، به بقا و دوامشان در جامعه امیدوار باشیم، آنها را اداره کنیم و به‌منظور بهره‌وری حداکثری در امور خیریه کشور به کار گیریم. در ادامه، راهبردهایی برای برنامه‌ریزی در طراحی بنیادهای حامی علم و فناوری و گسترش آنها آورده‌ایم. هر راهبرد توضیح مختصری نیز دارد که ممکن است ساده و قابل دسترس به نظر آید. در واقع، ایجاد بنیادهای حامی علم و فناوری موضوعی پیچیده و شگفت‌انگیز نیست اما در عمل مستلزم عزمی جدی و مستمر است. در این تحقیق نمونه‌های بسیاری از خیریه‌های آموزشی غربی و اسلامی را بررسی را کردیم که راهبردهای ذیل بر مبنای اصول و قابلیت آنها تنظیم شده است. با وجود سادگی ظاهری راهبردها، مطمئن‌ایم عمل به آنها برای ایجاد خیریه‌های آموزشی مفید و مؤثر خواهد بود.

پیش از پرداختن به راهبردها، ذکر یکی - دو نکته کلی ضرورت دارد: نکته اول توجه به الگوی تحول در امور خیریه و بنیادهای نیکوکاری است. گفتیم که سابقه خیریه‌های آموزشی و بنیادهای حامی علم و فناوری در ایران کوتاه و کم‌رنگ است. متأسفانه خیران و نهادهای خیریه تا دوره معاصر کمتر به موضوع آموزش توجه داشته‌اند و کار خیر به همان شیوه سنتی که غایت آن وقف دینی بروز بوده محدود بوده است. نظر به این موضوع، مدیران، کارشناسان، سیاست‌گذاران و منتقدان کشور نخست باید به ایجاد تحول و تغییر در دیدگاه‌های رایج خیران و سازمان‌ها و

انجمن‌های خیریه و بنیادهای نیکوکاری بیندیشند و به فرهنگ‌سازی و متقاعد کردن خیران به حمایت از مطالعات و آموزش‌های پیشرفته علم و فناوری اولویت دهند.

توسعه سازمان‌های خیریه و بنیادهای نیکوکاری و به تبع آن تحوّل در بهره‌وری آنها مستلزم توسعه همه‌جانبه سرمایه فکری افراد و وجود افراد معتقد به تحوّل و ایجاد ساختارهای جدید در سازمان‌های خیریه است. مهم‌ترین هدف الگوی تحوّل آگاه‌سازی خیران و مسئولان نهادهای خیریه درباره خیریه‌های آموزشی و بنیادهای حامی علم و فناوری کشور، آموزش نوین درخصوص خیریه‌های آموزشی و رشد بخشیدن به کسانی است که با موضوع خیریه در سازمان‌ها سروکار دارند. شناخت موقعیت‌ها و فرصت‌های کار خیر در معنای عمومی آن و همچنین نیازهای سازمانی خیریه‌ها کمک می‌کند ارتباط معناداری میان منابع انسانی در خیریه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط برقرار شود و الگوی تحوّل برای انطباق میان خیریه‌های عمومی و بنیادهای حامی علم و فناوری به شکل اثربخش‌تری عمل کند.

نکته مهم دیگر، سعی در ایجاد جامعه خیر توانا برای شناخت مشکلات و مسائل محلی و ارجاع آنها به آموزش عالی، به‌مثابه نیروی قدرتمند تشخیص و حل مشکلات، است. در اینجا مسئله‌یابی و شناخت مسئله موضوع مهمی است که به قدرت تفکر و توانایی فردی و جمعی جوامع (اعم از جوامع انسانی و سازمانی) نیازمند است. به عبارت دیگر، اینکه بتوانیم مشکل و مسئله را به‌درستی بیابیم و بشناسیم امری مستقل و راهبردی برای توسعه امور، از جمله خیریه‌هاست. با آسیب‌شناسی می‌توانیم افراد

خیر را به گونه‌ای آگاه کنیم که هدف خیریه‌ها و بنیادهای نیکوکاری مشخص و نیل به آنها میسرتر شود. سازمان‌های خیریه و بنیادهای نیکوکاری عمومی و بنیادهای حامی علم و فناوری باید بدانند چگونه چارچوب‌ها و فضاهایی ایجاد کنند تا کارکنان آنها بتوانند خلاقیت، دانش و کاردانی خود را به درستی به افعال بهره‌ورانه بدل کنند. برآورده شدن چنین انتظاری - چنان که گفتیم - مستلزم شناخت مسائل و مشکلات است.

عناصر دیگری هم در تشخیص درست و مسئله‌یابی دخیل‌اند که از آن جمله است آموزش دیدگی خیران و سیاست‌گذاران و برخورداری آنان از توان حرفه‌ای و تخصصی. اگر خیران به آموزش‌ها و آگاهی‌های کافی مجهز و با مشکلات و مسائل جامعه درگیر باشند دقت بیشتری در سرمایه‌گذاری و راه‌های نیل به مطلوب خواهند داشت. به عبارت دیگر، بهره‌وری بیشتر خیریه‌های عمومی با استفاده از زیرمجموعه‌های تخصصی‌تر، چون بنیادهای حامی علم و فناوری، نه تنها مستلزم وجود زمینه‌های بروز خلاقیت و توانمندی کارکنان از طریق آموزش است بلکه باید هم کارکنان عادی و هم سیاست‌گذاران و سازمان‌های مربوطه بدانند که بنیادهای حامی علم و فناوری را با چه موقعیتی، چگونه و مهم‌تر از همه با پرهیز از چه موانعی تأسیس کنند و به کار گیرند.

نکته آخر درباره ضرورت تحول در روش‌های مدیریتی خیریه‌ها و بنیادهای حامی علم و فناوری در دنیای امروز است. امروزه بنیادهای نیکوکاری مردمی نه بخشی مکمل دولت‌ها بلکه هویتی جایگزین دولت‌ها در امور اجتماعی و تخصصی‌اند. کار

دولت‌ها سیاست‌گذاری است نه اجرا. در این چارچوب دانشگاه و جامعه همواره رابطه‌ای دوسویه دارند؛ دانشگاه از جامعه مطالباتی دارد و جامعه هم از دانشگاه و هر کدام نیازهای دیگری را برطرف می‌کند. اگر جامعه از دانشگاه انتظار دارد به مشکلات آن توجه کند دانشگاه نیز متقابلاً چنین انتظاری دارد. لذا، طبیعی است که دانشگاه و جامعه به نیازهای یکدیگر توجه کنند تا زمینه سرریز خدمات دانشگاه در محیط‌های عمومی و بومی فراهم آید. رابطه دانشگاه و جامعه زمینه استقلال دانشگاه را فراهم می‌آورد که بسیار مهم است.

بر اساس تجربه‌ها^۱، بنیادهای حامی دانشگاه‌های ایران در شرایط سخت اقتصادی کارایی بهتری داشته‌اند بدین نحو که در دوران بحران اقتصادی فعالیت بنیادها برای جذب کمک‌های مردمی از دوران عادی یا دوران شکوفایی اقتصادی بهتر بوده است، گویی جذب کمک‌های مردمی و نهادهای خیریه حامی علم و فناوری هنوز به راهبردی پایدار برای مدیریت مراکز آموزش عالی، تضمین استقلال دانشگاه‌ها، ارتقای علم و فناوری در ارتباط با جامعه محلی و نظام علم و فناوری کشور، و اجرای

۱. برای مثال، بنیاد دانشگاهی فردوسی در سال ۱۳۹۱ که دولت با کسری بودجه مواجه بود و سیاست کاهش بودجه سایر وزارتخانه‌ها، از جمله وزارت عتف، را پیش گرفته بود مبلغ ۲,۶۹۵,۹۰۰,۰۰۰ تومان، در سال ۱۳۹۲ مبلغ ۱۱,۹۶۳,۱۶۴,۰۰۰ تومان، در سال ۱۳۹۳، مبلغ ۶,۱۵۵,۵۵۱,۰۰۰ تومان کمک مردمی جذب کرد اما در سال ۱۳۹۴ مبلغ ۴,۰۷۵,۵۶۸,۰۰۰ تومان، در سال ۱۳۹۵ مبلغ ۱,۳۵۲,۷۴۰,۰۰۰ تومان و در سال ۱۳۹۶ مبلغ ۱,۸۴,۵۷۰,۲۰۰ جمع‌آوری کرد؛ روندی که نوسان فعالیت بنیاد را متناسب با سال‌های خوش و ناخوش اقتصادی دولت و بی‌توجهی به جایگاه بنیاد را در سیاست‌گذاری‌های اصلی دانشگاه فردوسی نشان می‌دهد؛ وضعیتی که درباره دیگر بنیادها نیز صدق می‌کند.

مسئولیت اجتماعی دانشگاه بدل نشده است؛ موضوعی که سیاست‌گذاران این حوزه باید مدبرانه به اصلاح آن بیندیشند، راهکارهای تغییر ذهنیت‌ها را بیابند و اجرا کنند.

مقوله مدیریت بنیادهای حامی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی نه از سنخ مدیریت بنیادهای عمومی بلکه از سنخ ویژه است و دانش و مهارتی خاص می‌طلبد. لذا، صرف تحصیلات مذهبی، فقهی و حتی دانشگاهی برای مدیریت مجموعه آموزش عالی کفایت نمی‌کند و برای آن باید به برنامه‌های متعدد، اعم از برنامه‌های توسعه، نظام پایش و آمایش آموزش عالی و مهارت‌های مدیریتی برای بهره‌وری نظام‌مند و مستمر از جامعه مدنی و بنیادهای خیریه توجه کرد. بدیهی است به پشتوانه مدیریتی محافظه‌کار مطالبه و اجرای خلاقیت و نوآوری در این عرصه ممکن نیست. حوزه مدیریتی خیریه‌ها و بنیادهای نیکوکاری هم زمینه‌ای اساسی برای رشد و پرورش ایده‌ها و دیدگاه‌های جدید است و هم به‌مثابه انگیزه‌ای برای ایجاد خلاقیت و نمود آن در تأسیس بنیادهای حامی علم و فناوری است. نحوه اداره سازمان ایده‌ها و خلاقیت‌های جدید را در بنیادهای حامی علم و فناوری هدایت می‌کند. حضور افراد خلاق و سازنده و همچنین افراد دارای سابقه آموزشی - مدیریتی در رأس اداره بنیادهای حامی علم و فناوری عاملی ایجاد انگیزه و افزایش عملکرد اعضای بنیادهاست اما زمانی اتفاق می‌افتد که فرآیندهای سازمانی روند رو به نزول مدیریت سنتی را در خیریه‌های کشور خنثا کنند یا به حداقل برسانند. سیاست‌گذاران و مدیران ارشد در خیریه‌های عمومی

کشور باید با جذب و به‌کارگیری مدیران کارشناس در حوزه آموزش خود را توانمند و بر مشکلات مدیریت سنتی در حوزه خیریه‌ها غلبه کنند؛ باید به ایده‌پردازان و کارکنان خلاق فرصت حضور دهند و به راه‌اندازی سیستم‌های کاری زیر نظر آنان و بهتر کار کردن گروه‌های کاری کمک کنند؛ از مخاطره‌های تحول در مدیریت نترسند و به گروه‌های تحت نظرشان اجازه بازتولید تجارب آموزشی را در فعالیت‌های مربوط به بنیادهای حامی علم و فناوری بدهند.

ضمن توجه به موارد یادشده اکنون به بیان جزئیات دیگری در زمینه اولویت‌ها در تأسیس خیریه‌های آموزشی در ایران می‌پردازیم. در ادامه، فهرست‌وار راهبردهایی را با در نظر گرفتن مسائل اداری، اجرایی، قانونی و آموزشی بیان می‌کنیم. در راهبردها، چنان‌که اشاره کردیم، خیریه‌های آموزشی دیگر کشورها را در نظر گرفته و تلاش کرده‌ایم به اولویت‌های کشورمان توجه کنیم.

راهبردها

۱. همسو کردن اهداف بنیادهای حامی علم و فناوری با اهداف کلی

بنیادهای نیکوکاری

کسانی که مسئولیت تأسیس بنیادهای حامی علم و فناوری را بر عهده می‌گیرند باید در نخستین گام برای همسو کردن اهداف بنیادها و دیگر خیریه‌های عمومی کشور تلاش کنند. درست است که لوازم و مقدمات تأسیس چنین بنیادهایی قدری متفاوت با اهداف و کارکردهای دیگر خیریه‌ها به نظر می‌رسد ولی توجه کنیم که تقریباً در همه دنیا و هر جا که ردپایی از خیریه‌های

آموزشی و بنیادهای حامی علم و فناوری است میان انواع خیریه‌ها تفکیک و تمایز جدی وجود ندارد. به عبارت دیگر، کشورهای دیگر ایجاد و گسترش بنیادهای حامی علم و فناوری را در ساختار و نظام کلی خیریه‌های خود قرار داده و بدین ترتیب به جامعه، مخاطبان و خیران خود یادآوری کرده‌اند که بنیادهای حامی علم و فناوری و فعالیت‌های خیرانه در این عرصه نیز از انواع کارهای خیر به شمار می‌آید که تعلق داشتن یا نداشتن به آن نه موجب برتری کار خیر می‌شود نه سبب کسر شأن خیران خواهد بود. همسو کردن اهداف بنیادهای حامی علم و فناوری و خیریه‌های آموزشی با دیگر اهداف انواع خیریه‌ها به سیاست‌گذاران و مدیران بنیادهای حامی علم و فناوری فرصت استفاده از خیران جامعه و پیش‌برد اهداف و برنامه‌های خود را در مسائل آموزشی و پژوهشی داده است.

۲. اصلاح قوانین و مصوبات دولتی و مالیاتی

بسیاری از کشورها برای تسهیل فعالیت بنیادهای حامی علم و فناوری و تأمین نیازهای آنها قانون‌گذاران را هم در سطح کشوری و هم در سطح سازمانی ملزم به تدوین لوائح، قوانین و مصوباتی کرده‌اند که فعالیت‌های بنیادها را کمتر با موانع دولتی و مالیاتی مواجه کند. به عبارت دیگر، کشورها به دلیل اهمیت خیریه‌های آموزشی و فواید آنها امتیازاتی را به بنیادهای حامی علم و فناوری اعطا می‌کنند که دیگر سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و غیردولتی از آن محروم‌اند.

بنابراین، پیشنهاد می‌کنیم مؤسسان بنیادهای خیریه حامی علم و فناوری چنین امتیازی را به‌مثابه امری اساسی از دولت و مجلس مطالبه کنند و حسب تجربیات جهانی و اقتضائات داخلی

راهکارهایی اجرایی به نهادهای قانون‌گذار پیشنهاد دهند. اصلاح مصوبات قانونی برای جذب حداکثری کمک‌های داخلی و بین‌المللی، انتقال پول، تبدیل دارایی‌های غیرمالی به مالی و غیره از موارد درخور توجه در این حوزه است.

خوشبختانه، مجلس شورای اسلامی قانون معافیت مالیاتی بنیادهای خیریه را با توجه به ضرورت تدوین قوانین حمایتی به شرح زیر تصویب کرده است:

قانون مالیات‌های مستقیم (درخصوص معافیت خیرین،

ماده ۱۳۹، اصلاحی ۱۳۹۴/۴/۳۱)

ح) آن قسمت از درآمد موقوفات عام که طبق موازین شرعی به مصرف اموری از قبیل تبلیغات اسلامی، تحقیقات فرهنگی، علمی، دینی، فنی، اختراعات، اکتشافات، تعلیم و تربیت، بهداشت و درمان، بنا و تعمیر و نگهداری مساجد و مصلاها و حوزه‌های علمیه و مدارس علوم اسلامی و مدارس و دانشگاه‌های دولتی، مراسم تعزیه و اطعام، تعمیر آثار باستانی، امور عمرانی و آبادانی، هزینه یا وام تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان، کمک به مستضعفان و آسیب‌دیدگان حوادث ناشی از سیل، زلزله، آتش سوزی، جنگ و حوادث غیرمترقبه دیگر برسد، مشروط بر اینکه درآمد و هزینه‌های مزبور به تأیید سازمان اوقاف و امور خیریه رسیده باشد، و همچنین ساخت، تعمیر و نگهداری مراکز نگهداری کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در گروه‌های سنی و جنسی مختلف، مراکز نگهداری و مراقبت سالمندان، کارگاه‌های حرفه‌آموزی و اشتغال مصدومین ضایعه نخاعی، معلولین جسمی و حرکتی، زنان سرپرست خانوار و

دختران خودسرپرست، مراکز آموزش، توان بخشی و حرفه آموزی معلولان ذهنی و کودکان نابینا، کم بینا، کم شنوا و ناشنوا و سایر مراکز و اماکنی که بتوانند در خدمت مددجویان سازمان های حمایتی بهزیستی کشور قرار گیرند از پرداخت مالیات معاف است.

تبصره) مفاصاحساب هایی که توسط شعب تحقیق موضوع ماده ۱۴ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان حج و اوقاف و امور خیریه مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲ صادر شده یا می شود اگر در مهلت مقرر مربوط به تسلیم اظهارنامه به سازمان امور مالیاتی کشور ارائه شود برای برخورداری از هرگونه معافیت مالیاتی مقرر در این قانون یا سایر قوانین به منزله اظهارنامه مالیاتی مؤدی تلقی می شود. همچنین در مورد سال های قبل از ابلاغ این قانون، در صورتی که مفاصاحساب مربوط تا پایان سال ۱۳۹۴ به سازمان امور مالیاتی ارائه شود به منزله اظهارنامه مالیاتی خواهد بود.

ط) کمک ها و هدایای دریافتی نقدی و غیر نقدی مؤسسات خیریه و عام المنفعه که به ثبت رسیده اند مشروط بر اینکه به موجب اساسنامه آنها صرف امور مذکور در بند ح این ماده شود و سازمان امور مالیاتی کشور بر درآمد و هزینه های آنها نظارت کند از پرداخت مالیات معاف است.

تبصره) کمک های نقدی و غیر نقدی ای که در هر سال مالی به مصرف نرسیده باشد بدون تعلق مالیات به سال مالی بعد منتقل می گردد.

۳. تعیین و تهیه بودجه های ثابت و غیر ثابت

کمتر جایی را در دنیا سراغ داریم که برای حمایت از بنیادهای حامی علم و فناوری ردیف بودجه ثابت و مستقل اختصاص داده باشند. دلیل این امر آن است که بنیادها در کشورهای پیشرفته

ضمن استفاده از امتیازات دولتی و قانونی بسیار معمولاً خصوصی اداره می‌شوند و سعی دارند در وهله نخست بودجه‌های موردنیاز را خود تدارک ببینند. در عین حال، چند نکته را باید در نظر بگیریم: معمولاً دولت برای تأسیس و تجهیز بنیادهای حامی علم و فناوری در مراحل اولیه بودجه‌هایی می‌پردازد. بعد از آن، بودجه‌های فصلی و غیرثابتی نیز نصیب خیریه‌های آموزشی می‌شود که معمولاً دولت آنها را بنحو غیرمستقیم از طریق نهادهای آموزشی، پژوهشی، سازمان‌ها و مؤسسات بزرگ‌تر خیریه به خیریه‌های مذکور می‌رساند. به‌طور کلی، بودجه‌ها چشمگیر نیست ولی در هر حال برای ایجاد خیریه‌های آموزشی در ایران درخور توجه است.

پیشنهاد می‌کنیم ضمن مذاکره و مکاتبه برای بهره‌مندی از کمک‌های دولتی با نهادها و سازمان‌هایی چون آموزش و پرورش، سازمان اوقاف و بنیادهای علمی و فرهنگی خصوصی نیز برای تخصیص کمک‌های مالی در تأسیس خیریه‌های آموزشی مذاکره کنند.

۴. تنظیم آیین‌نامه‌های محلی

کشورها در تنظیم آیین‌نامه بنیادهای حامی علم و فناوری شرایط بومی، اقلیمی، مذهبی و ملی دانشگاه یا مرکز آموزش عالی خود را در نظر می‌گیرند. شایسته است در ایران نیز آیین‌نامه بنیادهای حامی دانشگاه‌ها را با توجه به اقتضات فرهنگی، دینی، قومی، زبانی، جغرافیایی و اقتصادی تنظیم و از دادن نسخه‌ای واحد به همه مناطق پرهیز کنند. توجه به تفاوت‌ها و لحاظ آنها در

آیین‌نامه‌های بنیادها اصلی‌ترین زمینه دعوت‌خیرین محلی و انتظار استمرار همکاری آنان است. الگوی مسئولیت متقابل دانشگاه و جامعه و محلی عمل کردن دانشگاه‌ها فقط در این زمینه میسر خواهد شد.

در تنظیم آیین‌نامه‌های محلی بنیادهای دانشگاهی مهم آن است که از اهداف و آیین‌نامه‌های بالادستی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری صرف‌نظر نشود. طبق برنامه آمایش آموزش عالی کشور، مأموریت هر دانشگاه محلی قطعه‌ای از پازل کلی آموزش عالی کشور است. لذا، در تعیین مأموریت‌های هر دانشگاه علاوه بر اقتضائات محلی، اقتضائات کلی و ملی را هم باید در نظر بگیریم.

۵. اصل تبلیغات

مقوله تبلیغات در جذب منابع مالی و معنوی و انسانی بنیادهای حامی علم و فناوری تا حدی مهم و بنیادی است که حتی کشورهای غربی که هم سابقه بیشتری در این زمینه دارند و هم با قدرت بسیار در این راه حرکت می‌کنند این مهم را در رأس کارهای خود قرار داده و به شیوه‌های متعدّد فرهنگ‌سازی می‌کنند. تبلیغات هدفمند رکنی اساسی در تشویق و تهییج مردم و خیران به مشارکت در گسترش خیریه‌های آموزشی و تقویت بنیادهای حامی علم و فناوری است. بعضی از کشورها در این زمینه از نظام‌های آموزشی و دانشگاهی خود برای تبلیغ و جذب مردم در مشارکت و کمک به اهدافشان بهره می‌گیرند؛ بعضی نیز با توجه به شرایط جامعه خود شعارهایی تبلیغاتی ساخته‌اند. در ایران با استفاده از آموزه‌های دینی و سخنان بزرگان علمی و فرهنگی

در زمینه علم و علم‌آموزی می‌توان این فرهنگ را رواج داد. بخش دیگری از تبلیغات را در این حوزه می‌توان به عرضه خدمات و فعالیت‌های بنیادهای نیکوکاری در حوزه علم و فناوری معطوف کرد. مسلماً، معرفی صحیح و روان‌شناسانه فعالیت‌ها موجب اقناع ذهنی خیرین و دیگر افرادی خواهد شد که امکان پیوستن به جرگه خیرین را دارند. برای چنین کاری، انتشار خبرنامه‌ها، ساخت تیزرهای کوتاه جذاب، انتشار عکس‌ها و کوتاه‌فیلم‌ها در فضای سایبری و همچنین معرفی بنیادهای حامی علم و فناوری و بنیادهای نیکوکاری محلی در مجلات و روزنامه‌های شرکت‌های هواپیمایی و ریلی و دیگر جاها در فرآیند برندینگ نهادهای نیکوکاری کمک شایانی خواهد کرد.

۶. مالیات بر درآمد

از دیگر راهکارهای کمک‌دهندگان به بنیادهای حامی علم و فناوری و خیریه‌های آموزشی تعیین مالیات بر درآمد است که در ایران نیز سابقه دارد. مجلس شورای ملی ایران در سال ۱۳۹۸ هجری شمسی مالیاتی ۲ درصدی بر هر مستمری ماهانه، ۱ قران بر یک سوم از هر تن محصول گندم و جو و بعضی از دیگر محصولات کشاورزی و همچنین از مالکیت زمین برای حمایت از مدارس عمومی وضع کرد تا به نحوی خود مردم و اصناف فرآیند توسعه مراکز آموزشی را سرعت ببخشند. درآمد حاصل از این راه در آن زمان ناچیز اما برای گسترش مراکز آموزشی کمک درخور توجه بود.

در پاسخ به انتقاد از اینکه در شیوه یادشده افراد جامعه مجبور به مشارکت در کار خیریه‌های آموزشی هستند و بنابراین لقب

«خیریه» بدان تعلق نمی‌گیرد باید بگوییم بسیاری از کشورها اخذ مالیات را حق قانونی و حتی اخلاقی نظام اداری خود می‌دانند و طبق آن مردم مکلف به تمکین در برابر قانون مربوط به پرداخت مالیات‌اند. لذا، اخذ مالیات برای گسترش بنیادهای حامی علم و فناوری و خیریه‌های آموزشی یا پرداخت حق خیریه به جای مالیات دولتی نیز از این قاعد مستثنا نیست. اگر افرادی از پرداخت مبلغی ناچیز به‌عنوان مالیات بر درآمد و برای مشارکت در گسترش بنیادهای حامی علم و فناوری رضایت نداشته باشند نارضایتی آنان به دلیل قانونی و اخلاقی بودن نظام مالیاتی موجه نیست. پیش‌تر بیان کردیم که چگونه برخی از کشورها با هدایت مالیات بر درآمد خود به سمت بنیادهای حامی علم و فناوری یا دیگر بنیادهای نیکوکاری رضایت شهروندان را جلب می‌کنند.^۱

۷. قراردادهای بین‌سازمانی

درست است که اساس کار خیر باید بر خواست داوطلبانۀ افراد باشد ولی تدارک زمینه اقدام به کار خیر درخصوص آموزش و پژوهش کمک زیادی به تصمیم‌گیری افراد و خیران و مشارکت داوطلبانۀ آنان در پیش‌برد اهداف بنیادهای حامی علم و فناوری خواهد داشت. همان‌طور که در قوانین عمومی و نظامی حضور نیروهای داوطلب در پشت جبهه برای استفاده بهینه از توان افراد رواج دارد استفاده از نیروهای داوطلب برای کمک به بنیادهای حامی علم و فناوری نیز رایج است. پیشنهاد می‌کنیم در ایران نیز همچون کشورهای غربی میان خود سازمان‌های خیریه یا مثلاً

۱. ر.ک به: فصل اول همین کتاب، مالزی

سازمان‌های خیریه و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا حوزه‌های علمیه تفاهم‌نامه‌ها و قراردادهایی عقد شود تا شرایط استفاده بنیادهای حامی علم و فناوری از نیروهای کارشناس شاغل در چنین سازمان‌هایی فراهم آید. چنان‌که گفتیم اساس قراردادها باید بر اختیار داوطلبانه افراد باشد. تجربه کشورهای غربی ثابت کرده است که مثلاً اجبار معلمان تحت نظارت دولت به عرضه خدمات آموزشی رایگان به کودکان بی‌سرپرست نتیجه معکوس دارد. بنابراین، ضمن پرهیز از هرگونه اجبار برای جذب حمایت و کمک افراد شاغل در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت آموزش و پرورش یا حوزه علمیه، می‌توان با امتیازات و تشویق‌هایی شرایط همکاری داوطلبانه آنان را با بنیادهای حامی علم و فناوری مهیا کرد.

۸. توسعه فقه خیریه

در بند پیشین به اهمیت استفاده از امکانات و قابلیت‌های حوزه علمیه در گسترش بنیادهای حامی علم و فناوری و فعالیت‌های آنها اشاره کردیم. نکته مهم دیگر استفاده از ظرفیت فقه اسلامی برای تبیین نظری فقه خیریه و گسترش آن است. فقه اسلامی به دلیل پویایی آن در شرایط جدید و متفاوت جامعه مدرن ظرفیت فعالیت در وجوه گوناگونی را چون تبیین، تبلیغ و شناساندن فقهی بنیادهای حامی علم و فناوری و کارکردهای آنها در جامعه دارد.

۹. استفاده از کمک نهادهای بین‌المللی

بسیاری از سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی که معمولاً از جانب کشورهای ثروتمند یا شرکت‌ها، نهادها و افراد شناخته‌شده معتبر بین‌المللی تأمین مالی می‌شوند به آموزش در سطح کلی آن و

آموزش زنان و دختران در سطح جزئی‌تر، به‌ویژه در کشورهای کمتر توسعه‌یافته، اهمیت می‌دهند و سالانه چندین میلیون دلار یا بیشتر را در کشورهای فقیر آفریقا و خاورمیانه به‌منظور گسترش آموزش عمومی و عالی و اعطای رایگان آن هزینه می‌کنند که از راه‌های تأمین بودجه و گسترش کمک‌های غیردولتی به آموزش عالی کشور است. لذا، می‌توانیم از طریق مکاتبه و مذاکره با نهادهای بین‌المللی شناخته‌شده و تسهیل سازوکار مشارکت آنها از کمک‌های مالی و پشتیبانی‌شان کمک بگیریم؛ مقوله‌ای که بایستی سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران کشور نیز بدان توجه ویژه کنند.

۱۰. توسعه فعالیت‌های بین‌المللی حامیان

در کنار ظرفیت‌های پیش‌گفته برای جذب کمک‌های مالی بین‌المللی، همکاری‌های علمی بین‌المللی خیران متخصص در جهان زمینه‌ای برای انتقال دانش و فناوری در کشورها و تبادلات علمی میان دانشگاه‌های جهان است. شایسته است دفاتر بین‌المللی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی کشور از چنین ظرفیتی برای انتقال دانش و فناوری و بهره‌گیری از آن در رفع مشکلات دانشگاه خود سود جویند. بدین منظور، بایسته است هم سیاست‌گذاران و مدیران و هم خیران دانشگاهی و بنیادهای حامی علم و فناوری در دانشگاه‌ها علاوه بر فعالیت‌های محلی و خرد به مسائل بین‌المللی، از جمله بورسیه پژوهشگران داخلی و اعزام آنان به خارج، اعطای کمک‌هزینه سفر و شرکت آنان در همایش‌های بین‌المللی و در نتیجه استفاده از نتایج آخرین پژوهش‌های دانشمندان، توجه کنند. مسلماً، چنین موضوعی یک‌سویه نیست. برای انتقال دانش و

فناوری شایسته است خیران و بنیادهای حامی علم و فناوری به تعاملات بین‌المللی پژوهشگران اهمیت دهند.

۱۱. ایجاد پایگاه اینترنتی، وبسایت و وبلاگ با هدف برندسازی و

تبلیغات و معرفی فعالیت‌ها

به‌منظور اطلاع‌رسانی به‌روز و برقراری ارتباط آسان با خیران و افراد علاقه‌مند به مشارکت در بنیادهای حامی علم و فناوری شایسته است پایگاه‌های اطلاعاتی‌ای تنظیم و از این طریق ارتباطات مردمی، به‌مثابه رکنی مهم برای موفقیت بنیادهای حامی علم و فناوری در جهان، گسترش یابد. پرداخت اعانه آنلاین، که در غرب به «دوئیشن» یا همان حمایت مالی معروف است، از راه‌های مهم توسعه و تقویت بنیادهای حامی علم و فناوری و جمع‌آوری کمک‌های مردمی است؛ شیوه‌ای که به شهروندان امکان می‌دهد کمک‌های ریز و درشت خود را به بنیادها برسانند و در توسعه علم و فناوری سهم داشته باشند. مبالغی که مثلاً مردم آمریکا از طریق وبسایت‌ها و وبلاگ‌های اینترنتی برای پیش‌برد اهداف بنیادهای حامی علم و فناوری هزینه می‌کنند در بعضی موارد به ماهانه چند ده میلیون دلار می‌رسد؛ الگویی که باید در کشور ما نیز بدان توجه شود.

۱۲. ایجاد و راه‌اندازی صندوق

چنان‌که گفتیم، در کشورهای غربی بنیادهای حامی علم و فناوری برای تهیه بودجه فعالیت خود معمولاً مستقل از دولت عمل می‌کنند و جز بودجه‌های ناچیز اولیه بیشتر به کمک‌های مردمی و بودجه‌های غیرثابت متکی‌اند. آنها برای این کار به تأسیس صندوق‌های مالی ویژه روی آورده‌اند؛ اقدامی که نمونه‌ای از آن را در «صندوق بنیاد

حامیان دانشگاه تهران» مشاهده کردیم. در ایران، غیر از راه‌اندازی صندوق و با توجه به بالا بودن سود بانکی از حساب‌های بانکی کوتاه‌مدت و بلندمدت روزشمار نیز می‌توانیم نظر داشته باشیم و از مبلغ سود برای مصرف بنیادهای حامی علم و فناوری کمک بگیریم. از آنجا که دریافت کمک‌های خرد و کلان خیران معمولاً دشوار و با محدودیت همراه است باید با استفاده از سازوکارهای شناخته‌شده و دردسترس جمع‌آوری کمک‌های شهروندان را آسان کرد. مثلاً، استفاده از دستگاه‌های خودپرداز و ایجاد امکانی در آنها برای جمع‌آوری کمک‌های کوچک مردمی دسترسی بیشتری را برای مردم عادی و استفاده از کمک‌های آنان به بنیادهای حامی علم و فناوری فراهم می‌کند. در شرایط فعلی، بنیادهای علم و فناوری ایران عمدتاً به کمک‌های درشت می‌اندیشند و به دنبال خیران متمول‌اند در حالی که در بسیاری از کشورها، از جمله آمریکا، بخش درخور توجهی از هزینه‌های جاری دانشگاه‌ها، از قبیل آب و برق، از طریق کمک‌های خرد مردمی به دست می‌آید.

۱۳. کمک به انتشار کتاب

شکل دیگری از حمایت‌های مدنی از مراکز آموزشی و پژوهشی که امروزه در کشورهای پیشرفته رایج است و در چند مورد در ایران نیز تجربه شده کمک به انتشار و پرداخت هزینه‌های چاپ کتاب است. بدین ترتیب، افرادی که مایل‌اند کمک‌هایشان در امور آموزشی و گسترش دانش صرف شود کمک‌های خود را به ناشران دریافت‌کننده خیریه می‌دهند. برای نمونه، «مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب» در

تهران برخی از کتاب‌هایش را از همین مجرا منتشر می‌کند. شایسته است با تبلیغات مؤثر، خیران بیشتری را بدین نوع حمایت تشویق کنیم.

۱۴. جلب حمایت ایرانیان خارج از کشور

آمارهای وزارت خارجه و دیگر مراکز و نهادهای رسمی و غیررسمی کشور گویاست که تعداد بسیاری از ایرانیان مقیم خارج از کشور از سطح تحصیلات عالی برخوردار و در دانشگاه‌های معتبر دنیا به تدریس و تحقیق مشغول‌اند یا منصبی ویژه دارند. با توجه به احساس تعلق این بخش از جامعه ایرانی به سرزمین مادریشان و توجه آنان به تعلیم و تعلم، همچنین برخورداری بیشتر آنان از رفاه مالی و اجتماعی شایسته است برای جذب کمک‌های مالی و مشورتی آنان در گسترش بنیادهای حامی علم و فناوری سرمایه‌گذاری شود. همچنان‌که ایرانیان مقیم خارج از کشور در هنگام وقوع حوادث طبیعی، چون زلزله شهرستان بم، کمک‌های مالی و همدلی خود را دریغ نکردند امکان استفاده از کمک‌های آنان در سرمایه‌گذاری در خیریه‌های آموزشی و مسائل مربوط به آموزش و پژوهش، به‌ویژه در مناطق محروم و دورافتاده کشور، نیز مهیاست.

۱۵. هدایت بنیادهای حامی علم و فناوری به سمت بنیادهای حامی

دانشگاه کارآفرین

هیئت امنای بنیادهای دانشگاهی می‌توانند بخش درخور توجهی از برنامه‌های کارآفرین و اشتغال‌زا برای فارغ‌التحصیلان را به بخش خصوصی هدایت کنند. برگزاری دوره‌های عملی حین تحصیل و اختصاص بخشی از تحصیل به ارتباط با بازار کار، که بعضاً در ارتباط با خیران حوزه صنعت است، چنین هدفی را میسر می‌کند. بدین منظور، بایسته است سیاست‌گذاران هیئت امنای دانشگاه‌ها

راهبردهای توسعه بنیادهای حامی علم و فناوری / ۲۰۷

نظام آموزشی را چه در نوع رشته‌ها و چه در محتوای درسی آنها به‌طور جدی اصلاح کنند.

۱۶. مشارکت کارشناسان و خانواده‌های متمول در سرپرستی تحصیلی

دانشجویان نیازمند در قالب‌های معین

تجربه شهرهای دانشگاهی در جهان و ایران گویای آن است که می‌توان از ظرفیت چندفرهنگی خانواده‌های متمول محلی برای میزبانی دانشجویان بی‌بضاعت و حتی بین‌المللی برای کاهش هزینه‌های دانشگاه سود جست. تجربه دانشگاه پهلوی (شیراز)، مبنی بر همکاری خانواده‌های سرشناس شهر با دانشگاه و میزبانی از دانشجویان خارجی و نیازمند داخلی می‌توان برای حال و آینده ما نیز کارگر باشد.

۱۷. توجه به روابط عاطفی میان فارغ‌التحصیلان

انجمن فارغ‌التحصیلان دانشگاهی امروزه بخش مؤثر دانشگاه‌های قدرتمند جهان در موضوعاتی چون هویت‌یابی، دریافت کمک‌های مالی و توسعه علم و فناوری است. امروزه بسیاری از دانشگاه‌ها با حفظ ارتباط خود با فارغ‌التحصیلان تلاش دارند از مزایای متعددی چون اقبال دوباره خانواده فارغ‌التحصیلان به دانشگاه، ارتباط پژوهشی، خرید دانش و خدمات مشاوره‌ای و فناوری از دانشگاه مذکور و دریافت کمک‌های نقدی و غیرنقدی فارغ‌التحصیلان در مناسبت‌ها بهره ببرند؛ سیاستی که با تأسیس و تقویت انجمن فارغ‌التحصیلان در دانشگاه‌های ایران و راهبردهای علمی و روان‌شناسانه گروه‌های مجرب برای ارتباط فارغ‌التحصیلان و بنیادهای دانشگاهی اجرا می‌شود.

دانشگاه پرینستون نمونه‌ای از دانشگاه‌های متکی به الگوی یادشده است که شهرت زیادی در درخواست کمک مالی از فارغ‌التحصیلان

خود دارد و بالاترین میزان کمک را، معادل ۵۹/۲ درصد از بودجه خود، در میان دانشگاه‌های ملی جمع کرده است. در سال ۲۰۰۸، بیش از ۳۳ هزار فارغ‌التحصیل مقطع لیسانس حدود ۴۳/۶ میلیون دلار به دانشگاه پرینستون کمک کردند. به دلیل مهارت بالای دانشگاه در جمع‌آوری کمک مالی، بیشتر از ۵۰ درصد از بودجه عملیاتی آن از خیران و صندوق پشوانه مالی تأمین می‌شود.

۱۸. تنظیم فعالیت بنیادهای حامی علم و فناوری با نیازهای محلی و تلاش برای اعتمادسازی میان جامعه و مراکز آموزشی و پژوهشی و

رفع نیازهای محلی

با توجه به تجربه موفق جهانی شایسته است فعالیت بنیادهای محلی حامی دانشگاه‌های شهرستان‌ها متناسب با نیازهای محلی تنظیم و اختیار آنها به هیئت‌امنا و خیران محلی واگذار شود. چنین امری مستلزم استقلال نسبی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی در تنظیم برنامه‌های آموزشی و پژوهشی متناسب با نیازهای جامعه و تحولات پیش رو در عین توجه به برنامه کلی آمایش آموزش عالی است.

۱۹. اعطای بورسیه تحصیلی به دانشجویان بی‌بضاعت

دانشجویان بی‌بضاعت مشروط بر اینکه کمک‌ها را در آینده پس از دریافت شغل و کسب درآمد جبران کنند و حامی آتی دانشگاه محل تحصیل خود شوند از بورسیه‌های تحصیلی، اعم از بورسیه‌های رفاهی، علمی و تحقیقاتی، برخوردار می‌شوند. چنان‌که در الگوی بنیاد دانشگاهی فردوسی و بنیادهای مشابه خارجی دیدیم، تعهد به بنیادهای خیریه کمک می‌کند بخشی از منابع مالی خود را از میان محصلان پیشینی به دست آورند که به کمک بنیادها ارتقای هویتی و شغلی یافته‌اند. چنین فرآیند درواقع

راهبردهای توسعه بنیادهای حامی علم و فناوری / ۲۰۹

از سازوکار بورسیه‌های تحصیلی پیروی می‌کند و طرفداران زیادی در سراسر دنیا دارد.

درخصوص همین رویه، برخی از سازمان‌های غیرانتفاعی، مانند کلینیک کلیولند، به ازای خدمات عرضه‌شده به هر فرد کمک مالی دریافت می‌کنند اما از افرادی که در گذشته خدمات استفاده کرده‌اند نیز کمک مالی می‌گیرند. این الگو را «الگوی متکی بر دریافت‌کنندگان خیریه» می‌نامیم. برای مثال، در بیمارستان‌ها و دانشگاه‌ها افرادی که روزگاری از خدمات خیریه بیمارستانی یا دانشگاهی استفاده کرده‌اند پس از برطرف شدن نیازهایشان و رسیدن به جایگاه اجتماعی و اقتصادی مطلوب به مراکز یاری می‌دهند. امروزه بسیاری از خیرین جهان خود زمانی دریافت‌کننده کمک‌های خیریه‌ها بوده‌اند و لذا بنیادهای حامی علم و فناوری و خیریه‌ها باید نشانی دریافت‌کنندگان کمک‌های خود را تا رسیدن به وضعیت مطلوب داشته باشند.

۲۰. دریافت کمک شرکت‌های صنعتی و فرهنگی

به‌منظور مشارکت بیشتر شرکت‌های صنعتی و حتی فرهنگی و اجتماعی حامی علم و فناوری می‌توان ویژه‌برنامه‌هایی در جمع اصحاب دانش و بزرگان دانشگاهی و دانشجویان برگزار کرد. مراسمی چون «شبی با قلم‌چی»، «روزی با مؤسسه گلرنگ» یا «شبی با صنعت فولاد» ضمن قدردانی از همیاری‌ها زمینه مشارکت علمی بیشتر شرکت‌ها و ورود شرکت‌های مشابه را به عرصه خیریه فراهم و این نوع از همکاری‌ها را به ارزشی بنیادین بدل می‌کند.

۲۱. استفاده از ظرفیت ارزش‌های احساسی جامعه

برخی از سازمان‌های غیرانتفاعی، مانند بنیاد Make a Wish (یک آرزو بکن)، با تمرکز بر روابط احساسی انسان‌ها تلاش دارند در زمینه تحقیقات محیط‌زیست، بین‌الملل و سلامت و استفاده از ظرفیت‌های دینی، گرایش‌های سیاسی یا علایق ورزشی افراد طرف رابطه سازمان‌های خیریه راه‌اندازی کنند. این سازمان‌ها در مراسم‌ها به طور ساده و شفاف افراد را با هم آشنا و کمک‌های مالی آنان را جمع‌آوری می‌کنند. بنیاد سوزان جی کومن نمونه‌ای از این قبیل سازمان‌هاست که از الگوی رابطه‌های احساسی استفاده می‌کند. هدف بنیاد کومن که در سال ۱۹۸۲ تأسیس شده ریشه‌کن کردن سرطان سینه، به‌مثابه بیماری‌ای مهلک، است. بنیاد در سراسر دنیا از تحقیقات پزشکی، طرح‌های پژوهشی، آزمایش (غربالگری)‌ها و درمان‌ها کمک مالی می‌کند و به زنان درخصوص اهمیت تشخیص زودهنگام بیماری و غیره آموزش می‌دهد. میزان جمع‌آوری کمک‌های سالانه سازمان کومن بین سال‌های ۱۹۷۷ تا ۲۰۰۷ از ۴۷ میلیون به ۳۳۴ میلیون دلار افزایش یافته است. متوسط کمک‌های فردی در سطح بسیار پایین و در حدود ۳۳ دلار از طریق برنامه رابطه‌های احساسی بوده است. در زمینه ورزش، بنیاد و سازمان‌های وابسته آن سالانه حدود ۱۲۰ مسابقه ورزشی دو با حضور بیش از یک میلیون شرکت‌کننده برگزار کرده‌اند. این مراسم داوطلبان را به مشارکت دعوت و به تشکیل گروه و جذب کمک‌های مالی تشویق می‌کند.

۲۲. سامان‌دهی به شبکه‌های حامیان

تعدادی از سازمان‌های غیرانتفاعی، همچون سازمان Big Brothers-Big Sisters (برادران بزرگ - خواهران بزرگ)، با ایجاد شبکه‌ای ملی در داخل کشور از افراد محله‌ها و منطقه‌ها توسعه پیدا کرده‌اند. سازمان‌های غیرانتفاعی‌ای را که از چنین الگویی استفاده می‌کنند «اجراکننده در سطح محله ولی در سراسر کشور» نامیده‌اند. این سازمان‌ها در خصوص مسائلی مانند مدارس با شرایط بد یا بچه‌های نیازمند بر الگویی مناسب در میان بزرگسالان متمرکز می‌شوند. مشکلات مذکور در انجمن‌های محلی اهمیت زیادی دارد چرا که با شناسایی دقیق مشکلات می‌توانند آنها را به کمک ساکنان محله حل کنند. بنابراین، بیشتر کمک‌های مالی این سازمان‌ها از محلات جمع‌آوری می‌شود و دولت مقدار کمی به آنها کمک می‌کند. سازمان غیرانتفاعی آموزش برای آمریکا نمونه‌ای از سازمان‌هایی است که از الگوی اجراکننده در سطح محله ولی در سراسر کشور استفاده می‌کنند. سازمان آموزش برای آمریکا فارغ‌التحصیلان جدید دانشگاه‌ها را جذب می‌کند، آموزش می‌دهد و در مدارس کشور مستقر می‌کند. این سازمان در سال ۱۹۸۹ تأسیس شد و تا سال ۲۰۰۷ به درآمد سالانه بیش از ۹۰ میلیون دلار رسید. ۲۶ دفتر محلی دارد که بیش از ۷۵ درصد از کمک‌های مالی را جمع می‌کنند. رمز موفقیت سازمان این است که بیانیهٔ مأموریتش (بهبود کیفیت سیستم آموزش دوازده‌مرحله‌ای) به دغدغه‌های کمک‌کنندگان مالی هم توجه دارد. جمع‌آوری کمک مالی برای سازمان دارای

جنبه‌ای حیاتی است و برای این کار از مدیران اجرایی هر منطقه استفاده می‌کند.

۲۳. فراخوان جذب ایده‌های برتر

به منظور بهره‌گیری از پژوهش‌ها، تجربیات عملی، خلاقیت‌های فردی و سازمانی، شناسایی ایده‌های جدید و برتر در حوزه بنیادهای حامی علم و فناوری و تشویق محققان و مدیران به توسعه راهکارها می‌توان همه‌ساله جوایزی با نام و برندی مشخص تعریف کرد. حمایت از رساله‌های دکتری و پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد با موضوع مورد بحث نیز راهی برای شناسایی روش‌های اجرای خیریه‌ها و توسعه فرهنگ تحقیق در این باره است.

۲۴. بهره‌گیری از تجارب موفق دیگر بنیادهای نیکوکاری

تجربه موفق ستاد خیرین مدرسه‌ساز در ایران و تعمیم و تسری راهکارهای آن و دیگر ستادهای مشابه ما را از نقاط قوت و ضعف فعالیت در این حوزه آگاه می‌سازد. توجه به نقاط اشتراک و افتراق محققان و مدیران را به طراحی الگو یا الگوهای ویژه بنیادهای حامی آموزش عالی هدایت خواهد کرد. اجرای این کار بین بنیادهای حامی دانشگاه‌های داخل و خارج از کشور و با شناخت راه‌های ارتباط دانشگاه و جامعه و مسئولیت متقابل آنها امکان‌پذیر است. در همین چارچوب، بهره‌گیری از تجارب بنیادهای دانشگاهی با سابقه برای هدایت بنیادهای دانشگاهی نوپا ضروری است.

۲۵. همچنین گزینه‌های ذیل را پیشنهاد می‌کنیم:

۱. جست‌وجوی حامیان مالی بالقوه در سازمان‌های مشابه: مثلاً بخش توسعه منابع هر سازمان با جست‌وجو در فهرست حامیان مالی دیگر سازمان‌ها برخی از آنها را در فهرست همکاران و همیاران آتی خود قرار دهد.

۲. برگزاری حراجی اقلام عتیقه و هنری دارای ارزش مالی یا معنوی یا کارهای دستی بومی و شخصی نفیس: چنین روشی برای درآمدزایی دانشگاه‌ها و سازمان‌ها مرسوم است. گاهی شرکت‌کنندگان اقلامی را که ارزش مالی چندانی ندارند به‌نحو نمادین و برای کمک به مراکز حراج‌کننده خریداری می‌کنند. برای مثال، شخص ممکن است در چنین مراسمی کتابی امضاشده یا نسخه‌ای خطی را که قیمت ناچیزی دارد چند صد میلیون تومان بخرد.

جمع‌بندی نهایی

امروزه موضوع نهادهای خیریه در آموزش عالی و تحقیقات پیشرفته نه راه‌حلی برای کاستن فشارهای اقتصادی بلکه راهبردی برای استقلال مؤسسات آموزش عالی و سازوکاری برای پیش‌برد علم و فناوری طبق استانداردهای آکادمیک و بین‌المللی است. ایران امروز ما از چنین بینشی کم‌بهره است. کاهش فعالیت کمی و کیفی بنیادهای خیریه دانشگاهی در دوران گشودگی اقتصادی دولت‌ها گویای نوع یخاخص از بینش مدیریتی به فعالیت و جایگاه بنیادهای حامی دانشگاه‌ها به‌مثابه راه‌حل عبور از بحران است. امروزه که کشورمان درگیر تحریم‌های چند کشور همراه با

سیاست‌های آمریکاست مجدداً شاهد عملیاتی شدن نگرش یادشده در میان مدیران دانشگاهی هستیم. در واقع، بنیادهای حامی دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی و مؤسسات جدید آموزشی در بسیاری از کشورهای دنیا مناسبات ویژه‌ای میان دانشگاه و جامعه برقرار کرده‌اند؛ مناسباتی که نه بر توقع یک طرف از دیگری بلکه بر نسبت متقابل هر دو مبتنی است. این راهبرد زمینه لازم برای محلی عمل کردن دانشگاه‌ها را فراهم آورده است.

نقطه ضعف دیگر آن است که وضعیت کنونی بسیاری از خیریه‌های عمومی ایران، برخلاف سنت خیریه‌های گذشته، بر اندیشه موقعیت‌زدایی مبتنی است بدین نحو که نهادهای مدرن، چون کمیته امداد، برخلاف رویه پیشین میان خیر و محل مصرف کمک‌ها فاصله زمانی و مکانی ایجاد کرده‌اند به گونه‌ای که خیر نمی‌داند محل کمک‌های او کجاست. این موضوع در کنار تمایلات تمامیت‌خواه حکومت پهلوی دوم، استمرار آن در دهه‌های اخیر و به تبع آن ایجاد توقع در اذهان جامعه که رفع همه مشکلات و وظیفه دولت و با تکیه بر درآمدهای نفتی است سبب شده است انگیزه مشارکت‌های مردمی در رفع مشکلات اجتماعی، از جمله دانشگاه‌داری، کم شود. امروزه بنیادهای حامی علم و فناوری و شهروندان جامعه درصدی ناچیز از هزینه‌های مراکز دانشگاهی و پژوهشی را پرداخت می‌کنند.

بنیادهای حامی محلی مدرن در کشورهای اروپایی و آمریکای شمالی در سیاقی مشابه سنت تاریخی ما کمک‌ها را با حفظ نیت خیرین به محل‌های معین هدایت می‌کنند و به اقتضای سرشت آموزش عالی و با به رسمیت شناختن استانداردهای علمی

مراقب‌اند کمک‌ها به نتایج غیرآکادمیک منجر نشود و به شعاعی بسیار گسترده‌تر از جغرافیای محلی گسترش یابد. در این رویه، میدان محلی کمک‌های خیرین و حامیان علم و فناوری در سه سطح محلی، ملی و بین‌المللی جامعه منجر به رشد علم نیز می‌شود بدین معنا که در همان حال که طبق خواسته خیرین کمک‌ها به منظور رفع مشکلات هزینه می‌شود تلاش دانشمندان بر اساس دانش بین‌المللی و برای یافتن راه‌حل‌های تازه به رشد علم و فناوری می‌انجامد.

امروزه بسیاری از بنیادهای خیریه بین‌المللی هدف خود را از مرزهای محلی و ملی به جغرافیای بین‌المللی گسترش داده‌اند. آنها در بهره‌مندسازی حداکثری مناطق محلی تعریف‌شده خود نوع دوستی را فراتر از مرزهای قراردادی تعریف کرده‌اند و بسیاری از مردمان نیازمند جهان را حمایت می‌کنند؛ الگویی که به اقتضای سرشت مرزناپذیر علم شایسته توجه در عرصه علم و فناوری است و میان اندیشه‌ها، زبان‌ها، ملت‌ها، ادیان، شهرها و کشورها صلح برقرار می‌کند.

منابع و مأخذ

- آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور بریتانیا، ۱۳۹۶، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه
- آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور ترکیه، ۱۳۹۶، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه
- آشنایی با نظام مدیریت وقف و امور خیریه در کشور هند، ۱۳۹۶، تهران: سازمان اوقاف و امور خیریه
- اسکندرییگ، منشی، ۱۳۳۴، تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر
- احتشام‌السلطنه، محمود، ۱۳۶۷، خاطرات احتشام‌السلطنه، تصحیح محمدمهدی موسوی، تهران: زوار
- برایان، سواد در نظریه و عمل، ترجمه مهسا شیخان، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۶
- بوریس، الیزابت، «نهادهای وقفی و خیریه در آمریکا»، ترجمه صادق عبادی، میراث جاویدان، سال پانزدهم، شماره ۸۸
- تکمیل همایون، ناصر، ۱۳۸۵، آموزش و پرورش در ایران، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی
- تلاش پرفضیلت در میراث افضل‌ی‌پور، ۱۳۸۴، گزارش عملکرد دانشگاه شهید باهنر کرمان، انتشارات دانشگاه شهید باهنر کرمان

- داهی الفضلی، ۱۳۷۸، «احکام و قوانین وقف در کشورهای مصر، لبنان و کویت»، همایش دستاوردهای ایران در زمینه وقف، تهران، مهرماه
- زرگری نژاد، غلامحسین و همکاران، ۱۳۹۷، *تاریخ دانشگاه تهران*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- زیدان، جرجی، ۱۳۵۶، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران: امیرکبیر
- مجله، ۱۳۹۰، *جلوه‌های عشق و ایثار: یادنامه خیرین مدرسه‌ساز*، پاییز
- گزارش راهبردی، خیریه‌ها و آموزش عالی: مطالعه موردی ایالات متحده آمریکا و اروپا، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- کریمی پور، حمید، ۱۳۹۷، *از ستیز تا سازش: آموزش نوین و نیروهای مذهبی در تاریخ معاصر ایران*، نگارستان اندیشه
- شلبی، احمد، ۱۳۶۱، *تاریخ آموزش در اسلام*، ترجمه محمدحسین ساکت، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- صدیق، عیسی، ۱۳۵۴، *تاریخ فرهنگ ایران*، تهران: دانشگاه تهران
- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۳۶، *تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی*، تهران: امیرکبیر
- عاطفی، حسن، ۱۳۵۹، «تفسیر زادالمذکرین»، آینده، سال ششم، شماره ۷ و ۸
- عبادی، صادق، ۱۳۸۶، *ساختار وقف در جهان اسلام*، تهران: بنیاد پژوهش و توسعه فرهنگ وقف
- فرشتیان، حسن، ۱۳۷۶، «وقف در حقوق فرانسه»، وقف میراث جاوید، سال پنجم، شماره ۲
- _____، ۱۳۸۱، «بنیاد اوقاف و امور خیریه فرانسه و نقش آن در توسعه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی»، وقف میراث جاوید، سال دهم، شماره ۱، ۳۷
- ماحوزی، رضا و ابراهیم‌آبادی، حسین، ۱۳۹۵، «چرا مرکز علمی جندی‌شاپور را می‌توان نخستین دانشگاه جهان نامید؟»، *مجله علمی پزشکی جندی‌شاپور*، شماره ۱۰۱
- ماحوزی، رضا، ۱۳۹۵، «سیاست‌ها و استراتژی‌های دانشگاه شیراز (پهلوی) در فعالیت‌های علمی بین‌المللی»، *بین‌المللی شدن آموزش عالی در آسیا*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

منابع و ماخذ / ۲۱۹

- محمدامین ناصح، دکتر محمدامین، دولت‌یاد؛ ۱۳۹۴، *تاریخ محلی بیرجند در آغاز سده معاصر*، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- مجله، ۱۳۹۷، همیاران، شماره ۱۰، بنیاد دانشگاهی فردوسی، صص ۷-۲۴، ۱۳۹۷

- <https://www.shinetrust.org.uk/what-we-do/>
- <http://www.ocef.org/>
- <https://www.aa.com.tr/fa/.۹۰۳۰۷۹/>
- yeditepehealthcare.org/our-charitable-activities
- www.trt.net.tr/.../khmkh-bnyd-khyryh-awrsyy-trkhyh-bh-awrgn-hl
- www.arab.org/directory/sheikh-abdallah-al-nouri-society/
- www.tahaddilebanon.org
- www.commonwealthofnations.org > Asia > Malaysia > Education.
- dignityforchildren.org/
- www.Nptrust.org
- <http://www.zew.de/en/events/1008>
- <http://www.nptrust.org/philanthropic-resources/charitable-giving-statistics>
- <http://www.theguardian.com/news/datablog/2010/sep/08/charitable-giving-country>
- Brooks, R., & Ran, T., 2003, *China's labour market and performance* (Working Paper, 3). Washington, D.C.: International Monetary Fund.
- Li, D. S., 2005, *Guo Xin Ban jiu 2005 nian guomin jinji yunxing qingkuan jixin xinwen fabuhui* [State Council Information Office hosts press conference on national economic performance in 2005]. Retrieved May 14, 2006, from www.fane.cn/article_view
- Ciaran Connolly and Noel Hyndman, *Towards Charity Accountability: Narrowing the gap between provision and needs?*, Public Management Review, Routledge, 2013
- Deng, G. S., 2001, *Zhongguo NGO wenjua diaoca de chubu fenxi* [An analysis of China's NGO survey]. In M. Wang (Ed.), *Zhongguo NGO yanjiu 2001-yi ge'an wei zhongxin* [China's NGP Study 2001-case studies]. Beijing: UN Centre of

Regional development and Qinghua University NGO Research Institute

- Ebrahim, A, 2003, Making Sense of Accountability: Conceptual Perspectives for Northern and Southern Nonprofits, *Nonprofit Management and Leadership*, 14 pp.191-212

- Fleet, J. F., "The Question of Kanishka", *The Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, 1913, pp.95-107

- Hart R., 2002, Ephiphany: Using the internet to build support. *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing* 7: 353-360

- Hooper, K. C., Sinclair, R., Hui, D. and Mataira, K. M., 2008, Financial Reporting by New Zealand Charities: Finding a Way Forward, *Managerial Auditing*, 23:1 pp68-83

- Hyndman, N.,1990, Charity Accounting: An Empirical Study of the Information Needs of Contributors to UK Fundraising Charities, *Financial Accountability & Management*, 6:4 pp295-307

- Hyndman, N. and McDonnell, P.,2009, Governance and Charities: An Exploration of Key Themes and the Development of a Research Agenda, *Financial Accountability and Management*, 25 pp5-33

- Li, D. S.,2005, *Guo Xin Ban jiu 2005 nian guomin jinji yunxing qingkuan jixin xinwen fabuhui* [State Council Information Office hosts press conference on national economic performance in 2005]. Retrieved May 14, 2006, from www.fane.cn/article_view

- Lin, K., 2001, Chinese perceptions of the Scandinavian social policy model. *Social Policy and Administration*, 35(2): 321-340.

- MATIKAN E HAZARASTAN translated by S.J. Bulsara Bombay 1937

- Miu Chung Yan and etc, Charity Development in China: An Overview, *Asia Pacific Journal of Social work and development*, vol.17, num.1, June 2007

- Richards J, 2007, Networking for charity. *Timesonline*, November 28

- Sarah Quinton & Paul Fennemore, Missing the strategic marketing trick? The use of online social networks by UK Charities, international Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing, Int J. Nonprofit Volunt, Sect. Mark, 18: 36-51, 2013

- Sharon B. Sundue, Confining the Poor to Ignorance? Eighteenth Century American Experiments with Charity Education, History of Education Quarterly 47/2, 2007, pp.123-148

Spaulding TJ

. 2009. How can virtual communities create value for business, Electronic Commerce Research and Application 9(1): 38-49

- Tang, J., 2005, *Cishan shiye zai xiandai shehui zhang de diwei he zuoyong* [The status and role of charity in modern society]. Retrieved July 23, 2006, from www.sociology.cass.cn/shxw/xstl/xstl10/t20050201_4756.htm

- Wong, L., 1995, Reforming welfare and relief: Socializing the state's burden. In L. Wong & S. MacPherson (Eds.), *Social change and social policy* (pp. 50-69). Aldershot, England: Avebury

- Yang, Y. Y., 1999, *2000 nian zhongguo jiuye xingshi jiqi zhence xuanzhe* [China employment situation in 2000 and policy choices]. *Hongguan Jinji Yanjiu*, 12, 52-54.

نمایه

ترکیه، ۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۲۲۹	افضلی پور، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۷۰، ۲۳۰
توسعه، ۱۰	انگلستان، ۵، ۲۵، ۲۶، ۴۰، ۴۴، ۴۵
چین، ۵، ۳۳، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۴	آتشکده، ۹۰، ۹۵
۶۵	آلمان، ۲۵، ۲۶، ۸۰
خلیفه، ۱۰۰	آمریکا، ۵، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹
دارالفنون، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴	۳۱، ۳۰، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹
۱۱۶، ۱۱۷	۴۰، ۴۴، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۷۹، ۸۰، ۱۱۰
دانشگاه، ۷، ۹، ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۲۲	۱۲۶
۲۹، ۳۳، ۳۸، ۶۸، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۱۰۲	آتشکده، ۹۰، ۹۵
۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۲۵، ۱۲۷، ۱۲۸	آلمان، ۲۵، ۲۶، ۸۰
۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۳، ۱۳۷، ۱۳۸	آمریکا، ۵، ۲۴، ۲۵، ۲۷، ۲۸، ۲۹
۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۸	۳۰، ۳۱، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹
۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵	۴۰، ۴۴، ۴۷، ۵۰، ۵۱، ۷۹، ۸۰، ۱۱۰
۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۲	۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۲، ۲۲۹، ۲۳۰
۱۷۳، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹	آموزش عالی، ۹، ۱۰
۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵	بیرجند، ۷، ۱۱۲، ۱۵۱، ۱۹۴، ۱۹۵
۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱۹۳	۱۹۶، ۲۳۱
	پنسیلوانیا، ۳۸، ۱۳۲
	تراست، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۷۸
	۷۹

۲۲۴ / حامیان علم و فناوری در جهان و ایران

کویت، ۷۰، ۷۱	، ۲۰۴، ۲۰۳، ۱۹۷، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴
لبنان، ۶، ۶۸، ۷۳، ۷۴، ۲۳۰	، ۲۱۹، ۲۱۸، ۲۱۷، ۲۱۶، ۲۱۰، ۲۰۹
مالزی، ۶، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۲۱۲	۲۳۱، ۲۳۰، ۲۲۵، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۰
مدرسه، ۶، ۸۸، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۸،	، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۷، دانشگاه تهران،
۱۳۰، ۱۲۱، ۱۱۸، ۱۱۷، ۱۱۵، ۱۱۲	، ۱۶۹، ۱۶۸، ۱۶۷، ۱۶۶، ۱۵۶، ۱۵۰
مصر، ۵، ۶۸، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۱۰۴،	۲۳۰، ۲۱۶، ۱۷۳، ۱۷۰
۲۳۰	، ۱۵۰، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۷، ۱۳۰،
معارف، ۶، ۷۱، ۸۶، ۱۱۶، ۱۱۷،	۱۶۳، ۱۶۰
، ۱۲۴، ۱۲۳، ۱۲۲، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹	رضا فرجی دانا، ۱۵۶
۱۲۵	شناخت، ۱۰
مکتب‌خانه، ۶، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۶،	عباس مصلی نژاد، ۱۵۶، ۱۶۹، ۱۷۶،
۱۰۸	۱۸۷، ۱۸۳
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری،	عبدالرضا باقری، ۱۹، ۱۵۶، ۱۶۰،
، ۱۳۵، ۲۲، ۱۹، ۱۸، ۱۷، ۱۴، ۱۱، ۷	۱۶۱
، ۱۴۳، ۱۴۲، ۱۴۱، ۱۴۰، ۱۳۸، ۱۳۶	فرانسه، ۵، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵،
، ۱۵۵، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۴۹، ۱۴۸	۲۳۰، ۱۱۹، ۱۱۷، ۱۱۰، ۵۹، ۵۸، ۵۷
، ۱۸۷، ۱۸۴، ۱۶۴، ۱۶۰، ۱۵۹، ۱۵۷	قرون وسطا، ۴۱، ۵۲
۲۱۲، ۲۱۰، ۱۹۷	کاظم قلمچی، ۱۶۹
وزارت فرهنگ، ۱۴۱	کالیفرنیا، ۳۳
	کلاگستون، ۳۵